

و قوت و اقتدار بخش و مظاهر تأیید و توفیق فرما که در نهایت برآزندگی در بین خلق محشور شوند توئی مقتدر و توانا. نما تا نشو و نما نمایند و روز به روز ترقی کنند و شکفته گردند و پر بار و برگ شوند. ای پروردگار، جمله را هوشیارکن را از بارین ابر-عنایت تر و تازه فرما و به نسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش و به حرارت شمس حقیقت جانی تازه عطا هوالله ای پاک یزدان، این نهالین جویبار هدایت

عزیز کن از جلم محبتت لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مشک و عتبری بیزد توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا . هوالله ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیتت

جوش و خروش آئیم و از پیمان هپیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران. و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به بحر عصیان مستغرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیامرز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم، در جان شو، بی کسم معین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مادون در هجرانم پر حرمانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مجیر شو افتاده‌الم دستگیر شو، غریبم مونس پیمان هپیمان، افتاده‌الم بیچاره‌الم دلداه‌الم شیدائیم سودائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم، هوالله ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیما، در رهت افتان و خیزان و سرمست

خاصان در آر و در خلوتگاه عالم بالا محرم اسرار کن و مستغرق بحر انوار فرما. توئی بخشنده و درخنده و مهربان دل به تو بستند و از دلم بیگانگی جستند و به ایگانگی تو پیوستند، این نفوس نفیسه را انیس لاهوتیان فرما و در حلقه هدایتت روشن و درخنده گشتند، جامی سرشار از باده محبت نوشیدند و اسراری بی‌پایان از اوتار معرفت شنیدند، هوالله بخشنده یزدان، این بندگان آزماگان بودند و این جان‌اهلی تابان به نور

ریز تو نکویم، مانند مرغ سحر در دلم محبت تو گرفتار گرم و شب و روز بنالم و بزارم و بگویم: یا بهاء‌الاهی. محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدلی تو گرم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و جز تو نجویم و به‌غیر از تو نجویم و بجز مهربان، این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشرتی شادمانی بخش، از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به هوالله ای خداوند

و زیور عالم آفرینش کن تا به ستایش تو پردازند و به تسبیح و تقدیس تو. توئی عفو توئی غفور توئی آمرزنده و مهربان.

و در چمن عفو و غفران پناه بخش، سرور آزادگان کن و در حلقه مقربان درآر، بازماندگان را نوازش فرما و آسایش بخش سازند و به نغمه و ترانه پردازند. خدایا این نفوس را گناه بیامرز و از چاه به اوج ماه برسان، در گلشن الطاف راه ده و پیوسته به عنایات خرم و دلشاد. حال به جهان راز پرواز نمودند و در جوار رحمت بر شجره طوبی لانه و آشیانه جوی تو، در زمان زندگانی به نفع رحمانی زنده شدند، دیده بینا یافتند، گوش شنوا داشتند، از هر بستگی آزاد بودند و مهربانا، این جان‌های پاک از زندان خاک آزاد شدند و به جهان تو پرواز کردند، نیکخو بودند و مفتون روی تو و تشنه هوایابی آمرزنده

AB04737

محافل اماء رحمن لسان به نکرت بگشایم و محفل بیارایم. توئی مقتدر و توانا و توئی مؤید و موفق و بینا یا ربی الاعلی. و از نکر ماسوی خاموش شوم و از جلم محبتت سر مست و مدهوش گرمم و به خدمت امرت پردازم و به ابداع نغمات در حقیقت مقتبس گرمم، به نکر و ثنایت ناطق شوم و به عبادت جمال رحمانیتت مشغول گرمم، غیر تو را فراموش کنم فرمودی. حال ای پروردگار، استقامت بخش، ثبوت عنایت فرما تا در محبت مطلع احدیتت ثابت مانم و از انوار شمس بودم هدایت فرمودی، نابینا بودم بینا کردی، محروم بودم محرم راز فرمودی، مرده بودم به نفلت گلشن قدس زنده ولی امید به فضل و جود تو دارم و هر چند از قابلیت و استعداد محرومم ولی رجا به فضل و عنایت تو دارم، گمراه هوالمه ای خداوند مهربان، هر چند وجود نابودم

AB05921

دهش و بخشش انداز، و دیدن روی تابان روا دار. توئی دهنده و بخشنده و آمرزنده و مهربان، وعلیکم المبهاءالابهی هر روین پاک را به درگه ایزیدی راه ده و هر مستمند بیچاره را در مینوی همایون خویش ارجمند فرما و در دریای امیدند که در گلشن روشن جهان بالا بر سرو بلغ بهشت نشیمن جویند و در کاخ آمرزش جای گیرند. خداوند مهربانا، از دام خاکدان آزاد شدند و به جهان آسمان پرواز نمودند، از لانه خاک رهندند و به آشیانه جهان پاک پریدند، به این هوالمه آمرزگارا، ایزد بزرگوارا، این جانها مانند مرغیان تیز پر

AB06120

و جمالی یوسفی و اشتیاقی یعقوبی و صبری ایوبی بر خدمتت قیام نمایند. رب وفقهم علی ذلک انک انت المقوی القدير. آسمانی و نفسی رحمانی و بخششی یزدانی و ید بیضائی کلیمی و نفع مسیحائی و خلّتی خلیلی و محبتی حبیبی قوت روح الامین رایگان کن تا دوستانت به قوت لاهوتی و قدرت ملکوتی و سطوت جبروتی و تأییدی سمائی و جنودی نما و جانها را گلزار و چمن، قلوب را حقیقه وفا کن و صدور را معین فیوضات ملاً اعلی، فیض روح القدس ارزان فرما و را از بیگانه و خویش بیزار نما و به نفلت ریاض ملکوت ابهات همراز و دمساز فرما، چشمها را به مشاهده انوار روشن هوالابهی ای پروردگار مهربان، این یاران خویش

AB06469

آمرزگارا، خطا بخش عطا بده گناه بیامرز، ما را آداب رحمانی بیاموز. توئی دهنده توئی بخشنده توئی مهربان. نه، طالبانیم به الطاف بی پایان رهبری نما، ساکتانیم نطق فصیح بخش، بی قوتیم قدرت ملکوت احسان فرما. پروردگارا ای پروردگار، فقیرانیم گنج ملکوت ارزانی نما، نلیلانیم در ملکوت عزیز فرما، بی سر و سامانیم در پناهت ملجأ و مأوی کن و دلها را به فیوضات نا متناهی غبطه گلشن نما، ارواح را بشارت کبری ده و نفوس را به موهبت عظمی مفتخر نما بخش و موهبت کبری مبنول دار تأییدات غیبیه برسان و مکاشفالت روحانیه ارزان فرما، دیدهها را به نور هدی روشن مهربانا کریم رحیما، این جمع را به شمع محبت روشن نما و این نفوس را به نفلت روح القدس زنده کن، انوار آسمانی هوالمه خداوند

ده تا این طیر به گلشن رحمانی پرواز نماید و در حدائق عفو و مغفرت نامتناهی درآید. توئی آمرزنده و بخشنده و مهربان. گنه بیمارز و عفو و غفران مینول دار، این تشنه را به چشمه حیات رسان و این ماهی را در بحر بی پایان غفران غوطه بود حال قصد ورود در ملکوت بقا نمود و توجه به جهان روحانی کرد و امید الماطف نامتناهی داشت. ای آمرزگار، هوالله ای پروردگار، این نفس پاک توجه به ملکوت تو نمود و تضرع و زاری کرد، تا حال اسپر ناسوت

خویش چاره‌الی کن شاید این دل از عالم آب و گل رهائی یابد و در اوج رحمانی پروازی نماید و به روح انقطاع بیاساید. بخش، هر دم وسوسه‌الی نماید و در هر نفس دلم تازه‌الی نهد. ای خداوند، تو نجات بخش و رهائی ده و به نفعات قیس سرمست و مدهوش گرم. ای خداوند، نادانم و به گم‌ان خویش گرفتار، چاره‌الی کن و این افتاده را از نفس آماره نجات از بند و کمید هوی و هوس رها کن و در دلم محبت جمال ابهی بیفکن تا آنچه غیر اوست فراموش کنم و از باده محبت هوالله ای پروردگار، این گنه‌کار را از اغیار بیزار نما و به محبت خویش گرفتار نما،

و خوی رحمانی جویم، نشرتعالیم الهی نمایم، فیض ابدی طلبم و موهبت الهی خواهم. توئی دهنده و بخشنده و مهربان. کن، نورانی نما، رحمانی کن، آسمانی فرما تا از عالم طبیعت رها یابم و از جهان ماوراءطبیعت خبر گیرم، زنده شوم خلق پروردگار، عنایت فرما، هدایت بخش، پرورش ده، نشو و نما عطا کن، بنیت ملکوت نما، فیض لاهوت بخش، روحانی هوالله

ملکوت راز به نغمه و آواز پردازد. ای پروردگار، المطف بی‌پایان شایان کن و غفران رایگان فرما. توئی آمرزنده و مهربان. المغان ترتیل کلمات می‌کرد. بلبل گویا بود و به آهنگ ملاء اعلی دمساز، حال از گلخن فانی به گلشن باقی پرواز نمود تا در ای پروردگار آمرزگار، ... این طفل کودک سراج محفل بود و مرغ خوش‌الحین آن منزل، تلاوت آیات می‌نمود و به ابدع هوالله

چه پرواز نماید، اوج عزت کجا بال و پر مرغ تلت کجا. ای پروردگار، تو تایید فرما، تو توفیق بخش انک انت المکریم. خویش سر و سامانی بخش، از کس انقطاع بنوشان و از جلم عنایت سرامست نما، بنده ضعیف چه‌تواند و پشه نحیف را در بین ملاً امکان به تلج عبودیت سرفراز کن، این بینوا را به صرف عنایت پُر نوا کن و این بی‌اسر و سامان را در پناه الله ابهی ای خدای یگانه، این بنده خویش را طراز دیباج کینونات فرما و این عبد

کوی خویش راه ده و به پرتو روی خویش روشن فرما. توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی بینا و شنوا و خداوند بی‌اهمتا. جهان‌اسوز بخش و ناله جان‌اسوز ده، شمع شب افروز فرما و آه دلسوز عطا کن، ناشر نفعات فرما و آیات باهرات کن، به و دلجوئی نما و خوش خوئی عطا کن، ثابت و نابت فرما و قائم و کامل کن، مقرب درگاه فرما و واقف و آگاه کن، شعله بزرگواری، این گرفتار زلف مشکبار را از باده محبت جامی سرشار بخش، بیدار و هشیار کن، غمخوار و غمگسار گرد هوالله ای آمرزگار

ده، قلب فارغ بخش، حجاج و برهان الماهم کن و سبب هدایت نفوس فرما. توئی مقتدر و توانا و توئی کریم و رحیم و دانا.

از صفات خویش مبذول فرما، آسمانی کن زبانی نما، روح‌القدس یدم، به روح وحدت عالم انسانی زنده نما، لسلین ناطق فرما، جام عشق بنوشان و نور عرفان بخش، در چشمه ایوب غوطه ده و از مَحَن و آلام اخلاق بشری شفا بخش، پرتوی هوالله ای خداوند، این کنیز مُستمند را در ملکوت خویش قبول نما و به فیض ابدی محظوظ

AB09272

همه چیز آزادیم، چون به پیمان و ایمن تو ثابت و استواریم از غیر تو بیزاریم. پروردگارا رحم کن استقامت بخش. بر گشا و اسرار غیب به فؤادش الهام فرما. توئی نصیر توئی ظهیر توئی مُجیر توئی دستگیر، چون به تو پردازیم از ملاذ رفیعت مسکن بخش، شمع روشنی در قلبش بر افروز و چشمه سلسبیلی از دلش جاری کن، ابواب فیض بر رخسار هوالله ای پروردگار، این بنده درمانده را در کَهف مَنیعت مأوی ده و در

AB09349

به ذکر تو زنده گردند و به مَحَبَّت تو حیلت جاودانی یابند. اَنْتَ الْكَرِيمُ و اَنْتَ الْمَرْحِيمُ و اَنْتَ الْمَعْرُوفُ الْمَرْبُ الْقَدِيمُ. را مُطهر فرما، مشامشان را مَعَطَّر کن تا سزاوار آستین احدیت گردند و به عبادت و خدمت و تَضَرُّع و عجز و نیاز پردازند، این کنیزان را در ملکوت عَزَّت عزیز نما و این اماء را در آستین مقدست مقبول فرما، قلوبشان را مَثُور کن و روحشان هوالله ای پروردگار،

AB09943

در دل بر فروزیم و حجابات ملسوی بسوزیم و چشم از مادون بدوزیم و به مشاهده جمال در ملکوت ابهائیت باز کنیم. بلند گرد و بندها بگسلیم و از بیگانگان بیزار شویم و به تو دل بندیم و به تمامی در دلم عشقت گرفتار شویم، آتشی هوالله ای خداوند مهربان، عنایتی فرما و موهبتی بنما تا همت این بینویان

AB10491

دیگر با رُخی مَثُور در میان آزادگان محشور گرد و به نظر عنایت منظور. توئی کریم و رحیم و غفور و رؤوف و مهربان. هوالله ای خداوند بنده پرور، پدر این مهرپرور را به بهشت برین رهبر شو و از گناه و خطا درگذر تا در جهان

BH05327

روز مبارک کنیزان خود را محروم مفرما و از قلم اعلی اجز لقا از برای کل ثبت نما. توئی مقتدر و توانا و توئی بینا و دانا. تَمَسُّکُ جَسْتِه و دست‌های رجا را به‌اشطر تو بلند نموده. عطا فرما آنچه را که سزاوار تو است. ای پروردگار من، در این من و مقصود من، مشاهده می‌انمائی کنیز خود را که به‌اتو توجه نموده و به انار مَحَبَّت مُشْتَعَل گشته و به بی‌نیازی تو عمل شده ستر فرمائی و به اسم غفورت از ما درگذری و به اِخْلَعُ غُفْرَان، عباد و اماء خود را مَزین داری. ای محبوب رحمت جاری و آفتاب کرم مشرق و سماء عنایت مرتفع است. قسم می‌دهم تو را به اسم ستارت که آنچه به‌اغیر رضای نبوده و نیست. لَمْ يَزَلْ يَكْتَا بُوْدَه‌الی و لا یزال خواهی بود. ای خدای من و محبوب جان من، امروز روزی است که فریاد باش ای پروردگار من و یکتا خداوند بی‌مانند من، شهادت می‌دهم به یکتائی تو و به‌اینکه از برای تو وزیر و معینی بسمه المهیمن التقیوم ای کنیز من، به‌این بیان که از مشرق قم رحمن اشراق نموده ناطق

BH07261

نزد ظهورش عاجز و قاصر مشاهده شوند. ای کریم، این عبد را به‌خود وا مگذار. توئی قادر و توانا و مالک جود و عطا. به‌اتو ناظر و تو را شاکر، اگر اجابت فرمائی محمودی در امر و اگر رد نمائی مطاعی در حکم. توئی آن مقتدری که کل بر بخششت اعتراف نموده. این بنده از کل گذشته و به‌احبال جود و انذیال کرم تَمَسُّک و تَشَبُّثُ جَسْتِه و در جمیع احوال کرده، او را محروم منما. توئی آن فضالی که تریات کائنات بر فضلت گواهی داده، توئی آن بخشنده‌الی که جمیع ممکنات

را از افلاك بگذرانند و سَطوتت صخره صَما را آب نمايد. اى خداوند دانا، عَبدت ضيافت تو را اراده نموده از او بپذير
خبيرى كه از اسرارِ قلوب و نفوس و صدور آگاه بوده و خواهى بود. هر عمل پاكى به امثابه نور به تو راجع، اراده‌الت خاك
الابهى. المَها مقصوداً محبوباً كريمًا رحيمًا توئى آن عليمى كه هيچ امرى از تو مستور نبوده و نخواهد بود و توئى آن
بِسْمِ اللّٰهِ الْاَقْدَسِ الْاَعْظَمِ الْعَلِيِّ

AB00073SER

دلالت فرمودى و اين تشنگان را به عَينِ عَنايت رساندى و اين درماندگان را در ظل كلمه الهيه پناه داسى. اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيمُ.
هُوَاللّٰهُ اى بى نياز، ستايش تو را سزاست كه اين گمگشتگان را به شهرلاه هدايت

AB02205

قلبى و بشارتى روحى و تأييدى رُوْحِ الْمَقْدَسِ مَوْفِقِ و مَوْيِدِ فرما. توئى مقتدر و عزيز و توانا و توئى عالم و واقف و بينا.
اَبَسَى كَرَمِ فرما و اين نُفوس را به قوتى ملكوتى و موهبتى آسمانى و اخلاقى رحمانى و مَوَاهِبِ سُبْحَانِى و اِيْجْنَابِى
را به نكرت ناطق كن و بديهها را به مشاهده انوار ملكوتت روشن فرما. اى پروردگار، فيض آسمانى بخش و حيايت
قلوب زنده را سرشار از باده محبتت فرما و اين جانهاى آزاد را به بشارت كبرى كَرِّحِ و مَسْرَتِ بى منتهى بخش، زبانها
هُوَاللّٰهُ اى پروردگار، اين نفوس طيبه طاهره را ابناء ملكوت فرما و اين وجوه نورانى را سراجهاى رحمانى كن، اين

AB11235

جهان محتاج نور هدايت است، پس اى پروردگار عنايى فرما كه شمس حقيقت جهان را كرآن به كرآن روشن نمايد
هُوَاللّٰهُ خدايا، تاريخى نزاع و جدال و قتال بين ادريان و شعوب و اقوام افق حقيقت را پوشيده و پنهان نموده،

BH09205

موجود فرمودى و به انواع مائده و نعمت و آلاء لا تحصى مَرَّيْنِ داشتى. توئى بخشنده و توانا لا اله الا انت العلي الابهى.
تو بوده و هست. پس باز كن باب رحمتت را و قسمتى عطا فرما اين عيد متمسكت را. از يك كلمه عليا عالم وجود را
حفظ فرما و به نور بَرِّ و تقوى مَرَّيْنِ دار. اى مالك من مملوكت تو را نكر مي نمايد و لازال بصرش منتظر عنايات لانهايه
المهى. المهى اين عبد را از شَرِّ نفس و هوى

AB04745

فرما تا قدم تلغزد و به اسفل درجات نرسد. توئى مقتدر و عزيز و توانا و توئى عالم و بينا و دانا اِنَّكَ اَنْتَ الْمُغْفُورُ الْمَرْحِيمُ.
را به صرف موهبت عزيز ملكوت فرما و حقيرى را به نهايت رَأْفَتِ مَظْهَرِ فيض لاهوت نما. اى پروردگار، حفظ كن، صيانت
اگر بگذازى مستوجب عذاب و جفا است، آنچه شايان آستان است رايگان فرما و آنچه لايق حقايق است ارزان كن، نليلى
در صون حمايت مأوى ده و در كهف عنايت ملجأ و پناه بخش. اى مهربان، اگر بنوازى جوهر وفا و حقيقت عطا است و
روح القدس منتشر شد، جان به جانان رسيد و دل راه به بارگاه يافت و به سَرِّ مَكْنُونِ و رمز مَصُونِ آگاه شد. اى پروردگار،
ديده به بيدارت روشن گرديد و دل و جان از نَفْحَتِ قَدْسَتِ غِبْطَةِ گلزار و چمن شد، نَفْحَتِ اَنْسِ مرور يافت و نَفْثَتِ

AB05587

آشپانه بخش، این بی‌انصیبان را نصیب ده و این درماندگان را درمانی عنایت کن. توئی کریم توئی رحیم و توئی علیم. این سراج‌های روشن را از ارباب امتحان و افتتان محافظت فرما و این طیور بال و پر شکسته را در حدیقه فضل سُررُمتقابلین جالس گردند و از کأس موهبت نوشند و از صهباء عنایت سرمست گردند، توئی قادر و توانا. ای پروردگار، تو، عنایتی کن مرحمتی نما که کل در ظل ممدود و سایه خیمه محمود در تحت لواء مقصود مجتمع گردند و بر ارائک و هر یومی در بومی سرگردان، به یاد تو دلخوشند و به نار محبت در آتش، سرگشته کوی تو آند و آشفته روی و موی بندگانت در اطراف و اکناف متفرق و متشتت و پریشان، سرگردان بی‌اسر و سامان، در هر نفسی در دامی گرفتار و در هوالله ای پروردگار ای کردگار مهربان،

AB05587

آنچه سزاوار رحمت است شایان فرما و آنچه لایق است مبذول دار. توئی رحمن توئی یزدان توئی خنان توئی منان. پناه ده، هر چند پیر گناهیم در جولر رحمت کبری ماوی بخش زیرا تو بخشنده و مهربانی و عفو و غفور بر اهل جهان، بدل به حسنت موفور شود. ای خداوند این بنده مستمند را به اوچ بلند برسان و این عهد مسکین را در درگاه احدیت زائل گردد و چون ماء طهور از ملکوت ای رب غفور نازل شود اوسلخ خطا هر چند عظیم باشد مفقود گردد و سیئات بی پایان، ولی عفو و غفران تو اعظم از آن، چون نور بخشش بدرخشد ظلمات عصیان هر چند تاریک و حاکم باشد. ظل هوالله ای پروردگار ای کردگار، ما گنه کاریم و تو آمرزگار و ما مقصریم و تو بزرگوار، هر چند عصیان مانند دریای

AB07344

و بنواز زیرا اسیر آن زلف مشکبارند و در هر دم صد جان نثار نمایند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا. فرما و بی‌انصیبان را به فیض قدیم بهره فراوان بخش، محرومان را محرم اسرار کن و مشتاقان را به موهبت دیدار پرور تو گویند. ای دلیر مهربان، بیچارگان را از بیگانگان در صون حمایت، حفظ و صیانت فرما و افتادگان را به پد قدرت بلند گوشه و کنار در تحت تهدید بیگانه و اغیارند، از جان بیزار و از هر فکری در کنارند، روی تو جویند و سوی تو پویند، راز هوالله ای پروردگار، یاران در هر

AB07915

گرفته نثار درگاه تو نمائیم و روی تو جوئیم و به کوی تو پی بریم و راز تو گوئیم. توئی مقتدر و توانا و واقف و بینا. پایان دانند به‌اکلی جان فشانند. ای خداوند، هوشمندان را بنواز و همدم و همراز عبدالبهاء ساز، تا گل جان و دل در کف بلداده روی تو. هر بلائی را ولا دانند و هر دردی را درمان شمرند. غل و زنجیر را تاج و سریر یابند و زندان را ایوان بی از هر طرف تیر و سنایی و از هر شخصی زخمی بی امان. با وجود این سرگشته کوی تو آند و آشفته موی تو و ای یزدان مهربان یارانت بی سر و سامانند و دوستانت اسیر در دست عوانان

AB10225

محفوظ دار و از کم و بیش بیزار کن، از کون و امکان و آلاپش اکوان منقطع فرما و به نفلت لامکان زنده و تر و تازه. هوالله ای پروردگار مهربان، دوستان را در صون حمایت خویش

AB07737

خاصان در آر و در خلوتگه عالم بالا محرم اسرار کن و مستغرق بحر انوار فرما. توئی بخشنده و درخشنده و مهربان

دل به تو بستند و از دلم بیگانگی جستند و به‌ایگانگی تو پیوستند، این نفوس نفیسه را انپس لاهوتیان فرما و در حلقهٔ هدایتت روشن و درخشنده گشتند، جامی سرشار از بادهٔ محبت نوشیدند و اسراری بی‌پایان از اوتار معرفت شنیدند، هوالله بخشنده یزدانا، این بندگان آزادگان بودند و این جان‌اهلی تابان به نور

AB00518

بیان عجز چاره‌الی نه و به‌غیر از اعتراف به قصور بهانه‌الی نیست، تو غنی متعالی و مقدس از ادراک عقول اهل کمال ... بشری. نتایج فکریه چگونه به‌امعارج الهیه رسد و عنکبوت اوهام چگونه به‌لعاب ظنون و افهام بر رفرق تقدیس تند، جز توان نعت و ستایش حضرت بیچون گفت، آنچه گویم و جویم از مدرکات عالم انسانی است و در تحت احاطهٔ عالم امر عسیر، زبان آلتی است مُرکب از عناصر، صوت و بیان عَرَضی است از عوارض، به آلت عُنصری و صوت عارضی چگونه آمرزگارا، چگونه زبان به‌استایش گشایم و پرستش و نیایش نمایم، تقریر عین تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این هواللهی الاهی پروردگارا

AB08694

ریز تو نگویم، مانند مرغ سحر در دلم محبت تو گرفتار گرم و شب و روز بنالم و بزارم و بگویم: یا بهاء‌الابهی. محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدلی تو گرم و دیوانهٔ تو، جز تو نخواهم و جز تو نجویم و به‌غیر از تو نیویم و بجز مهربان، این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشرتی شادمانی بخش، از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به هوالله ای خداوند

BH01313NAM

المفطی العلیم الحکیم یا الهی اسمک شفائی و نکرک کولئی و قُرْبک رجائی و حُبک مؤنسی و رَحْمَتک طیبی و معینی فی الدنیا و الآخرة و انت انت

AB02304TST

فائصر امرک و اخذل اعدائک ثم اکتب لنا خیر الآخرة و الاولی انک انت الحق علام الغیوب لا اله الا انت القفور الکریم. السنة عزًا لاجبائک ثم قدر فیها ما یستشرق به شمس قدرتک عن أفق عظمتک و یستضیئ بها العالم بسلطنتک ای رب بریتک ای رب هذیه سلعة جعلتها خیر المساعل و تسبها الی افضل خلقک اسألك یا الهی بک و بهم بان تقدر فی هذیه تقربوا الیک و منعوها عن لقاؤک و منهم من نخلوا فی جولیک طلبًا للقاؤک و حال بیئهم و بیئک سُبحات خلقک و ظلم طفلة و منهم الذین جعلهم المشرکون اساری فی مملکتک و منعوهم عن التقرب الیک و المورود فی ساحة عزک و منهم یا الهی السمولت و الارضین فیا الهی تری ما ورد علی اجبائک فی ایامک فوعزتک ما من ارض الا فیها ارتقع ضجیح اصفیائک و ممانتنا بحبک ثم ارزقنا لقاؤک فی عولیمک الی ما اطلع بها احد الا نفسک انک انت ربنا و رب العالمین و الهنا و اله من فی خلصًا لوجهک و منقطعًا عن دوتک فانزل علینا یا الهی ما ینبغی لفضلک و یلیق لجودک ثم اجعل یا الهی حیاتنا ینکرک و الاعظم و صاموا فیهم بما امرتهم فی الواج امرک و صحفک فاینزل علیهم ما یقدسهم عما ینکرهه رضؤک لیکنونوا فی القرب منعوها عن زیارة طلعتک و فی الواصل جعلوا محرومًا عن لقاؤک ای رب هؤلاء عباد نخلوا معک فی هنا المسجن

مَشِيَّتِكَ إِلَى أَنْ أَدْخَلْتَهُمْ فِي ظِلِّ قِبَابِ رَحْمَتِكَ وَفَقَّهْتَهُمْ عَلَى مَا يَنْبَغِي لِهَذَا الْمَقَامِ الْإِسْنَى أَيْ رَبِّ لَا تَجْعَلْهُمْ مَنِ الَّذِينَ
الْمَحْصَاةَ فِي قَبِيضَةِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ فِيَا إِلَهِي هُوَلاءِ عِبَادِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ مُعَلِّمِينَ نَفْسِكَ وَمُؤَلِّمِينَ مَطْلِعِ نَائِكَ وَفَرَّقْتَهُمْ أَرْيَاحَ
عَمَّا قَدَرْتَهُ فِي هَذَا الْمَظْهَرِ الَّذِي بِهِ يَنْطِقُ كُلُّ شَجَرَةٍ بِمَا تَنْطِقُ سِدْرَةُ السَّيْنَاءِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ وَيَسْبِيحُ كُلُّ حَجَرٍ بِمَا سَبَّحَ بِهِ
شَوْقًا لِلْقَائِكَ وَأَخَذْتَهُمْ نَفْحَاتٍ وَحِيكَ عَلَى شَأْنٍ يُسْمَعُ مِنْ كُلِّ جُزْءٍ مِنْ أَجْزَاءِ أَيْدِيهِمْ نَكَرَكَ وَتَنَاوَكُ بَانَ لَا تَجْعَلْنَا مَحْرُومًا
عَلَى وَجْهِ بَرِيَّتِكَ وَمَصَارِيحِ عِنَايَتِكَ لِمَنْ فِي أَرْضِكَ أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ سَفَكَ دِمَائِهِمْ فِي سَبِيلِكَ وَانْقَطَعُوا عَنْ كُلِّ الْمَجْهَلَاتِ
فَأَنْزَلَ عَلَيْنَا وَعَلَيْهِمْ مَنْ سَحَلِبَ رَحْمَتِكَ مَا يَنْبَغِي لِسَمَاءِ فَضْلِكَ وَكَرَمِكَ مُسَبِّحَاتِكَ هَذِهِ سَاعَةٌ فِيهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُ جُودِكَ
لِنَكَرِكَ وَتَنَاوَكُ وَيَقْرُونَ مِنَ التَّوْمِ طَلْبًا لِقَرِيكَ وَعِنَايَتِكَ لَمْ يَزَلْ طَرُقْهُمْ إِلَى مَشْرِقِ الْمَطْلُوكِ وَوَجْهَهُمْ إِلَى مَطْلِعِ الْمَهْلَمِ
كَأَنَّ نَكَرَكَ فِي الْأَسْحَارِ يَا رَبِّ الْأَرْيَابِ أَوْلِيكَ عِبَادٌ أَخَذْتَهُمْ سُكْرَ خَمِرٍ مَعَارِفِكَ عَلَى شَأْنٍ يَهْرُبُونَ مِنَ الْمَضْجَعِ شَوْقًا
لِكُلِّ نَفْسٍ مِنْهَا نَصِيبًا فِي لَوْحِ فَضْلِكَ وَزَيْرٍ تَقْدِيرِكَ وَاخْتَصَصْتَ كُلَّ وَرَقَةٍ مِنْهَا بِحِزْبٍ مِنَ الْأَحْزَابِ وَقَدَرْتَ لِلْعَشَائِقِ
لِمَنْ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ وَاخْتَصَصْتَ كُلَّ سَاعَةٍ مِنْهَا بِفَضِيلَةٍ لَمْ يُحِطْ بِهَا إِلَّا عِلْمَكَ الَّذِي أَحَاطَ بِالشَّيْءِ كُلِّهَا وَقَدَرْتَ
يَا إِلَهِي هَذِهِ أَيَّامٌ فِيهَا فَرَضْتَ الْمَصِيَامَ عَلَى عِبَادِكَ وَبِهِ طَرَزْتَ دِيبَاجَ كِتَابِ أَوْلِيكَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَزَيْتِ صَحَائِفِ أَحْكَامِكَ
قَوْلُهُ تَعَالَى: بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدِسِ الْأَبْهَى

AB00094WEA

أَنْتَ لِكَرِيمِ الْقَوِيِّ الْعَزِيزِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَاحَ لَوْحِ شَشْمِ دُورِهِ دُومِ الْمَوَاحِ فَرَامِينَ تَبْلِيغِي حَضْرَتِ عَبْدِالْبِهَاءِ
وَطُيُورًا صَالِحَةً فِي أَيْكَةِ الْبُقَاءِ وَأَسُودًا زَلَّادَةً فِي غِيَاضِ الْعِلْمِ وَالنَّهْيِ وَحَيْثَانًا سَابِحَةً فِي بُحُورِ الْحَيَاةِ بِرَحْمَتِكَ الْكَبِيرِ
وَأَعَاظِمِ بَرِيَّتِكَ وَكَانُوا نَبَابًا فَاسْتَنْسَرُوا وَكَانُوا قَبَاءً فَاسْتَبَحَرُوا بِفَضْلِكَ وَعِنَايَتِكَ وَأَصْبَحُوا نُجُومًا سَاطِعَةً فِي أُنْفُقِ الْمَهْدَى
أَيْدِي عِبَادِكَ مِنْ قَبْلِ وَكَانُوا أَعْجَزَ خَلْقِكَ وَالتَّلْ عِبَادِكَ وَأَحْقَرُ مِنْ فِي أَرْضِكَ وَلَكِنْ بَعُونِكَ وَقُوَّتِكَ سَبَقُوا أَجْلَاءَ خَلْقِكَ
وَرَبِّ أَرْحَمَ عَجَزِي أَيْدِي بِقُوَّتِكَ وَقَدَرْتِكَ رَبِّ لَوْ تَوَّيَدَ بِنَفْثَاتِ الرُّوحِ أَعْجَزَ التُّورَى لِبَلِّغِ الْمُنَى وَتَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ كَمَا
هَذَا الْفَضَاءَ الَّذِي لَا يَتَنَاهَى فَكَيْفَ يُمَكِّنُ هَذَا إِلَّا بِبَعُونِكَ وَعِنَايَتِكَ وَتَأْيِيدِكَ وَتَوْفِيقِكَ رَبِّ أَرْحَمَ ضَعْفَى وَقُوْنِي بِقَدَرْتِكَ
وَقُمَّتْ عَلَى تَرْوِيحِ تَعَالِيمِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْأَقْوِيَاءِ مُعْتَمِدًا عَلَى حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ رَبِّ إِنَّ طَيْرًا كَلِيلَ الْجَنَاحِ أَرَادَ أَنْ يَطِيرَ فِي
إِلَهِي إِلَهِي تَرَى ضَعْفَى وَتَلَى وَهَوَانِي بَيْنَ خَلْقِكَ مَعَ ذَلِكَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ

AB00209UND

بِي دَرِي تَأْيِيدِ وَتَوْفِيقِ فَرَسْتِ وَبِرِّهِ خَيْرِ مَوْفِقٍ فَرَمَا زَيْرًا سَزَاوَارِ هَرِّ عِنَايَتِنْدِ وَلَا يِقُّ هَرِّ مَوْهَبْتِ وَعَلَيْهِمُ الْبِهَاءِ الْإِلَهِي.
هُوَإِلَهُهُ أَيْ بِرُورِدِغَارِ، إِبِينِ إِبْرَارِ رَا إَزْ مَلَكُوتِ أَسْرَارِ

AB00184KIN

نَصِيرِ الْمَصْغَرَاءِ وَأَنْتَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرِ الْعَزِيزِ الْمُخْتَارِ عَاحَ لَوْحِ چَهَارَمِ دُورِهِ دُومِ الْمَوَاحِ فَرَامِينَ تَبْلِيغِي حَضْرَتِ عَبْدِالْبِهَاءِ
وَوَفَّقْنِي عَلَى خِدْمَتِكَ وَأَيْدِي بِجُنُودِ مَلَائِكَتِكَ وَأُنْصِرْنِي فِي إِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ وَأَنْطِقْنِي بِحِكْمَتِكَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَأَنْتَ مَعِينِ الْمُضْعَفَا
وَتَقَرُّ الْأَعْيُنِ بِمَشَاهِدَةِ آيَاتِ الْمَهْدَى رَبِّ أُنِي فَرِيدٌ وَحِيدٌ حَقِيرٌ لَيْسَ لِي ظَهِيرٌ إِلَّا أَنْتَ وَلَا نَصِيرٌ إِلَّا أَنْتَ وَلَا مُجِيرٌ إِلَّا أَنْتَ
وَيَرْفَرَفُ بِكُلِّ سُورٍ وَأَنْشُرَاحِ فِي هَذَا الْفَضَاءِ وَيَرْتَفِعُ هَدِيرُهُ فِي كُلِّ الْأَرْجَاءِ بِاسْمِكَ الْأَعْلَى وَتَتَلَذَّذُ الْأَذْنَانُ مِنْ هَذَا النَّدَاءِ
إِلَهِي إِلَهِي هَذَا طَيْرٌ كَلِيلُ الْجَنَاحِ بَطْنُ الطَّيْرَانِ أَيْدِيهِ بِشَدِيدِ الْقُوَى حَتَّى يَطِيرَ إِلَى لَوْحِ الْمَفْلَاحِ وَالْمِنْجَاحِ

AB00184KIN

سراجاً وَهَاجاً وَنَجماً بِلِزْجاً وَشَجَرَةً مُبَارِكَةً مَشْحُونَةً بِالْأَثْمَارِ مُظَلَّلَةً فِي هَذِهِ الدِّيَارِ إِنَّكَ أَنْتَ العَزِيزُ المَقْتَدِرُ المَخْتَارُ ع ع
وَكَلِيلُ المِلسَانِ انْطَقْنِي بِذِكْرِكَ وَتَنَاؤُكَ وَذَلِيلَ عَزَّزْنِي بِالدُّخُولِ فِي مَلَكُوتِكَ وَبَعِيدَ قَرِينِي بِعَقَبَةِ رَحْمَاتِكَ رَبِّ اجْعَلْنِي
بِرُوحِ المَقْدُوسِ حَتَّى أُنَادِيَ بِاسْمِكَ بَيْنَ الاقْوَامِ وَابْشُرْ بِظُهُورِ مَلَكُوتِكَ بَيْنَ الأَنْبِيَاءِ رَبِّ ائْتِنِي ضَعِيفَ قَوْنِي بِقُدْرَتِكَ وَسُلْطَانَكَ
بِمَشَاهِدَةِ الأَنْوَارِ وَاسْمَعْنِي نِعْمَاتِ طُيُورِ المَقْدُوسِ مِنْ مَلَكُوتِ الأَسْرَارِ وَاجْتَنِبْ قَلْبِي بِمَحَبَّتِكَ بَيْنَ الأَبْرَارِ رَبِّ أُيْدِنِي
رَبِّ رَبِّ لَكَ الحَمْدُ وَ الشُّكْرُ بِمَا هَدَيْتَنِي سَبِيلَ المَلَكُوتِ وَ سَلَكْتَ بِي هَذَا المَصْرَاطَ المَسْتَقِيمَ المُمْدُودَ وَ تَوَرَّتْ بَصْرِي
لَوْحِ سَوْمِ دُورِهِ دُومِ المَوَاجِ فِرَامِينِ تَبْلِيغِي حَضْرَتِ عِبْدِالمُبَهَّاءِ

AB00210BIR

أَنْتَ المَقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ وَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ع ع لَوْحِ دُومِ دُورِهِ دُومِ المَوَاجِ فِرَامِينِ تَبْلِيغِي حَضْرَتِ عِبْدِالمُبَهَّاءِ
المَقْلَهْرَةِ وَ قُدْرَتِكَ النَافِذَةِ حَتَّى يَنْطِقَ لِسانِي بِمِحْلامِكَ وَ تَعْوَتِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ يَطْفَحُ جَنَانِي بِرَحيقِ مَحَبَّتِكَ وَ مَعْرِفَتِكَ إِنَّكَ
وَ تَحِيظُ بِي تَوْفِيقَاتِكَ الَّتِي تَجْعَلُ المِذْيَابَ عِقَاباً وَ المَقْطِرَةَ بِحُوراً وَ أَنْهَاراً وَ المِثْرَاتِ شُمُوساً وَ أَنْوَاراً رَبِّ أُيْدِنِي بِقُوَّتِكَ
نَاصِياً لِتَنْشُرَ تَعَالِيمِكَ بَيْنَ العَمُومِ وَ ائْتِ أَتَوْفِقْ بِهَذَا الأَنْ يُوَيِّدْنِي نَفْثَاتِ رُوحِ المَقْدُوسِ وَ يَنْصُرْنِي جُنُودَ مَلَكُوتِكَ الأَعْلَى
المُهِيِّ المُهِيِّ تَرَانِي مَعَ تَلِي وَ عَدَمِ اسْتِعْدَامِي وَ اِقْتِدَارِي مَهْتِماً بِعِظَائِمِ الأُمُورِ قَلِصْداً لِأَعْلَاءِ كَلِمَتِكَ بَيْنَ الجُمُهورِ

AB06464

بِي پايان ارزان فرما، گنج هدايت را يگان کن تا اين بيچارگان چاره يابند. توئی مهربان توئی بخشنده توئی دانا و توانا.
تأييدات تو بهره و نصيب گيرد، اين جمع راه تو پويند، راز تو جويند، روى تو بينند، خوى تو گيرند. اى پروردگار، المِطافِ
را رشك گلزار و گلشن فرما، اى محبوب بي‌اهم‌تا نفلت عنایت بوزان انوار احسان تابان کن تا دل‌ها پاک و پاکيزه شود، از
حقيقت نمايد، گوش‌ها از ندای ملکوت بهره و نصيب گيرد. اى پروردگار، دل‌ها را روشن کن، اى خداوند مهربان قلوب
هدايت بر اين ممالک بوزد، نفوس استعدا المِطافِ تو يابند، قلوب مستبشر به بشارت تو گردند، دیده‌ها مشاهده نور
اين بنده تو از اقصى بلاد شرق به غرب شتافت که شايد از نفلت عنایات مشام‌هاى اين نفوس معطر شود، نسيم گلشن
هُوالله پروردگار يزدانا مهربانا،

AB11042

و آهنگ و شهنازی بنوازند که جهان وجود به اهتزاز آید و دلبر وحدت انسانی پرده براندازد و در انجمن عالم جلوه نماید.
هُوالله اى بی نیاز، ياران را محرم راز نما و آئينه غماز کن تا در جهان نغمه و آوازی اندازند

BH09855

فرما تا اين نفوس نفيسه به اعلى درجه فلاح و نجاح وصول بيابند. توئی مقتدر و توئی دهنده و بخشنده و بينا.
آمال سرشار فرما، انوار تابان کن، پرتو عنایت بخش، مظهر موهبت بفرما، روز به روز ترقی بخش و المِطافِ افزون
هُوالله اى پروردگار مهربان، اين کسان بنده آستانند و در نهايت صدق و راستی و درستى، جام

AB10714

به خدمت عالم انسانی فرما. خدايا، اين اطفال نردانه‌اند، درآغوش صدف عنایت پرورش ده. توئی بخشنده و مهربان.
اطفال نازنين صنع دست قدرت تو اند و آيلت عظمت تو. خدايا اين کودکان را محفوظ بدار، مؤيد بر تعليم کن و مؤفق

هوالملة ای خداوند مهربان، این

AB07303

و قوت و اقتدار بخش و مظاهر تأیید و توفیق فرما که در نهایت برآزندگی در بین خلق محشور شوند توئی مقتدر و توانا. نما تا نشو و نما نمایند و روز به روز ترقی کنند و شکفته گردند و پر بار و برگ شوند. ای پروردگار، جمله را هوشیارکن را از بارین ابرعنایت تر و تازه فرما و به نسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش و به حرارت شمس حقیقت جانی تازه عطا هوالملة ای پاک یزدان، این نهالین جویبار هدایت

AB09794CHI

عزیز کن از جام محبتت لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مشک و عنبری بیزد توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا. هوالملة ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیتت

AB10701

و قوتی بخش تا جناح فلاح برویانیم و در این فضلی غیرمتناهی آغاز پرواز کنیم و به ملکوت ابهات دمساز گردیم. ولی اوکار اقتدار جوئیم و بی‌ایر و بالیم ولی اوج عظیم طلبیم و رفرق اعلی آرزو نمائیم، پس عنایتی مبذول فرما هوالمله ای پروردگار، مرغیان زاریم ولی در پناه تو آشیانه نمودیم، طیور خاکساریم

ABU0129EDU

ده، از اطفال ملکوت کن و به جهان لاهوت هدایت فرما. توئی مقتدر و مهربان و توئی دهنده و بخشنده و سابق الانعام. پرورش فرما و از تکی عنایت شیر ده، این نهال تازه را در گلشن محبتت بنشان و به رشحات سحاب عنایت پرورش هوالملة خداوندا، این طفل صغیر را در آغوش محبتت

AB11605

تا به انوار محبتت روشن و منیر گردد و به الماهات روحانیه و معنویه ملهم فرما تا عالم وجود را چون بهشت برین نماید. هوالملة ای رحمن ای رحیم، دلی چون مرآت لطیف صافی عطا کن

AB10324

پرست بگردان تا جلم صهای الهی به دست گیرند و طالبان را سرمست کنند و عاشقان را نشیء باده اللمست بخشند. را مؤنس دل و جان باش، در هر دمی از بحر الملاف شبمی بفرست و در هر نفسی باده تازه‌الی بنوشان و می هوالملة ای دلبر مهربان، یاران

AB09040

جنت ابهی در بر کن تا به فیض نامتناهی مستفیض گردد و به عنایت مخصوصه مخصص شود. توئی مقتدر و توانا.

برخوردار نما، حیلت ابدی بخش و عزت سَرمدی عطا فرما، تاجی از موهبت کبری بر سر نه و خلعتی از سُئدس استَبَرَق
هوالمُلهی ای پروردگار، این هوشیار را به بخشش آسمانی بزرگواری کن و از موهبت رحمانی

AB09040

خوی راستان بخش، موهبت عالم انسانی کن و تاجی از حیلت ابدیه بر سر نه. توئی مقتدر و توانا و توئی شنونده و بینا.
عنایتت تربیت کن، از تاریکی بَرهان، شمع روشن کن و از پژمردگی نجات دانه گل گلشن فرما، بنده آستان کن و خلق و
کودکم خردسال، از پستان عنایت شیر ده و در آغوش مَحَبَّت پرورش بخش و در دبستان هدایت تعلیم فرما و در ظل
هُوالمُلهی رَبِّی رَبِّی

AB11356

سحاب عنایت پرورش فرما. گیاه حقیقه محبت، درخت بارور کن. توئی مقتدر و توانا و توئی مهربان و دانا و بینا.
هوالمُلهی خدایا، طفلم در ظل عنایت پرورش ده. نهال تازه‌ام به رشحات

AB10685

کن. ازجام مَحَبَّت لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مُشک و عنبری بیزد. توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا. ع ع
هُوالمُلهی ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیت عزیز

AB06736

و هوشیار کن تا به اسرار کتاب مقدست واقف گردیم و به رموز کلماتت پی بریم. توئی مقتدر توئی دهنده توئی مهربان.
سرور ابدی بخش، مَوْفَق به خدمت عالم انسانی نما، سبب الملت بین قلوب کن. خداوندا، ما را از خواب بیدار فرما و عاقل
بخش، کمالات آسمانی عطا فرما. خداوندا، جان‌های ما را فدای خود کن و ما را روح جدید کرم نما، قوتی آسمانی ده،
گوش‌ها را به استماع ندایت شنوا فرما، ما را در ملکوت تقدیست داخل نما و به انفتالت روح القدس زنده کن، حیلت ابدیه
را به نور هدایت کبری مَتُور فرما، جان‌ها را به بشارت عظمی حیات بخش، چشم‌ها را به مشاهده انوارت روشن کن،
هُوالمُلهی ای خداوند مهربان، قلوب

AB07374

را به گنج روان دلالت کن و هر اسیری را از زنجیر قیود آزادی بخش. توئی توانا و بینا و آگاه و شنوا، تأیید احسان نما.
را در آغوش صدف رحمت بپرور. ای خداوند، هر مستمنی را توانگر نما و هر دردمندی را درمان بخش، هر فقیری
به تربیت باغبان احدیت پرورش ده و این شاخ سبز را در گلشن الطاف مَزین به شکوفه و برگ کن و این دربان‌ه معرفت
هُوالمُلهی ای خدای مهربان، این نوگل گلستان مَحَبَّت را از شبنم عنایت تر و تازه بفرما و این تازه نهال بوستان هدایت را

AB07375

باش، مَوْفَق بر تعلم و تعلیم کن و مؤید بر تحصیل و تکمیل. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و مهربان.
آرد و مَثمر ثمر گردد. خداوند مهربانا، نادانیم دانا کن، بی چشمیم بینا فرما، مرده‌ایم زنده کن، بی کسیم بِنَواز و مهربان
و حرارت شمس حقیقت و هبوب نسیم هدایت این نهال‌ها را نشو و نما ده و طراوت و لطافت بخش تا برگ و شکوفه
بینوا و طفلانیم ناتوان، پریشانیم و بی سر و سامان ولی نهال‌های باغیم و تو باغبان. پروردگارا، به فیض ابر عنایت

AB08395

ده و از رشحات دریای بی نهایت وجودت عالم کون را طراوت و لطافت بخش. توئی بخشنده و توانا و توئی دانا و بینا. مهابط علوم لدنی، ابواب ملکوتی را بر قلوب یارانت باز کن و به هدایت کبری فائز نما، فقیران را از بحر بخشش نصیبی مست کن، قلوب را به انوار رحمت نورانی کن، دیده‌ها را روشن نما، نفوس را مصدر المہامات حی قدیر فرما و ارواح را ابسی برسان و از عنب فرات سرشار کن، بندگانت را در خلد برین داخل فرما و از شراب کأس کان مزاجها کافورا سر هوالمه خداوندا رحیما کریما، عبادت را به سرچشمه حیات

AB08559

را جانی ببخش و جان را روح و ریحانی عطا فرما که سزاوار این قرن عظیم باشد و لایق این عصر مجید وعلیک‌اللبه‌اء. واعیه احساس کند. ای پروردگار، پرده از چشم بردار تا مشاهده آیات کبری کنم و ملاحظه بقایق اسرار کبریا نمایم، دل پر غم گمشو عنایت فرما تا آهنگ ملاً اعلی بشنود و گلبایگ عتدلیب قدست استماع نماید و تفحلت طیور شکور به قوه هوالمه ای پروردگار، من گناهکارم و تو آمرزگار، مدهوش از خمر غفلتم هوشی عنایت کن، مشغول به انکار جهان

AB09428

نمودی، حال ای پروردگار، این مسکین را علم مبین فرما و این حزین را در افق منیر روشن کن. توئی فضل و مهربان. در ظل شجره انیسا ماوی دمی و از کأس میثاق نوشانیدی و به فضل مخصوص مخصص داشتی و به فوز عظیم موفق و از چشمه هدایت نوشانیدی و ندای اللست به سمع این عبد رساندی و بانگ سبحان ربی‌الابھی مسموع فرمودی و هوالمه ای مهربان یزدان من، محض عنایت روح وجود دمیدی و خلعت حیات بخشیدی

AB09712

دردی را درمان کن و هر زخمی را مرهم لطف و احسان، هر جمعی را شمع روشن کن و در هر انجمنی طوطی خوش سخن. جوش و خروش آئیم. ای پروردگار، بنده خویش را آیتی باهره فرما و رایتی مشتهره، نجمی بازغ کن و کوکبی بارق، هر و توفیقی عنایت فرما تا بیگانه و خویش فراموش کنیم و از هر زکری خاموش گردیم و از نسائم ریاض تقدیست به هوالمه پاک یزدانا، تأییدی بخش

AB09904

خوی تو خواهم راه تو پویم، از هر قیدی آزاد شوم و از هر غمی و بلائی دلشاد گردم. توئی بخشنده و دهنده و مهربان. تاریخ و تار. ای محبوب مهربان، از نفس و هوی بیزار کن و گرفتار محبت خویش فرما تا از خود بگذرم، روی تو جویم هوالمه ای پروردگار، این گناهکار شرمسار است و گرفتار هواجس این خاکدان

AB10108

به بحر لقاء روحانی بکشان، این بنده قدیم را ندیم بزم المظاف کن و این فقیر مسکین را به غنای حقیقی مستغنی گردان. را قرب و منزلتی احسان کن، این سرگشته صحرائ عشق را به خلوتخان عنایت دلالت نما و این تشنه بادی هجران را هوالمه خدایا، این طیر حقیقه عرفان را بال و پری عطا فرما و این پروانه شمع محبت

AB10568

ما عطا از تو، جفا از ما وفا از تو، گناه از ما پناه از تو، بیماری از ما شفا از تو، بیوش و بیامرز، وفا کن، پناه ده، شفا بخش. الی الله، دیده به ملکوت غیب جبروت باز کن و به این مناجات آغاز نیاز کن که: ای مهربان، تو ستر کن و بیوش، خطا از

AB10660

شكرين نما و در درگاه اَحَدِيَّت بِنْدَةُ نازنين فرما و در ديوانِ عَلِيِّين صدرنشين كن. توئى حَنانِ توئى مَنانِ توئى مهربان. هُوَالله اى خداونِد بى‌اِيازَم و مَحَرَمِ رازَم و يارِ دِلنوازَم، آن يارانِ بِيَرينِ را مَذاق :

AB10849

زِيورِ عالمِ انساني نما، راحتِ وِجَدانى ده، قوتِ رَيانى عطا فرما. توئى دهنده و بخشنده و مهربان و توئى مقتدر و توانا. اى پروردگار، اين گناهكار را بيدار كن، هوشيار نما و از هستى خويش بيزار كن، نورانيتِ آسمانى بخش نَفَسِ رحمانى بَدَم، هُوَالله

AB10855

تأبيدى بخش و توفيقى احسان فرما تا به خدمتِ كوشم و رِداءِ موهبتِ پوشم و سَلَسبيلِ عنايتِ نوشم و المبهاءِ عليك. به بخششت اميدوار، مستمندم و فقير، توئى ارجمند و مجير، دردمندم و حقير، توئى درمان هر عليل و اسير. خداوندا، هُوَالله اى پروردگار، هر چند گناهكارم ولى

AB10875

عالم چون پروانه گرد شعله جِمالَتِ پروازِ ده. توئى خجسته دلپر من و توئى فرخنده يارِ جانِ پرور من و المبهاءِ عليك. جهان به آتشِ عشقت بسوز و در آن جهان به مشاهده روى مه رويت كامران فرما. در اين عالم چون شمع بگداز و در آن هُوَالله اى پروردگارِ عالميان، در اين

AB10965

بيان واضح بخش، قوتِ ملكوتِ بنما و تأييدِ رُوحِ المَقْدَسِ ظاهر كن. توئى مقتدر و توانا و توئى بخشنده و درخشنده و بينا. آن مشتلقِ بيدار را در ملكوتِ بزرگوار كن و تاجى از موهبتِ بر سر نه و خلعتى از هدايتِ كبرى در بر نما، زبانِ ناطق ده و هُوَالله اى پروردگار،

AB11170

افسرده را در سبيلِ دوستانت بر خاك ريز و اين تنِ فرسوده را در راه يارانت خاك راه و غُبلرِ اَقْدامِ نما، اى خداى من. هُوَالله اى خداى من، جانم فدایِ احبابت، اين خون

BH10248

و كل را به تجلياتِ انوارِ تيرِ توحيدِ مَنورِ گردان. لَكِ الْاَفْرَفِ الْمَبْدَأُ و الْمَعَادُ و لَكِ الْمَحْكَمُ يَا مَلِكُ الْاِيجادِ و مَلِكُ الْعِبَادِ. كه سببِ حياتِ ابدى و زندگى سَرْمَدِي است، ما را محرومِ منما. وجود از جودتِ موجود، او را از طرايزِ عنايتِ منعِ مفرما تو است چه كه از مُشْتَى تَرابِ خَلقِ را خَلقِ فرمودى و گوهرِ بِيْنَشِ و دانشِ عطا نمودى. اى كريم، از تو مي‌اِطْلِبِمْ آنچه را اِلَها مَعْبُودا مِلْكا حَمْدِ و ثِنا سزاوار

BH10840

مَشِيَّتِ باز نداشت. از تو مي‌اِطْلِبِمْ فَضْلِ قَدِيْمِ را و عِنايَتِ جَدِيْدِ را. توئى فَضالِ و توئى عَفْارِ و توئى بخشنده و توانا. منما و از بحرِ جودتِ قسَمْتِ عطا فرما. توئى مقتدرى كه قوتِ عالمِ قوتت را ضعيفِ ننمود و شوكتِ اَمْرَئِ اَرْضِ تو را از اِلَها مَعْبُودا عِبادتِ را از ثَمْرَةُ وجودِ محروم

لِسْمَاءِ جُودِكَ وَبِحِرِّ أَفْضَالِكَ وَتُدْخِلُهُ فِي جَوَارِ زَحْمَتِكَ الْكُبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ
وَتَوَجَّهَ إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَنْ سِوَاكَ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بِأَنْ تَعْمَلَ بِهِ مَا يَنْبَغِي
. اللَّهُ أَبُهِى يُشْرَعُ فِي التَّكْبِيرِ سِتَّةَ مَرَّاتٍ يَا إِلَهِي هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ الَّتِي آمَنْتُ بِكَ وَبِآيَاتِكَ
مرتبه قرائت شود: انا كل لله علبدونانا كل لله سلجدونانا كل لله قابئونانا كل لله ناكرونانا كل لله شاكرونانا كل لله صلبرون
بايد بعد از هرتكبير الله أبهى نوزده
بايد اين انكار هر يك نوزده مرتبه بعد از هر تكبير الله أبهى گفته شود.

لِسْمَاءِ جُودِكَ وَبِحِرِّ أَفْضَالِكَ وَتُدْخِلُهَا فِي جَوَارِ زَحْمَتِكَ الْكُبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.
وَتَوَجَّهْتَ إِلَيْكَ مُنْقَطِعَةً عَنْ سِوَاكَ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بِأَنْ تَعْمَلَ بِهَا مَا يَنْبَغِي
وفي النساء يقول برأى اماء الرحمن قرائت شود: يَا إِلَهِي هَذِهِ أُمَّتُكَ وَابْنَةُ أُمَّتِكَ الَّتِي آمَنْتُ بِكَ وَبِآيَاتِكَ

أَرَأَيْتَ مَنْجَبِ آفَاقِ كَرْدَمِ وَسِرْگَشْتِهِ وَسُودَائِي أَنْ جَمَلِ نُورِ شُومِ وَجَانِ وَرِوَانِ قَرِيانِ نَمَائِمِ وَعَلَيْكَ الْمَتْحِيهِ وَالْمَثْنَاءِ.
مظاهر شیطانیه افسرده گشته ای پروردگار، از آن جام سرشار قطره‌ای نثار فرما و از آن گلشن فدا نفع‌ه‌ای به مشام من
به سهام شیطانی خسته گردیده این نفوس نَفِيسه در دست هر خسیسی گرفتار شده و این وجوه نورانی به غبار طغیان
سرهای بزرگوار در زیر پای‌های جُهال پایمال شده، حنجر نورانی به خنجر نفوس ظلمانی آزرده گشته و قلوب رحمانی
در راه محبتت به خون آغشتند، هر سینۀ مانند آینه پاره پاره گشتند و هر دلی از آب و گل آزاده، شرحه شرحه شده،
هوالمه ای پروردگار، این عزیزان ذلیل سبیل تو گشتند و این مه رویان

أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ عَمَّا أُرِيدُ مِنْ بَحْرِ فَضْلِكَ وَشَمْسِ عِنَايَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.
بِمَاءِ الْعَطَاءِ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنُصْرَةٍ وَوَعْدٍ، أَيُّ رَبِّ تَرَى السَّائِلَ قَائِمًا لَدَى بَلْبِ جُودِكَ وَالْأَمَلَ مُتَمَسِّكًا بِحَبْلِ كَرَمِكَ،
سَخَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ وَبُنْفُودِ كَلِمَتِكَ الْعُلْيَا وَاقْتَدِرَ قَلَمُكَ الْأَعْلَى وَبِرَّحْمَتِكَ الَّتِي سَبَقَتْ مِنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَنْ تَطَهَّرَنِي
بِسْمِهِ الْمُهَيْمِنِ الْأَسْمَاءِ إِلَهِي إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِبِحِرِّ شَفَائِكَ وَأَشْرَاقِ أَنْوَارِ تَبِيرِ فَضْلِكَ وَبِالْأَسْمِ الْإِلَهِيِّ

هر دم تأییدی جدید بخش و هر نفس نفوس رحمن به مشام بخش. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و دانا.
به نفعات تقدیس نما و متذکر به آیات توحید کن، مشمول لحظت عین رحمانیت نما و مجذوب جلال نورانیت کن،
رحیم و رحمن و توئی واهب فضل بی پایان ای خداوند بخشنده، این نفوس را ثابت عهد نما، راسخ پیمان کن، منجذب
هر دم فریادی نمایند و آه و فغانی برآرند و استدعای عنایتی کنند و موهبتی طلبند، توئی بخشنده و مهربان و توئی
هوالمه ای پروردگار، این نفوس مشتاق دیدارند و سودائیان آن زلف مشکبار،

بندۀ درگاهت را به بارگاه احدیتت راه ده و این امیدوار رحمتت را نومید مگردان و بر پیمان و ایمان محکم و استوار نما.
جمال مبارکت همدم نما، از جام احدیتت بنوشان و از شهد عنایتت بچشان و به فضل عظیم جمال قدیمت فائز کن، این

بندگان را به راز خویش دمساز نما و از آواز هاتف مَلاَ اَعلى مُستمع فرما، بر صراط عهد و پیمانیت ثابت قدم کن و به ذکر هوالله ای یزدان بی انباز، نیاز آریم و نماز که این

BH08855

جوش و خروش آئیم و از پیمان هُپیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران. و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مُشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به بحر عصیان مُستعرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر مُستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیامرز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم، در جان شو، بی کسم مُعین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مادون در هجرانم پر حرانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مُجیر شو افتاده‌ام دستگیر شو، غریبم مُونس پیمان هُ پیمان، افتاده‌ام بیچاره‌ام دلداه‌ام شیدائیم سودائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم، هوالله ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سرگشته بادیه پیما، در رهت افتان و خیزان و سرمست

BB00018FOR

درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است شایان فرما. توئی غفور توئی عفو و توئی بخشنده هر قصور. ع امید به وعده و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلاییم و لکن تَوَجّه به صبح عطا داشته و داریم به آنچه سزاوار و غفران و آمرزش ارزان کن توئی آمرزنده و توئی غفور توئی بخشنده فیص موفور ای آمرزگار هر چند گناه کاریم ولی پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدس نما عفو و بخشش شایان نما هوالله ای پروردگار

BH07469

از جیب قوت بر آر و این نفوس درگل مانده را نجات ده. توئی مالک اراده و سلطان جود. لا اله الا انت المعزیز الموهاب. مَواج و بهایک اشراق تیر امر، آفتاب جود و غفران ظاهر و هویدا. همه بندگان تو اند و به امید کرمیت زنده‌اند. دست قدرت نموده، بر عبادت رحم فرما و تأیید نما بر اعمال و اخلاق و اقوالی که لایق ایام تو است. به یک کلمه علیا بحر بخششت الهی الهی اولیای خود را حفظ فرما. توئی آن کریمی که عفت عالم را احاطه

AB02342AWA

باشد و فکری عطا کن که به فیض روحانی جهان را گلشن نماید. توئی بخشنده و مهربان و توئی خداوند عظیم الاحسان. و مأمون فرما. توئی توانا و توئی بینا و توئی شنوا. ای خدای مهربان دلی عطا کن که مانند زجاج به سراج محبت روشن خدایا مرا مستقیم بدار و ثابت و راسخ کن، از امتحانات شدید محفوظ بدار و در حصن حصین عهد و میثاقت مصون نمودی، به ملکوت خویش دلالت کردی و به سبیل خود هدایت فرمودی، رله راست بنمودی و در سفینه نجات در آوردی هوالله ای خدای مهربان، شکر تو را که بیدار نمودی و هُشیار کردی، چشم بینا داری و گوش شنوا احسان

AB00065STE

بخششی نما، آواره‌ایم در پناه لطفت مأوی بخش، بیچاره‌ایم قوت و قدرتی عنایت کن. توئی فضال توئی کریم و توانا. حق، دست نیاز به درگاه حضرت بی نیاز بر آر و بگو، ای پروردگار، گناه‌کاریم عفو و مغفرت فرما، محتاجیم از کین ملکوت هوالابهی ای بنده

AB07057

تو امیدوار و هر چند بی‌استعدادیم ولی به بخشش و دانت در نهایت اعتماد. توئی بخشنده و دهنده و آمرزگار و مهربان. دیده روشن نما، خطا ببخش عطا بده و به آنچه نوید بخشیدی وفا فرما. ای خدای مهربان هر چند گناه‌کاریم ولی به عفو و این محتاجان را بر خولن نعمت خویش حاضر فرما. از شب تار و تاریک حرمان و هجران نجات بخش و به صبح وصال و غفران پرواز ده و این بیچارگان را در پناه آمرزش خویش مسکن و مأوی بخش این تشنگان را به چشمه‌اللطاف برسان هوالله پروردگارا آمرزگارا، این مرغان شکسته پرند بال و پری ببخش و در اوج عفو

AB07931

ملکوت کامکار کن، از خیز آفات رهایی، به گلشن اللطاف برسان. توئی بخشنده و دهنده و رهاکننده و پاینده و مهربان. غفران مبذول دار. آمرزگارا، به عصیان مگیر، هر حیرانی را تو مجیری و دستگیر، از عالم ناسوت بیزار نمودی در جهان به احسب لیاقت و عجز موفور ما معمول مدار، نلیلیم و علیل، عزیز کن، جلیل فرما، درمان بخش، دریلق اعظم عفو و ما غرق خطائیم و تو دریای عطا، ما در ظلمات عصیانیم و تو آفتاب فضل و احسان. پروردگارا، نظر به قصور مفرما و هوالله ای حی توانا، پناه گناه‌کاری و بخشنده و آمرزگار،

AB10871

لیاقت منگر در فضل و عفو بنگر، ما را در بحر غفران غریق کن و در جنت ابهی با ما اعلی رفیق کن. توئی رحیم توئی رحمن. هوالله ای آمرزگار همه گناه کاریم و جفا کردار، تو آمرزنده‌ای تو بخشنده‌ای مهربان، در قدر و

AB11201

لایقست مؤید فرما، این دست‌ها به دامن عفت پیوسته و این دل‌ها به محبت مقید و بسته، عنایت کن موهبت بخش. هوالابهی ای پروردگار، به آنچه سزاوار است موفق کن، ای آمرزگار به آنچه

BH10992

و عطا. عباد خود را محروم نما و از بساط قدس و قرب منع مفرما. توئی بخشنده و مهربان. لا اله الا انت العزیز الممان. و از تو می‌اطلبم آنچه را که سبب بخشش تو است. توئی بحر جود و مالک وجود. لازال لحاظت علت ظهور بخشش لها پروردگارا محبوبا مقصودا به‌تو آمده‌ام

BH00005SEE

را از بلب عنایت محروم نما و از دریلی بخشش منع مکن. توئی صاحب عطا و قادر و توانا و المهیمن علی الاسماء. فرمودی تا صاحبان بصر آثار قدرت و عظمت را در کل اشیاء ملاحظه نمایند و بر بزرگیت گواهی دهند. ای خدا، فقیر

آن توانائی که به ایک کلمه، آسمان و زمین را خلق نمودی و مظاهر قوت و قدرت و عظمت و فضل و جود و کرمیت قرار
و جهم به انوار و جهت متوجه و قلبم به اشطر عنایت مقبل و از تو می‌اطلبم عطاء قدیمت و بخشش جدیدت را. توئی
اللها معبودا مقصودا محبوبا

BH08855

جوش و خروش آنیم و از پیمان‌ه پیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران.
و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به
بحر عصیان مستغرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر
مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیامرز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم، در
جان شو، بی کسم معین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مالدون
در هجرانم پر حرمانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مجیر شو افتاده‌الم دستگیر شو، غریبم مونس
پیمان‌ه پیمان، افتاده‌الم بیچاره‌الم دلداه‌الم شیدائیم سوائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم،
هوالمه ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیمایم، در رهت افتان و خیزان و سرمست

ABU0030SHE

بخش، از بحر عنایت قطره‌الی برسان و از نهر موهبت رشحه‌الی مینول کن تا حیلت تازه یابم و موهبت بی‌اندازه جویم.
مقر ده و این عهد حزمین را در سایه شجره سرور مأوی بخش، این بی‌انصیب را نصیبی عنایت کن و این بی بهره را بهره‌الی
الله ابهی ای پروردگار مهربان ای یزدان پاک، این بنده ضعیف را در ظل کلمه رحمانیتت

AB05553

امتحانلت شدید حفظ فرما و در پناه رحمانیتت از حواصت زمانه محروس دار. توئی مقتدر و توانا و توئی حاضر و بینا.
چمنزار حقیقتند و شکوفه بوستان معرفت، آواره توآند و بیچاره تو، افتاده توآند و دلداه تو، در ظل جنج احدیثت از
ملکوت ابهائیت رایگان کن و رحمت افق اعلایت شایان فرما زیرا منجنب جلال نورانیند و زنده از نفس رحمانی، سبزه
هوالمه ای پروردگار، این یاران را بنواز و به آتش عشق بگاز و به رازت دمساز نما، موهبت

BH00074BLE

منما. این مظلومان را در ظل سدره عدلت مأوی ده و فقیران را به بحر عنایت راه نما. توئی مالک جود و سلطان عطا.
اللها کریمایکنا خداوندای جودت وجود را هستی بخشید و موجود نمود، از دریای رحمتت محرومش

ABU0188TUR

تو سلوک نمائیم، جستجوی تو نمائیم و مشاهده جمال و کمال تو کنیم. توئی بخشنده توئی مهربان توئی قادر و توانا.
طیبه باشیم از هر گلی انتشار یابد. خداوند ما را از عالم محدود نجات ده و به جهان نامحدود خویش رسان تا در سبیل
عنایتی فرما که تو را بشناسیم و عاشق جلال تو باشیم، جویای شمس حقیقت باشیم از هر افقی طالع شود، طالب رائج
هوالمه ای پروردگار، این یاران را بنواز و به آتش عشق بگاز و به رازت دمساز نما، موهبت

زنده کن نفوس خواب را بیدار نما. خداوندا ما را از هر قیدی آزاد فرما و به جهان نا محدود خویش دلالت کن. خداوندا
هُوَاللّٰهُ اِیْ خَدٰوِنِدْ مَهْرِبٰنْ، بصیرت‌ها را روشن کن گوش‌ها را شنوا نما دل‌های مُرده را

ABU0095KIN

فرمودی و بخشش افزودی و این مرغان را به آشیانه و لانه و کاشانه بلند راه بنمودی. توئی بینا و دانا و توانا و شنوا.
را شادمان فرما، تشنگان را سیراب کن و آزرندگان را آسایش دل و جان بخش. ستایش تو را که راه نمودی و رهبر
بیابند و جهان بیارایند. ای بخشنده، چَرِنْدَه و پَرِنْدَه را پناهی و به راز درون آگاه، جویندگان را یابندگان کن و آرزومندان
بهشت برین، زیرا روی تو جویند راه تو پویند راز تو گویند و هر دم در جستجویند که آنچه شایان این روزگار است
هُوَاللّٰهُ اِیْ پَرُوْرِدْگَارْ، این گروه جان نثار یاران دیرینند و با هم همدم و همنشین، گفتگو شیرین و شکرین و بزم مانند

AB02925

گرد تا هر اسیر و فقیر از خویان نعمت نصیب و بهره بردارد. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و مهربان.
نما، بزم غفران بیارا و جلم افضل و احسان بخش، بیچارگان و آوارگان را ملجأ و پناه ده و آگاه فرما، دستگیر شو مُجیر
هُوَاللّٰهُ اِیْ خَدٰوِنِدْ بَیْمٰنِنْدْ، یارین عبدالمهتاء را یآوری کن و گناهکاران را بزرگواری

AB04705

ملکوت خویش کامران فرما، گناه بخش پناه بده آگاه کن و به بارگاه ملکوت درآر. توئی دهنده، توئی بخشنده و مهربان.
توجه به ملکوت تو نموده، دل‌ها پر مسرت است و جان‌ها در نهایت بشارت. خداوند مهربان، این جمع را شادمان کن و در
هُوَاللّٰهُ اِیْ پَرُوْرِدْگَارْ اِیْ اَمْرَزْگَارْ، این محفل به نکر تو آراسته و این جمع

AB05109

نما، از غیر بیزار فرما و مطلع بر اسرار نما. ای پروردگار تو آمرزگاری و دانا، تو بخشنده‌ای و توانا و توئی قادر و بینا.
جهان ظلمانی به فضلی نورانی در آیند، از ظلمات امکان برهان و به انوار لامکان متور فرما، مظاهر انوار کن و مطالع اثمار
اوهام برهان و به حقیقت دلالت. نما تا تخری حقیقت کنند از عالم ناسوت دور شوند و به عالم ملکوت نزدیک گردند، از
خطا کاریم تو مغفرت کن، گناه کاریم تو عفو فرما، در پناه خود پناه ده، نقصان را به غفران کامل کن، این نفوس را از عالم
کبری مستبشر فرما، چشم‌ها را به مشاهده آلیت هدی روشن کن و گوش‌ها را به استماع ندای اعلی ملتذ فرما. پروردگارا،
جمع محض محبت به این محفل آمدند و با کمال حُب و وفاق حاضر شدند، خدایا روی‌ها را متور کن، ارواح را به بشارت
هُوَاللّٰهُ اِیْ پَرُوْرِدْگَارْ، این

AB05867

برسان و از آب حیات بنوشان، ولوله در شهر انداز و آشوبی در آفاق افکن تا دل‌ها حیران تو گردند و جان‌ها قربان تو.
لمعه‌ای بیفشان، بیگانه‌ایم آشنا کن، پروانه‌ایم پرسوخته شمع وفا فرما، تشنه‌ایم و به خون دل آغشته چشمه خوشگوار
آشفنگان، افسردگانیم پژمردهگان، دردمندیم درمانی بخش، رنجوریم دوائی عنایت کن، افسرده‌ایم شعله‌ای ده، پژمرده‌ایم
و بخشنده و درخشنده زمین و آسمان، ما جمعیم پریشان تو، مستمندیم درویشان تو، آوارگانیم بیچارگان و افتادگانیم
هُوَاللّٰهُ اِیْ یَزِدْاِنْ مَهْرِبٰنْ

AB06410

شنوا. لک الحمد علی ما اُتِلْتُ و لک المشکر بما وَقَّیْتُ نَحْمُکَ و تشکرک علی العطاء و تتضرع الیک فی کل صلیح و مساء.

را امیر کن و به فلک اثیر برسان و در جانفشانی بر سریر عزت ابدیه استقرار ده. توئی مقتدر و توانا و توئی بینا و بی پایان نمایند و تمامی الطاف بی‌اکران کنند. ای بخشنده مهربان، این ذلیلان خویش را عزیز فرما و این اسیران محبت و گرفتار، جز عنایت هیچ دردی را درمان نخواهند و در سبیلت هیچ زخمی را مرهم نجویند، همواره آرزوی بخشش تو اند و سرگشته کوی تو، از هر قیدی رستند و به محبت تو پیوستند، از جهان و جهانیان بیزارند و به عشق تو مفتون هواالهی پاک یزدانا محبوب مهربانا، این یاران آشفته بوی

AB06734

این حسرت زدگان افتد، ظلمت دیجور به نور تبدیل گردد و گلخن حرمان گلشن احسان گردد. توئی توانا و بینا و شنوا. پریشان، بدرقه عنایت بفرست و پیک هدایت تا بویی از کوی تو به مشام در آید و پرتوی از رویت در کلبه احزان کوی تو اند و پرجنبه در روی تو و گله آهوی تو، در بیابان هجران سرگشته و سرگردان هستیم و در وامی حرمان بنوشان و از جلم اللست سرمست نما، این بندگان والله و شیدای تو اند و این مشتاقان آشفته و پریشان تو، سرگشته بی نیاز، این دل‌ها را به راز خویش دمساز کن و از بیگانه و خویش بی نیاز فرما، از جلم صبحی در صبح احدیت هواالهی ای خداوند

AB06737

جای ده و ارجمند فرما و در فلک غفران اختر تابان کن و در سایه درخت امید مسکن و مأوی بخش. توئی غفور و توانا. بنوشان، هر چند ظلمت نوب شدید است ولی ما تابان مغفرتت بس منیر. ای خداوند، این مستمند را در ایوان بلند است ولی به بخشش و احسانت متوسلیم. ای خدای پر عطا، خطا بپوش دریای رحمت به جوش آور و جلم مغفرت و تو عفو غفار، هر چند موج گنه اوج گرفته است ولی به عفو و غفرانت معتمدیم و هر چند سیل عصیان در نهایت طغیان هواالهی ای خداوند مهربان، ما گناهکاریم و تو آمرزگار و ما تبهکاریم

AB07003

عالم نورانیت و روحانیت حکایت کنند تا جمیع ابواب از جمیع جهات بر وجوهشان گشوده گردد. انک انت المقوی المقدر. شدتشان به رخا مبدل گردد و فقرشان به غنا، عزت ابدیه یابد و موهبت سرمه مظهر تقدیس گردند و مطالع تنزیه از متخلق تا آیات توحید گردند و بینات اشراق نور رب فرید، سبب عزت امر تو گردند و علت بزرگواری قدر خود تا کن و خلق و خویشان را چون جیب نسیم صبا پر مشک و عتبر نما به صفات رحمانیت متصف کن و به اخلاق روحانیان موهبت بگشا، از هر آلودگی طیب و طاهر کن و از هر ناشایستگی آزادی بخش، قمیصشان چون پیرهن یوسف معطر هواالله ای پروردگار، آن مشتاقان را تجلی عنایت فرما و ابواب

AB07068

ابدی جویند و ترویج وحدت عالم انسانی نمایند و صلح عمومی انتشار دهند. توئی کریم توئی معطی توئی مهربان. تا علم وحدت عالم انسانی بلند نمائیم و نورانیت آسمانی شرق و غرب را احاطه کند، جمیع احزاب متحد شوند و حیات دریا شود تره آفتاب گردد، اگر از الماطت محروم ماند از هر چیز بی بهره و نصیب شود، پس عنایت کن و مرحمت فرما دلالت کن، ضعیفیم قوت آسمانی رسان، فانی هستیم به عالم بقا در آر، محتاجیم و منتظر تأیید تو، اگر عنایتت رسد قطره و این نفوس متوجه به ملکوت تو، خدایا بندگانیم کرم عنایت کن، فقرانیم از کنیز آسمانی بخش، نادانیم به حقایق اشیاء هواالله خداوند مهربانا، این جمع در ظل رحمت تو اند

AB07372

فضل و جود مبذول دار و در این یوم مسعود تأیید مخصوص مشهود کن. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان.

قطره را موهبت بحر بخش و سبزه را طراوت و لطافت شجرهٔ الخضر عطا فرما، کل یارین تو اند و بندگن درگاه تو، از غیر خود بی‌آزار کن و به راز و نیاز دمساز فرما، مورحقیر را سلیمان اقلیم جلیل کن و کتره فقیر را امیر اوج اثیر فرما، ملجأ و پناه و مجیر، تفلحیت قدس از گلشن عنایت بفرست و ساحت دل‌ها را گلستان موهبت کن و چمنستان حقیقت نما، هواللهی ای خداوند مهربان، این اسیرین زنجیر محبت را دستگیر شو و

AB07511

نفس و هوای بسوز، ما را از شر نفس محفوظ و مصون بدار و در ظل حمایت راحت و آسایش بخش تویی مقتدر و توانا. پروردگارا نظر به گناه منما به فضل و عنایت معامله فرما، گناه بخش عطا بفرما نذر محبت برافروز و پردهٔ اوهام و به هم بیامزیم و سبب ظهور وحدت عالم انسانی گردیم، با دلی پاک و جانی تابناک مناجات کنیم و طلب حاجات نمائیم توجه به ملکوت تو نمودیم و آرزوی تأیید و توفیق می‌نمائیم تا با یکدیگر متحد شویم و متفق گردیم و مانند شهد و شیر هوالله پروردگارا مهربانا، نفوسی در این محفل روحانی در نهایت تبتل و تضرع حاضر شدیم و

AB07738

اول قصور این بی سر و سامان را ببخش پس گناه هر عاصی نادان. تویی بخشنده و مهربان و تویی آمرزنده و مستعان. را ببخش و از قصور این عاصیان در گذر، ننب این عبد، اعظم نوب و گناه این بی پناه، بزرگتر از کوه پر شکوه، است معامله فرما، غفران صفت جلیل است و عفو و صفح از اعظم نعوت آن خداوند مجید، پس گناه این بیچارگان را در لوح محفوظ ثبت مفرما و از رق منشور محو کن، نظر به استحقاق و استعداد مفرما به آنچه شایان آستان رحمانیت هوالله پاک یزدانا، کل گناه‌کاریم و تو آمرزگار، جمیع جامع عیوبیم و تو کاشف کروب، گناه این عاصیان

AB07984

را بنواز، درماندگان را درمان شو و آزمانگان را پناه و امان، از قصور در گذر و نوب ببخشا، تو ستاری تو آمرزگار. یلد جمالت بخوابند و بیارامند، تویی بخشنده و مهربان و تویی پاینده و رحمن. ای بی‌نیاز، مردگان را بیمارز و بازماندگان هر یک موجی در بحر عنایتند و هر یک درجی از لئالی هدایت، در سحرگاه با دلی آگاه بگیرند و بزارند و در شبانگاه به آستانند و این یاران از حرارت محبت شعله سوزان، به یلد تو چون بحر مواجد و در انجمن توحید چون سراچ وهاج، هواللهی ای پروردگار ای مهربان، این دوستان معتکف

AB09279

خویش محفوظ و مصون دار، المطف بی پایان شامل کن و عنایات مخصوصه کامل فرما. تویی دهنده و بخشنده و دانا. نفوس را به هدایت کبری نفیس فرما، بخشش آسمانی مبذول کن و موهبت رحمانی شایان فرما و در کف حفظ و حمایت فرما و نفوس را تأیید کن، روی‌ها را نورانی نما و خوی‌ها را گلزار و گلشن فرما، جان‌ها را به تفلحیت قدس زنده کن و هوالله ای پروردگار، این جمع را شمع روشن

AB10593

المطف است و چنین جمع لایق فضل و موهبت بی پایان. تویی مقتدر و عزیز و توانا و تویی خداوند یکتا و بی همتا. عالم کن زیرا نیتشان خیر عمومی است و مقصدشان خدمت به عالم انسانی. ای خداوند مهربان، چنین انجمن سزاوار هوالله ای پروردگار، این انجمن را روشن نما و این جمع را شمع

AB10874

ما گناه‌کاریم ما خطا کاریم ما غافلیم ما ناهلیم، تو عقی تو غفوری تو بزرگواری تو آمرزگاری، انک انت التواب الستار.

ای پروردگار، خطیبات این نفوس را عفو کن و سیئات این ذلیلان را ستر نما، تو واقفی تو علمی تو مطلعی تو آگاهی،

AB11169

کن و جانیشان را سبحانی نما تا در جمیع مراتب به آنچه لایق این یوم عظیم است قیام نمایند و موفق به رضای تو شوند. هوالله ای خداوند بی‌اهمتا، این نفوس را سرا پا نورانی و قلوبشان را رحمانی

BH00005ALL

هوی مشاهده میشوند نجات را آمل و بخششهای قدیمت را سائل توئی قادر و توانا و معین و دانا . حضرت بهاءالله رجا از قلوب طالبانت قطع نشده و نمی شود گواه این مقام کلمه مبارکه لا تقنطوا ای کریم عبادت در بحر نفس و جدیدی مزین نمائی و باسم بدیعی فائز فرمائی توئی آنکه از اراده امت ارادات عالم ظاهر و از مشیتت مشیات امم نافذ عشاق رویت لقاییت را چون خلق از تو و امید مکنونه قلب از تو سزاوار آنکه امام وجوه اغیار محرمان کویت را بطراز چه ای کریم نیر رحمتت از افق هر شئی ظاهر و نجم عطاییت از هر شطری ساطع محتاجان بابت عطاییت را میطلبند و بر بخششت گواهی است صادق و شاهدییست ناطق چه اگر کرم نبود دست ارتفاع را نمیآموخت تراب چه و ارتفاع هستیت مقدس از دلیل و برهان و استوائت بر عرش منزله از ذکر و بیان رجالی افنده و قلوب و ارتفاع ایادی نفوس رفعت و عظمتت مقرر و معترف ای دریای کرم قطره بشطرت توجه نموده و ای آفتاب جود وجود جودت را طلب کرده کلمه مبارکه منع منما و از حرارت محبت محروم مساز دریاهای عالم بر رحمت محیطه ایت شاهد و گواه آسمانها بر الهام معبودا مسجودا این مشیت خاک را از اهتزاز

BH04990

تابش و درخشش فراوان بنما، شاید این قلوب افسرده تازه و زنده گردند و این نفوس مُرده حیات بی اندازه یابد. ابهائیت فیض انوار کن و از ملکوت اعلایت بذل اسرار نما . ای نیسان عنایت، بارش و ریزش ارزان کن و ای شمس حقیقت نظر فرما، آه و فغانم جمع طبور را به فریاد آورده و آه پر حسرت قلبم چون شعله سوزان به جان جهان آتش زده، از افق ضعیفم و پشه نحیف، بال و پری شکسته دارم و پائی از دوری بادیه حسرت خسته، چشم گریانم بین و جگر سوزانم هواللهی پروردگارا، مور

BH00870

فی سُئِلَ هِدَايَتِكَ وَ مَنَاجِحِ فَضْلِكَ وَ غَفْرَانِكَ وَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَافِي الْمُسَافِي الْحَاقِظُ الْمَعْطَى الرَّؤُوفُ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الَّتِي هِيَ فِيهَا تَمَّ اشْفِ بِهَا كُلَّ مَرِيضٍ وَ عَلِيْلٍ وَ فَقِيْرٍ عَنِ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَكْرُوْهِ وَ اَفْءَةٍ وَ حُزْنٍ تَمَّ اَهْدِ بِهَا كُلَّ مَنْ يُرِيْدُ اَنْ يَدْخُلَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ اَنْ تَحْقِظَ حَامِلًا هَذِهِ الْمَوْرِقَةَ الْمُبَارَكَةَ تَمَّ الَّذِي يَقْرُؤُهَا تَمَّ الَّذِي يُلْقِيْ عَلَيْهَا تَمَّ الَّذِي يَمُرُّ فِي حَوْلِ بَيْتِ وَ يَذْكُرُكَ الْعَلِيِّ الْعَالِي وَ بَجَمَلِكَ الْاَلِطِّ الْاَصْفَى وَ بُنُوْرِكَ الْخَفِيِّ فِي سُرَابِدِ الْاِخْفَى وَ بِاسْمِكَ الْمَتَّقِمِصِّ بِقَمِيْصِ الْمِبْلَاءِ عَظَمَتِكَ وَ سُلْطَنَتِكَ وَ طُلُوْعِ عِزِّ حُكُوْمَتِكَ بِكَلِمَةِ بَلَى كَ وَ بِهَذِهِ الْاَسْمَاءِ الْحُسْنَى الْاَعْظَمِ وَ بِهَذِهِ الْمَصْفَاتِ الْعَلِيَّا الْاَلَاكِرِمِ اِلَى خَوْلَانِ مَكْرَمَتِكَ وَ اِنْعَامِكَ وَ يِعْنَايَتِكَ الَّتِي بِهَا اُجِبْتَ فِي نَفْسِكَ مِنْ قَبْلِ كُلِّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ فِي حِيْنَ ظُهُوْرِ الَّذِي بِهِ فَتَحْتَ ابْوَابَ الْمَفْضِلِ وَ الْعَطَاءِ وَ بِهِ اسْتَقْرَّ هَيْكَلُ قُدْسِكَ عَلَى عَرْشِ الْمُبَقَّاءِ وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا تَعُوْتُ الْمُمْكِنَاتِ يَا كَافِيَ بَكَ يَا كَافِيَ يَا شَافِيَ بَكَ يَا شَافِيَ يَا باقِيَ بَكَ يَا باقِيَ يَا باقِيَ اَنْتَ الْمَبَاقِي يَا باقِيَ سُبْحَانَكَ اَللّهُمَّ يَا اَللهِ اَسْأَلُكَ بِجُودِكَ

مستور يا غائب مشهور يا ناظر مظلور انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي يا قابل عشاق يا ولهب فسلق
وانت الباقي يا باقي بك يا ناقد بك يا لاحظ بك يا لاقظ انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي يا ظهر
يا زاف انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا ثابت بك يا ثابت بك يا ناوت انت الكافي وانت المشافي
باقي بك يا وهاج بك يا بلاج بك يا بهاج انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا وهاب بك يا عطاف بك
وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا واثق بك يا عشق بك يا فلق انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا
بك يا جذب انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا جلال بك يا جمال بك يا فضال انت الكافي
باقي بك يا فتاح بك يا تصاح بك يا تجاح انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا حبيب بك يا طبيب
وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا سبوح بك يا قدوس بك يا تزوه انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا
انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا نكر الاكظم بك يا اسم الاكرم بك يا رسم الاقدم انت الكافي
يا جان بك يا جانان بك يا ايمان انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا ساقى بك يا على بك يا غالى
وانت الباقي يا باقي بك يا كشف بك يا كشف بك يا عاطف انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك
انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا غياث بك يا مستغاث بك يا تفات انت الكافي وانت المشافي
عطوف بك يا رؤوف بك يا لطوف انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا ملاذ بك يا معاذ بك يا مستعاذ
الباقي يا باقي بك يا محفوظ بك يا مخطوط بك يا ملحوظ انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا
الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا عظم بك يا قدوم بك يا كروم انت الكافي وانت المشافي وانت
بك يا فضل بك يا بلل انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا قيوم بك يا ديموم بك يا علوم انت
انت الباقي يا باقي بك يا جليل بك يا جميل بك يا فضيل انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا عادل
سابع انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا نفع بك يا مانع بك يا صانع انت الكافي وانت المشافي و
باقي بك يا طالع بك يا جامع بك يا رافع انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا بلع بك يا فارغ بك يا
وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا صانع بك يا قانع بك يا قانع انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا
بك يا غلب بك يا ولهب انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا قلدر بك يا نصير بك يا سلتر انت الكافي
الباقي يا باقي بك يا معمر بك يا مشهور بك يا مستور انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا غلب
انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا روج بك يا تور بك يا ظهور انت الكافي وانت المشافي وانت
يا عزيز بك يا نصير بك يا قدير انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا حاكم بك يا قائم بك يا علم
وانت الباقي يا باقي بك يا معشوق بك يا محبوب بك يا مجنوب انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك
انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي يا باقي بك يا رحمن بك يا عظمان بك يا قدران انت الكافي وانت المشافي
بك يا قدسان بك يا مستعان انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا عليم بك يا حكيم بك يا عظيم
وانت الباقي يا باقي بك يا أحد بك يا صمد بك يا فرد انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا سبحان
بهي انت الكافي وانت المشافي وانت الباقي بك يا سلطان بك يا رفعان بك يا تيان انت الكافي وانت المشافي
بسم الله الامتع الاقدس الارفع الابهى بك يا علي بك يا وحي بك يا

موردى ملجأ و پناه باش و در هر مقصدى معين و مستعان گرد. توئى مقتدر و توانا و توئى دهنده و شنونده و توانا و بينا.
را وجود بخشيدى، تشنگان را آب گوارا داسى و گرسنگان را سفره مهنا گستردي و نعمت مهيا را يگان نمودى، پس در هر
هوالله اى پروردگار، اين آوارگان را به سايه خويش در آوردى و سر و سامان داسى، نيستى را هستى داسى و نابود

ثم اجعلهم من الذين طافوا حولك ويطوفون حول عرشك في كل عالم من عوالمك انك انت المقتدر العليم الخبير. وصالك اسألك يا ملك الملوك وراحم المملوك ان تقدر لهم خيرا لندنيا والاخرة ثم اكتب لهم ما لا عرفه احد من خلقك انزلته في الواحك الى رب اشربهم من يد عطائك كوثر بقاءك ثم اكتب لهم اجر من انعمس في بحر لقاك و فاز يرحيق كتابك بقوةك و عملوا ما امرؤا به من عندك و اختاروا ما نزل لهم من لدنك الى رب ترى انهم اقروا و اعترفوا بكل ما مقاما لدى ظهور نور وجهك الى رب اولئك عباد ما متعهم الهوى عما انزلته في كتابك قد خضعت اعناقهم لامرك و اخذوا الى رب اسألك بتلك الايام و الذين تمسكوا فيها بحبل اولمرك و عروة احكامك بان تجعل لكل نفس مقرا في جوارك و سميتها بايام الهاء في كتابك يا ملك الاسماء و تقربت ايام صيامك الذي فرضته من قلمك الاعلى لمن في ملكوت الانشاء قوله تعالى: بسمي الاعظم يا الهى و نارى و ثورى قد تخلت الايام التى

اليك فى هذا اليوم المقدس المحمود لتشكر الله ربك و تذكره بذكر يتنبه به اهل الرقود . حضرت بهاء الله رساله انا المقتدر على ما كان و ما يكون طوبى لمن عمل بما امر من لدى الله و ويل لكل غافل مردود . انا نزلنا الآيات و ارسلناها ثم اعرفوا قدرها لانها تحكى عن هذا الاسم الذى به سخر الله الغيب و المشهود انا جعلناها قبل المصيام فضلا من عندنا و هذه ايام الهاء و امرنا الكل ان ينفقوا فيها على انفسهم و على الذين توجهوا الى هذا المقام المرفوع ان اتكروا الله فيها قوله تعالى: هو الاقدس الاعظم الابهى سبحان الذى اظهر نفسه كيف اراد ان الله لهو المقتدر المهيمن القيوم

تحفظنى بوجدك و فضلك ثم ارجعنى الى محلى بحولك و قوتك انك انت المقتدر المهيمن القيوم . حضرت بهاء الله و حراستك اسألك بقدرتك التى بها حفظت اولياك من كل نى غفلة و نى شرارة و كل ظالم عنيد و كل فاجر بعيد بان فى حين الخروج عن المدينة قل الهى الهى خرجت من بيتى متعصما بحبل عنايتك و اودعت نفسى تحت حفظك هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار يا ايها المتكور لدى المظلوم

اصفياؤك و اعترف بما اعترف به اهل الفردوس الاعلى و الذين طافوا عرشك العظيم، الملك و الملكوت لك يا الله العالمين . تسألك بان تحفظنا من جنود الظنون و الأوهام، انك انت التعزيز العالم . ثم يرفع رأسه يقعد ويقول: اشهد يا الهى بما شهد به ثلاث مرات و يسجد ويقول: لك الحمد يا الهنا بما انزلت لنا ما يقربنا اليك و يزرقنا كل خير انزلته في كتبتك و زبرك، اى رب و اسرر جبروتك بان تعمل باولياك ما ينبغي لوجودك يا ملك الموجود و يليق لفضلك يا سلطان الغيب و المشهود . ثم يكبر ان ترتفع الى سماء كرمك، ترى يا الهى عبراتي تمنعني عن المنكر و الثناء يا رب العرش و المتى، أسألك بايلى ملكوتك

بر ساحل وجود ریزد. مَرَجَ الْبُحْرَيْنِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِئْسَ آلَاءَ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْهُ وَالْمُرْجَانُ
و وسيله حصول فیض جاودان فرما تا از اجتماع آن دو بحر محبت، موج الفت بر خیزد و لثالی سلاله نجیبه مقدسه
و ما خَلَقْتَ الْجَنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ، حال این دو مرغ آشیانه محبت را در ملکوت رحمانیت عقد اقتراان ببند
یابد و همواره تا جهان باقی به عبودیت و عبادت و پرستش و ستایش و نیایش درگاه احدیت مشغول و مألوف گردند
هوالمه ای خداوند بیمانند، به حکمت کبرایت اقتراان در بین اقراان مقدر فرمودی تا سلاله انسان در عالم امکان تسلسل

BH03447

تؤدی یومیاً فی الصباح والمساء

على أوليائك الذين ما منعهم شئونات الخلق عن الإقبال إليك وأنفقوا ما عندهم رجاء ما عندك. إنك أنت المغفور الكريم.
قد أظهرت أمرک ووفیت بعهدک وفتحت باب فضلك على من في السموات والأرضين. والمصلاة والسلام والتكبير والمبهاة
بأنبيال رحمتك وفضلک یا أرحم الراحمين. ثم يقعد ويقول: أشهد بوحدايتك وفردانيتك وبأنك أنت الله لا إله إلا أنت
دونى ووصفى ووصف من فى السموات والأرضين. ثم يقوم للقنوت ويقول: يا إلهى لا تخيب من تشبث بأنامل المرجاء
الملك والملکوت والمعزة والمجربوت لله مولى المورى ومالك العرش والمثرى. ثم یرکع ويقول: سبحانک عن نکرى ونکر
الظهور ومکلم الطور الذى به أنار الأفق الأعلى ونطقت سدره المنتهى وارتفع النداء بين الأرض والسماء قد أتى المالك
التوجه إلى غيرک. وبعد له أن يقوم متوجهاً إلى القبلة ويقول: شهد الله أنه لا إله إلا هو. له الأمر والمخلق. قد أظهر مشرق
ملکها. إنک أنت المقتدر القدير. وفى حين غسل الوجه يقول: أى رب وجهت وجهى إليك. نوره بأنوار وجهک ثم احفظه عن
حين الغسل يقول: إلهى قو یدی لتأخذ کتابک باستقامة لا تمنعها جنود العالم ثم احفظها عن التصرف فيما لم يدخل فى
ومن أراد أن یصلى له أن یغسل یدیه وفى

BH0009AWA

حضرت یزدانى دلهاشان لاله زار و گلشن، هر یک در امرالله عليم مبين گردند و در استقامت بر عهد و پیمان حصن متين.
محبت الله چون شعله سوزان باشند و در فرقت جمال منان ابرى گريان، به وفای الهی رویشان روشن گردد و به عنایت
و مشرق انوار و مظهر الطلاف رب مختار، در ملاء مقربین محشور گردند و در زمره مخلصین معدود و معروف، از حرارت
نارى یر بار گردند و گلزارى با نفلت مشکبار، امواج دریلى آثار قدم شوند و نسائم گلشن اسم اعظم، مهبط الهام باشند
رحمت باشند و اشعه آفتاب افق حقیقت، لسانى ناطق گردند و فضلى سابق شوند، چشمى بینا باشند و گوشى شنوا،
سماء وجود چون انجم هدایت بدرخشند و در انجمن عالم چون چراغهاى محبت الله روشن و متور گردند، امطار غمام
صحراى محبت را در کھف منیع و ملاذ رفیع حفظ و حراست منزل و مأوى احسان کن تا به عون و فضل و جودت در
در شاخسار سدره منتهى پناه عنایت فرما و این ماهیان لجه توحید را در بحر اعظم عنایت غوص ده و این بی سامانان
هوالمه ای پروردگار آمرزگار، این مرغان بی آشیان را در حدیقہ ثبات و استقامت

بَوزَد و شمیم احسان مُرور نماید، مشامِها مُعطر گردد، رویِها مُتَوَر شود. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان. پرتو موهبت بیفزاید، شمع غفران بر افروزد و پردهٔ عصبان بسوزد، صبح امید کند، ظلمت نومید زائل گردد، نسیم المطفای رَهِیم و مُتَضَرع در هر صبحگهیم، ای بزرگوار، خطا بیوش و عطا ببخش، وفا بفرما، صفا عنایت کن تا نور هدایت تابد و هوالله ای یزدان مهربان، سرا پا گنهییم و خاک

تو گرم و رسوائیان کوی تو، این موهبت را شایان فرما و این عنایت را رایگان کن. توئی پروردگار و توئی آمرزگار. و از مادونت در کنار. ای پروردگار، موفق بدار تا از سودائیان تو گرم و از شیدائیان تو شوم، سر دفتر مجنونان روی و فغانی نکنم و جز در پناه احدیت امن و امان نجویم، بیزار از هر بیگانه‌ام و به یگانگی تو دل بسته‌ام، از غیر تو بیزارم میثاق راهی و کامی نجویم، شب و روز دردمند درد توالم و روز و شب مجروح تیغ و خدنگ تو، جز به ملکوت ابهائیت ناله هواللهی ای خداوند، تو شاهد و آگاهی که در دل و جان جز آرزوی رضای تو مرا می ندارم و جز در بزم

مستقیم بدار و این مرغ بی پر و بال را در آشیان رحمانی خود و در شاخسار روحانی خویش مسکن و مأوای عطا فرما. پس ای پلک یزدان من، این بندهٔ پر شور و شیدا را در پناه خود پناهی ده و بر دوستی خویش در عالم هستی ثابت و که به عواطف رحمائیت موفق بحریست بی‌اکران و هر تراهی که به پرتو عنایت مؤید آفتاب‌یست درخشنده و تابان، المطفای بی‌انهائیت روشن و باز و در سحر گاهی این جان و دل پژمرده به یاد جمال و کمال خرم و دمساز، هر قطره‌ای جز تو نجسته و نجویم و به غیر از سبیل محبت راهی نیموده و نیویم، در شبان تیرهٔ نومیدی دیده‌ام به صبح امید هواللهی القیوم. الهی تو بینا و آگاهی که ملجأ و پناهی

را به غزلخوانی بخوان و حقایق و معانی تعلیم ده. توئی پروردگار توئی کردگار توئی مجلی طور در کشور انوار. بارین موهبت بیار، چمن هدایت بیار، ریاحین معانی انبات کن و سلطان گل را تلج موهبت بر سر نه و بلبلان روحانی دیدهٔ اهل بصیرت روشن کن، آهنگ ملکوت ابهی به‌گوش رسان و هر دل‌تنگ عالم آدنی را خوشوقت کن، ابر رحمت بفرست، کن تعلمات قدس بفرست و محافل انس معطر نما، فیض قدیم مبنول دار و فوز عظیم شایان نما، نور حقیقت جلوه ده هوالله ای پروردگار، به جنود ملاً اعلیٰ نصرت نما و به جیوش ملائکه محبت و صفا اعانت

گلزار نما تا بوی خوی خوشش جان‌پرور گردد و پرتو رویش افزون از ماه و اختر. توئی مهربان و توئی بخشنده و توانا. کن، سرور آستان نما و افسر جهان بالا بر سر نه، رویش را بدرخشان و گوهرش را بیفشان، جانش را مشکبار کن و دلش را یزدان پاک، این بندهٔ دیرین را اندوهگین مخواه، شادمانی آسمانی بخش و قر یزدانی بده، ستارهٔ روشن نما و گل گلشن هواللهی الأبهی ای

بَوزَد و شَمِيمِ احسانِ مُرورِ نَمَید، مِشامِها مَعَطَرِ گَرِید، رُویِها مَتُورِ شُود. تُوئی بَخشندِه و مَهرِبان و درخِشندِه و تابانِ. پرتو موهبت بیفزاید، شمعِ غفران بر افروزد و پردهٔ عصیان بسوزد، صبح امید کند، ظلمتِ نومید زائل گردد، نسیمِ المطفای رهیم و مُتَضَرِّع در هر صبحگهیم، ای بزرگوار، خطا ببوش و عطا ببخش، وفا بفرما، صفا عنایت کن تا نور هدایت تابد و هوالله ای یزدانِ مهربان، سرا پا گنهییم و خایک

فَضِیْکَ وَ مَواهِبِکَ تَمَّ اِقْبَلِ مَنَّا یَا مَحْبُوبِنَا ما عَمَلنَاه فی سَبیلِکَ، اِنَّکَ اَنْتَ المَقْتَدِرُ المَتَعالی المَفْرُدُ المَواجِدُ المَغْفُورُ المَغْطُوفُ. بَانَ لا تَرْجِعْها اِلا بِکَوزِ عَطائِکَ وَ اِحسانِکَ. اَی رَبِّ فَاکتَبْ لَنَا وَ لا یَبائِنَا کَلِمَةَ المَغْفِرانِ تَمَّ اَقضِ لَنَا ما اَرَدنَاه مِن طَمَطامِ عَلی ما کانَ وَ ما یَکُونُ. لا اِلهَ اِلا اَنْتَ المَهیمُ المَقیُومُ، اَی رَبِّ تَرى اَیْمانِی المَرْجاءِ مُرتَفِعَةً اِلی سَماءِ جُودِکَ وَ کَرَمِکَ اَسْأَلُکَ اَرواحِنا فی جَبَرُوتِکَ وَ اَسْماءِنا فی مَلکُوتِکَ وَ اَجْسادِنا فی کَنائِزِ حَفْظِکَ وَ اَجْسامِنا فی خَزائِنِ عَصَمَتِکَ اِنَّکَ اَنْتَ المَقْتَدِرُ سَحابِ رَحْمَتِکَ لِیُطَهِّرنا عَن ذِکرِ غَیْرِکَ وَ یُقَرِّبنا اِلی شاطِئِ بَحرِ فَضِیْکَ. اَی رَبِّ فَاکتَبْ لَنَا مِن قَلَمِکَ الِاعلی ما یَبقی بِه بِاَعلی المِنْداءِ فی مَلکُوتِ الانْشاءِ وَ یَدْعُوا المَکَلِ اِلی سَدْرَةِ المَتَنِّهِ وَ المَقامِ الِاقْصى. بَانَ تَنْزِلِ عَلَینَا وَ عَلی عِبادِکَ مِن اَمطارِ النَفْسِ وَ المَهوٰی وَ تُؤیِّدْهُمْ عَلی ما یَنْقَعُهم فی الِاخْرَةِ وَ الِاولی. اَی رَبِّ اَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ المَکْنونِ المَخزونِ الذی یُنادِی وَ اِحاطَتْهمُ المِاْساءُ وَ المَضراءُ بِما اَعْرَضُوا عَن التُورِی وَ اَقْبَلُوا اِلی الِافقِ الِاعلی. اَی رَبِّ اَسْأَلُکَ بِان تَحْفَظْهمُ مِن شُئُونِنا لِیَنْدِیکَ الِاحلی الذی ارْتَفَعَ مِنَ المَقامِ الِاعلی بِاسْمِکَ الِابْهی اَی رَبِّ فَانْصُرِ اِحْبَتِکَ الذِینَ تَبَدُّوا ما عِنْدَهم رِجاءَ ما عِنْدَکَ مِن سَماءِ مَشِیتِکَ اَی رَبِّ تَرى عُیُوثَهمُ نَاطِرَةً اِلی اَفقِ عَنايَتِکَ وَ قُلُوبَهمُ مُتَوَجِّهَةً اِلی بُحُورِ الطائِقِ وَ اَصْواثَهمُ خالِشَعَةً فَارْحَمِ یا اِلهَ المَعالِمِ وَ مالِکِ المَقْدِمِ وَ سُلطانِ الِاهمِ عِبادِکَ الذِینَ تَمَسَّکُوا بِحِجْلِ اُولِیْمَرْکَ وَ خَضَعُوا عِنْدَ ظُهورِنا اِحْکامِکَ اَیْمانِکَ وَ لا تَمَنِّعْهمُ عَن رِشْحانِ بَحرِ رِضايِکَ. اَی رَبِّ قَدْ شَهِدْتَ التَّراثِ بِقَدْرَتِکَ وَ سُلطانِکَ وَ الِآیاتِ بِعَظَمَتِکَ وَ اِقْتِدارِکَ یا مِن بَیْدِکَ زَمامِ المِمکِناتِ وَ فی قَبْضَتِکَ مَلکُوتِ الِاسْماءِ وَ الِصِفاتِ بَانَ لا تَحْرِمِ عِبادِکَ عَن اَمطارِ سَحابِ رَحْمَتِکَ فی بامَرْکَ وَ اِرادَتِکَ وَ یَقُومُونَ فی الِاسْحاارِ لِذِکرِکَ وَ تَنائِکَ رِجاءَ ما کُنْزَ فی کَنائِزِ فَضِیْکَ وَ خَزائِنِ جُودِکَ وَ کَرَمِکَ. اَسْأَلُکَ هُوَ العَزِيزُ المَتانِ یا اِلهَ المَرْحَمِ وَ المَقْتَدِرُ عَلی الِامکانِ تَرى عِبادِکَ وَ لِرِقاائِکَ الذِینَ یُصُومُونَ فی الِایامِ

ای پروردگار مرا ثابت دار تا در سبیلت دلیل متحیرین گردم و در طریقتِ هامی هر طالبِ کلیلِ توئی مقتدر و توانا. و ظهیرِ گشتی و افتاده‌ای را مجیر و دستگیر. ستایش و نیایش تو را سزاوار که بزرگواری و معین و مجیر هر نیکوکار هوالأبھی ای محبوب یکتا ای مقصود بی‌اهمتا، عون و عنایت فرمودی و صون و حمایت نمودی، بیچاره‌ای را معین

إلهی إلهی

لِعِرفانِکَ و عِبادَتِکَ. اَشْهَدُ فی هَذا الحَینِ بِعَجزِی و قوَّتِکَ و ضَعْفِی و اِقْتِدارِکَ و فِقرِی و غَنائِکَ. لا اِلهَ اِلا اَنْتَ المَهیمُ المَقیُومُ. اَشْهَدُ یا اِلهی بِاَنَّکَ خَلَقْتَنی

AB02326

نه و این افتادگان را در کھف حفظ و حمایت خویش از شرّ اهل نفاق محفوظ دار. اَنْتَ الْحَلِيقُ الْمَقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ.
ای پروردگار بی انباز، مُقَدَّسٌ و مُتَّزِهٌ، رحیمی و مهربان، مُجِیرٌ و دَسْتگیر، این بیچارگان را در پناه خود منزل
هُوَالْاَبْهٰی

AB00044PRO

موفق گرییم و مانند ستاره‌های روشن در این اقلیم بنور هدایت بدرخشیم. توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و بینا. ع. ع.
و محرومان محرم راز شوند پروردگارا بعین عنایت نظر نما تأییدی آسمانی فرما نفلت روح القدس مبذول دار تا بخدمت
و دیده بمشاهده انوار روشن نمایند از ظلمات جهالت برهند و طائف حول سراج هدایت گردند بی‌انصیبان نصیب برند
توئیم در ره تو قدم نهادیم و مقصد و آرزویی جز نشر نجات تو نداریم تا نفوس فریاد اهدنا المصراط المستقیم برآرند
فرمودی پروردگارا جمعی هستیم بندگان تو و فقیران تو دور افتاده‌ایم مشتاقان تو تشنه چشمه توئیم و دردمند درمان
تشنگانرا بچشمه هدایت دلالت کرمی ماهیان لب تشنه را بدریای حقیقت رساندی و مرغان آواره را بگلشن عنایت دعوت
فرمودی کوران بینا نمودی و کران شنوا کرمی مردگان زنده فرمودی و فقیران اغنیای کرمی گمراهان را راه بنمودی و
پروردگار مهربان شکر ترا شاهراه هدایت بنمودی و ابواب ملکوت بگشودی و بواسطه شمس حقیقت تجلی

AB00001FIR

منما و به ملائکه مُقَرَّبِینِ کلِّ رَاْمِدٍ فرما، تا به استقامت تمام این دو یوم را در خدمت صرف نمایند توئی قادر و توانا.
الْهٰی الْهٰی دُوسْتَانَتِ رَا اِز بَحْرِ کَرَمَتِ مَحْرُومِ

BH02022

اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَمِیْلُ مَنْ الذِّیْنَ هُمْ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَ بِالذِّیْ یَبْعَثُهُ اللّٰهُ فِیْ یَوْمِ الْمَقِیْمَةِ وَ کَانُوْا عَلٰی مَنَٰلِیْحِ الْحَقِّ لَمَنْ السُّلٰلِکِیْنَ
وَ یَکْشِفُ ضُرُّهُ وَ یَقْرُجُ کَرْبَهُ وَ اِنَّهُ لَهُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ ثُمَّ تَکْرَمَ لَدُنَّا کُلٌّ مِّنْ سَکَنِ فِیْ مَدِیْنَةِ
وَ رَحْمَةٌ مِّنْ لَّدُنَّا لِتَکُوْنَ مِنَ الشَّاکِرِیْنَ قُوَ اللّٰهُ مَنْ کَانَ فِیْ شِدَّةٍ اَوْ حُزْنٍ وَ یَقْرُوْا هٰذَا اللّٰوِحَ بِصِدْقٍ مُّبِیْنٍ یَرْتَقِعُ اللّٰهُ حُرَّتَهُ
اٰیٰمَکَ وَ لَا تَکُنْ مِنَ الصّٰبِرِیْنَ فَاِنَّ اللّٰهُ قَدْ قَدَّرَ لِقَارِبِهِ اَجْرَ مِائَةِ شَهِیْدٍ ثُمَّ عِبَادَةُ الثَّقَلِیْنَ کَذٰلِکَ مَثْنًا عَلَیْکَ بِفَضْلِ مِّنْ عِنْدِنَا
فَقَدْ اَعْرَضَ عَنِ الرُّسُلِ مِنْ قَبْلِکَ ثُمَّ اَسْتَكْبَرَ عَلٰی اللّٰهِ فِیْ اَنْزِلِ الْاَزْوَاجِ اِلٰی اَیْدِ الْاَبْدِیْنَ فَاحْفَظْ یَا اَحْمَدُ هٰذَا اللّٰوِحَ ثُمَّ اَقْرَأْهُ فِی
الْمُظَنُّوْنَ بَیْنَهُمْ وَ قُلُوْبِهِمْ وَ تَمَتَّعْهُمْ عَنْ سُئْلِ اللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وَ اِنَّکَ اَنْتَ اٰیْقَنُ فِیْ ذٰلِکَ بِاَنَّ الَّذِیْ اَعْرَضَ عَنْ هٰذَا الْجَمَلِ
وَ لَیْسَ لَهُمْ مِنْ بَصْرِ لَیَعْرِفُوْا اللّٰهُ بَعِیُوْنِهِمْ اَوْ یَسْمَعُوْا تَعْمٰلِیَّتَهُ بِاَدْبَانِهِمْ وَ کَذٰلِکَ اَشْهَدْنَاهُمْ اِنْ اَنْتَ مِنَ الشّٰهِدِیْنَ کَذٰلِکَ حَالِیَّتِ
فِیْ سَبِیْلِ اَوْ الْمَتَلَّةِ لِاَجْلِ اَسْمٰی لَا تَضْطَرِبْ فَتَوَکَّلْ عَلٰی اللّٰهِ رَبِّکَ وَ رَبِّ اَبْنٰکَ الْاَوَّلِیْنَ لِاَنَّ النَّاسَ یَمُشُوْنَ فِیْ سُئْلِ التَّوَهُّمِ

من في السموات والارضين وكن كشمعة النار لاعدائي وكوني البقاء لاجبائي ولا تكن من الممترين وان يمسه الحزن
وغرتي في هذا السجن البعيد وكن مستقيماً في حبي بحيث لن يحول قلبك ولو تضرب بسيف الاعداء ويمتلك كل
ولن يستطيعوا ولو يكون بعضهم لبعض ظهيرا ان يا احمد لا تنس فضلي في غيبي ثم تكرر ايامي في ايامك ثم كررتي
يا قوم ان تكفروا بهن الايات فياي حجة امثتم بالله من قبل هاتوا بها يا مالا الكلابيين لا قولذي نفسي بيده لن يقدروا
في هذا السجن وما عليه الا البلاغ المبين فمن شاء فليعرض عن هذا النصيح ومن شاء فليخذ الى ربه سبيلا قل
في البيان من لدن عزيز حكيم قل انه لسلطان المرسل وكتابه لام الكتاب ان انتم من العارفين كذلك يتذكركم الورقاء
والذي ارسله باسم علي هو حق من عند الله وانا كل بامر به لمن العلمين قل يا قوم فاتبعوا حدود الله التي فرضت
الذي اتمم بفوليكه الله العلي المقدير العظيم ان يا احمد فاشهد بان الله لا اله الا هو السلطان المهيم العزيز القدير
هنا لمنظر الاكبر الذي سطر في الواج المرسلين وبه يقصل الحق عن الباطل ويفرق كل امر حكيم قل انه لشجر اللوح
بهذا الثريا الذي فصل من تبا الله الملك العزيز المفيد وتهدى المحبين الى مقعد المقدس ثم الى هذا المنظر المنير قل ان
سدره البقاء بالحلان قدس مليح وتبشر المخلصين الى جوار الله والموحدين الى ساحة قرب كريم وتخير المتقطعين
هو السلطان العليم الحكيم هذه ورقة الفردوس تغنى على افنان

BH02307

لسى وجهك و جادل ببرهانك و فر من حكومتك و اقتدارك و كان من المشركين في الواج المقدس من اصبح الامر مكتوبا.
طاف في حولك و حضر لقاء غرضك، فويل لمن ظلمك وانكرك و كفر باياتك و جاحد بسطلائك و حارب بنفسك و استكبر
الله، و من فاز بلقائك فقد فاز بقاء الله، فطوبى لمن آمن بك و باياتك و خضع بسطلائك و شرف بلقائك و بلغ برضاك و
فصل بين الممكنات و صد المخلصون الى التزوة العليا والمشاركين الى الدرجات السفلى، و اشهد بان من عرفك فقد عرف
وهدت الممكنات و بعثت المظهورات، و اشهد ان جمالك ظهر جمال المغبود و وجهك لاح و وجه المقصود و بكلمة من عندك
سماء القضاء وطلع جمال النقيب عن افق البداء، و اشهد ان حركتك من قلمك ظهر حكم الكلف والمنون وبرز سر الله الممكنون،
من في الارض والسماء، اشهد ان بك ظهرت سلطنة الله واقداره وعظمة الله وكبرياؤه، وبك اشرفت شمس المقدم في
الثناء التي ظهر من نفسك الاعلى والبهاء الذي طلع من جمالك الابهى، عليك يا مظهر الكبرياء وسلطان البقاء وهليك
لتجديني عن نفسي و عن الدنيا الى شطر قريتك ولقائك وانتك انت المقتر على ما تشاء وانتك كنت على كل شيء محيطا.
فيا الهي و محبوبي فأرسل الي عن يمين رحمتك وعنايتك تفحلت قدس اطلاقك

صل اللهم يا الهي على عبدك الفانيين و املاك الفانيين انتك انت الكريم نوالفضل العظيم لا اله الا انت الغفور الكريم.
و فروعها بدوام اسمائك الحسنى و صفاتك العليا ثم احفظها من شر المعتدين و جنود الظالمين انتك انت المقدير القدير،
انتك انت المقدير المتعال العزيز الغفور الرحيم، صل اللهم يا الهي على المسدرة و اوراقها و اغصانها و افنانها و اصولها
وجهك و اتبعوا ما امروا به حبا لنفسك ان يكشف السبحات التي حالت بينك و بين خلقك و يزلقني خير الدنيا والاخرة
أمرت من لدن عليهم حكيم. زوحي لضررك الفداء و تفسي لبلائك الفداء اسأل الله بك وبالمؤمنين استضاءت وجوههم من انوار
اياهم في عمرات البلايا مرة كنت تحت المسلسل و الأغللال و مرة كنت تحت سيوف الاعداء و مع كل ذلك أمرت الناس بما
عليك يا جمال الله تناء الله وتكره و بهاء الله و نورته اشهد بان ما رأيت غير الإبداع مظلوما شبهك كنت في

AB03082

نابت كن، مستقيم فرما و در محفل اسرار همد و نديم كن، اى كريم، توئى صاحب فضل عظيم، انتك انت الرحمن الرحيم.

شکر الطافت در نیایم که چنین موهبتی مبذول فرمودی و چنین احسان رایگان داشتی. ای یزدان مهربان، ثابت نما و
را از معین عین تسنیم نوشانی، پس اگر در دهان صد هزار زبان بگشایم و به هر زبان حمد و ستایش تو نمایم از عهد
این مستمند را به گنج روان دلالت فرمودی، این قافله گمگشته را به کعبه مقصود هدایت فرمودی و این ماهی تشنه لب
هوالمه ای پروردگار، ستایش تو را که این بی‌انوا را با نوا کردی و

AB03082

اشْرَحَ صَدْرَهُ وَأَوْقَدَ مُصْبَحَهُ فِي خِدْمَةِ أَمْرِكَ وَعِبَادِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمَكْرِيمُ الْمُرْحِمُ الْمَوْهَبُ وَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُؤْتِفُ الْمُرْحَمُنْ.
اِنَّكَ اَنْتَ الْمَكْرِيْمُ الْمُرْحِيْمُ الْمَتَعَالِ. هَذَا مَا يُنَادِيكَ بِهِ ذَلِكَ الْعَبْدُ فِي الْمُبْكُورِ وَالْأَصْلَالِ أَيْ رَبِّ حَقِّقْ أَمَالَهُ وَتَوَزَّ اسْرَارَهُ وَ
الْمَفْنَاءَ وَاجْعَلْنِي غُبَارًا فِي مَمَرِ الْأَحْبَاءِ وَاجْعَلْنِي فِدَاءً لِلْأَرْضِ الَّتِي وَطَّئْتُهَا أَقْدَامَ الْأَصْفِيَاءِ فِي سَبِيلِكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ وَالْمَعْلَى
وَالْعَبَى عَلَى الْمَوَاطِظَةِ عَلَى الْإِنْعِدَامِ فِي رَحْمَةِ زُبُوبِيَّتِكَ أَيْ رَبِّ اسْقِنِي كَأْسَ الْمَفْنَاءِ وَالْمِسْنَى تَوْبَ الْمَفْنَاءِ وَاعْرِقْنِي فِي بَحْرِ
أَحْدِيثِكَ وَتَوَزَّجْنِي بِأَنْوَارِ الْمُتَعَبِدِ فِي سَاحَةِ قَدِيسِكَ وَالتَّبْتُلِ إِلَى مَلَكُوتِ عَظَمَتِكَ وَحَقِّقْنِي بِالْمَفْنَاءِ فِي فَنَاءِ بَابِ الْوَهْيِيَّتِكَ
مُتَوَكِّلَ عَلَيْكَ مُتَضَرِّعٌ بَيْنَ يَدَيْكَ يُنَادِيكَ وَيُنَاجِيكَ وَيَقُولُ رَبِّ أَيْنِدُنِي عَلَى خِدْمَةِ أَحْبَابِكَ وَقُونِي عَلَى عُبُودِيَّةِ خَضْرَى
وَتَعْمَرَهُ فِي بَحَارِ رَحْمَةِ صَمْدَانِيَّتِكَ أَيْ رَبِّ إِنَّهُ عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَرَقِيقُكَ الْمَسْأَلُ الْمَتَضَرِّعُ الْأَسِيرُ مُبْتَهَلُ الْمِيكَ
أَهْلُ الْحَقْلِيْقِ وَالنَّعْوَتِ مِنْ أَوْلَى الْأَلْبَلْبِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى عَبْدِكَ الْخَاضِعِ الْخَالِشِ بِبَابِ أَحْدِيثِكَ بَلْخَطَلْتَ أَعْيُنَ رَحْمَلَانِيَّتِكَ
سَارِدٌ هُوَ الْمَالِجِيُّ الْمَهْيُ الْمَهْيُ ائِنِّي ائْبُسْتُ الْمِيكَ اَكْفَ التَّضَرُّعِ وَالتَّبْتُلِ وَالابْتِهَالِ وَاعْقُرْ وَجْهِي بِتُرَابِ عَتَبَةِ تَقَدَّسَتْ عَنْ اِدْرَاكِ
اَيْنِ مَنَاجَاتِ رَا هَر نَفْسِي بِه كَمَالِ تَضَرُّعِ وَابْتِهَالِ بِخَوَانِدِ سَبَبِ رُوحِ وَرِيحَانِ قَلْبِ اَيْنِ عَبْدِ گَرْمِدِ وَحَكِيمِ مَلَاقَاتِ

BH03019

از حزن بی‌روبو و قلب را از غم فارغ نما و به آهنگ ملیح برخوان : گر تیغ بارد در کوی آن ماه گردن نهادیم المحکم الله
و از ساقی جلال ساغر جمال برگیریم و به ایلد رخ نوالجلال خمر بی‌امثال درنوشیم، چشم را از آب پاک کن و دل را
و نادیدنی بینیم و ناشنیدنی بشنویم و به آهنگ نور هیکل روح را به رقص آوریم و در حریم جان بزم خوشی بیارائیم
حلقه زنییم و به حضرت انس رو آریم و از بربط عراق نغمه حجازی بشنویم و با دوست ملحق شویم، ناگفتنی بگوئیم
بفروش، دل به قضا دربند و به حکم قدر بیوند، چشم عبرت برگشا و از غیر دوست درپوش که عتقرب در محضر قدس
رخ را مخراش و آب از دیده مپاش و از بی‌صبران مپاش، پیراهن تسلیم پوش و از باده رضا بنوش و عالمی را به درهمی
پا نه . مریما، حزن را به سرور بخش و غم را از جلم فرج در کش، اگر خواهی قدم درکوی طلب گذاری صابر باش و
ناله سراپد محبوب بر جفا بیافزاید. اگر شریعت وصال خواهی تن به زوال در ره و اگر خمر جمال طلبی در وادی حرمان
و هر جا غمی است بر دل اصحاب نازل گردد، عاشقان را چشم تر باید و معشوقان را ناز و کرمه شاید، حبیب اگر صد
را سینه منیر دوستان لایق و کمند بلای نا منتهای را گردن عاشقان شائق، هر کجا خدنگی است بر صدر احباب وارد آید
و نعره‌ها از دل پر درد برخاست، آب گوارا به خون تبدیل شد و صحن فردوس برین به خون آمیخته، بلی تیر قضای الهی
زبانی به اخروش آمد، سراق عزت بر کرد و هملی رقت از شاخسار بهجت بر پرید، افلاک‌های بلند بر خاک اتیره بنشست
بلا مکان عروج نمود قفس وجود از طیر محمود خالی ماند و بلبل قدم به اصحرای عدم رو نمود و عتدلیب الهی بر سدره
هو مریما، عیسی جان

BH0308DES

قلم امر مبرمت را نصرت فرمودی و اولیاء را راه نمودی. توئی مالک قدرت و ملیک اقتدار. لا اله الا انت العزیز المختار.

تو، اسباب آسمان و زمین در قبضه قدرت تو! امراء را عدل عنایت فرما و علماء را انصاف. توئی آن مقتدری که به حرکت
المهی المهی سراج امرت را به دهن حکمت بر افروختی، از ارباب مختلفه حفظش نما. سراج از تو، زجاج از

AB00156LOW

هر کدام بینه‌الی از بینات کتاب مجید. توئی خداوند مهربان و توئی جزیل الاحسان. انک اثت الکریم المقتدر العزیز الممان.
متین بر این عهد رزین رصین ثابت و بر قرار مانند و به اشکرانه احسانت زبان گشایند وهریک آیتی از آیات توحید گردند و
فرما، ابر رحمت بار، بحر موهبت به موج آر، نسیم عنایت بوزان و پرتو موهبت مبذول دار تا هر یک چون جیل راسخ
محبت را در حقیقه حقیقت لانه و آشیانه بخش و به ترانه وجد و سرور و شوق و شادمانی در بزم کامرانی دمساز
رحمت بنوشند و در اعلاء کلمات بکوشند و از آتش عشقت بسوزند و بجوشند. ای پروردگار، این مرغان چمنستان
شمع در سوز و گدازند و چون مرغ سحری همدم نغمه و آواز، هر یک در جت ابهات صفت حمد تو گویند و از جویبار
روز به نار محبت مشتعلند و به تفحات قدست مؤانس، مقصدی جز رضای تو ندارند و آرزوی جز لقای تو نجویند، چون
هوالمهی ای خداوند مهربان، این نفوس بندگان آستانند و پاسبان‌های راستان، شب و

AB05167

تو می‌دانی که از هر چیزی گذشته‌ام و از هر فکری فارغ شده‌ام، جز نکر تو شغلی ندارم و جز خدمت آرزوی نخواهم.
ای خدا، در سببیت هر بلائی را مهیا هستم و هر صدمه‌الی را به جان و دل آرزو نمایم. ای خدا، از امتحان محافظه نما،
و این دردمند را درمانی ده و این مریض را علاجی عطا کن، با قلبی سوزان و چشمی گریان به درگاهت مناجات می‌نمایم
و صحرا نهم و فریاد به ظهور ملکوتت نمایم و ندایت را به جمیع گوش‌ها برسانم. ای خدا، این بیچاره را چاره‌الی بخش
بکوشم و جان و دین را در راهت فدا نمایم، توئی دانا توئی بینا هیچ آرزوی جز این ندارم که از محبت سر به کوه
دل و جان آرزوی ندارم جز آنکه به رضایت موفق گردم و به عبودیتت مؤید شوم، به خدمت پردازم و در کرم عظیمت
هوالمه ای خدا، تو شاهی و گواهی که در

AB00189AID

نما، همواره مشام از تفحات قدس معطر کن و در دو جهان روی مئور نما و خوی معتبر. توئی دهنده و بخشنده و توانا.
هوالمه ای پروردگار، این جوهر ابرار را یار و یاور باش، کاملکار کن بزرگوار

AB09497

موفق نما و به عبودیت یارانت مؤید کن، این است منتهی آرزوی دل و جان، این است منتهی آمل جان و وجدان.
بخش، افتاده‌ایم دستگیر شو، آزریدگانیم شادمانی بخش، افسردگانیم حرارت و شوقی عطا فرما، به خدمت دوستانت
مرهمی مرحمت فرما، گمگشتگانیم هدایت کن، تشنگانیم سیراب نما، آشفته‌گانیم راحت و سکون ده، نلیلیم پرتو عزت
پربشانیم جمعیت خاطری عطا فرما، مستمندانیم توانگر کن، دردمندیم درمانی عنایت نما، مجروح و موجوعیم،
هوالمه ای معشوق این شیدائیان و مقصود این سودائیان،

AB09911

از بیگانه و خویش مستغنی کن، در هر کمی شبمی فرست تا گلشن قلوب سبز و خرم گردد و رباحین فیض عنایت بروید.
گل‌های پُر طراوت گردند و در ریاض حقیقت درختانی در نهایت لطافت. ای خداوند، بر خدمت خویش موفق فرما و
پُر شوق و وله را به رحمت بی پایان موفق فرما تا مواهب عالم انسانی گردند و مظاهر اللطاف ربانی، در گلستان هدایت

گلزار و چمن راه باهم و در خدمت امرت کوشم و جان در زهت افشانم و خاک ره احبایت گریم. ائک ائت المکریم الرحیم.
جان جانم به فدایت، اى دلبر نازنینم، اى یار دلنشینم عنایتی فرما که در ملکوت ابهائیت با رخی روشن و وجدانی چون
هُوَاللهی اى بنده حق، دست شکرانه به درگاه خداوید یگانه بلند نما و بگو اى بهاء

مرا مستقیم بر امرت بدار و در امتحان ثابت بر محبت کن و در دریای عنایتت مستغرق فرما. توئى دهنده و مهربان.
هو پروردگارا،

یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی
و اشراق أنوار شمس جمالك و أغصانك بأن تکفر جریرات الذین تمسکوا بأحكامك و عملوا بما أمروا به فی کتابک ترانی
بأمرک أجز الذین لم یتکلموا الا بالذکر و ألقوا ما عندهم فی سبیلک و حبک اى رب أسألك بنفسک و بآیاتک و بیاناتک
و الطافک و بالاسم الذى به ماج بحر الغفران أمام وجهک و أمطر سحاب المکرّم على أرقائك أن تکتب لمن أقبّل المیک و صام
العاشقین و ضجیح المشتاقین و صریخ المقربین و حنین المخلصین و به قضیت أمل الآملین و أعطیتهم ما أرادوا بفضلک
الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی اللهم ائى أسألك باسمک الذى به سمعت نداء
فی سبیلک أن تکتب لى من قلمک الاعلی ما کتبه لامنائک و أصفیاءک ترانى یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز
فی الآخرة و الاولی اللهم ائى أسألك بنور وجهک الذى ساق المقربین الى سهام قضائك و المخلصین الى سیوف الاعداء
و أظهرته بارادتك ترانى یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من
بها طار النوم عن عیون أصفیاءک و أولیاءک و قیامهم فی الاسحار لنکرک و ثنائک أن تجعلی ممن فاز بما أنزلته فی کتابک
الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی اللهم ائى أسألك بنار محبتک التى
المختار أن تعرفنی ما کان مکنونا فی کنائز عرفانک و مستورا فی خزائن علمک ترانى یا الهی متمسکا باسمک الاقدس
هاجت الاریاح و ظهرت الاثمار و تطاولت الاشجار و محت الآثار و خرقت الاستار و سرع المخلصون الى أنوار وجه ربهم
متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی اللهم ائى أسألك بالمحرف التى اذا خرجت من فم مشیتک ماجت البحار و
و تقرینى الى مقام تجلی فیہ مطلع آیاتک ترانى یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و
اللهم ائى أسألك بحفیف سدره المنتهى و هزیز نسمات آیاتک فی جیروت الاسماء أن تبعدنی عن کل ما یکرهه رضاؤک
یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی
الذى به احترقت أكباد العشاق و طارت أفئدة من فی الأفاق أن توفقنی على نکرک بین خلقک و ثنائک بین بریتک ترانى
الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولی اللهم ائى أسألك بمظهر اسمک المحبوب
و کبر عن ورائه بأعلى النداء بأن تجعلنى فانیاً عما عندى و باقیاً بما عندک ترانى یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور
تشبث به من فی الآخرة و الاولی اللهم ائى أسألك بجمالك المشرق من افق البقاء الذى اذا ظهر سجد له ملکوت الجمال
به ارادتک و ظهر من مشیتک ترانى یا الهی متمسکا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلی الابهی و متشبثا بذیل

و الاولی اللہم انی أسألك بخباء مجدک على أعلى الجبال و فسطاط أمرک على أعلى الاتلال أن تؤيدني على ما أريد
بيانک تراني يا الهي متمسكا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبثا بذيل تشبث به من في الآخرة
أسألك باسمک الذي جعلته سلطان الاسماء و به انجذب من في الارض و السماء أن تريني شمس جمالک و ترزقني خمر
متمسكا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبثا بذيل تشبث به من في الآخرة و الاولی اللہم انی
على خدمة أمرک على شأن لا يعقبه المقعود و لا تمنعه اشارات الذين جادلوا بآياتک و أعرضوا عن وجهک تراني يا الهي
الوجه كما يتحرك على صفحات اللواج قلمک الاعلى و بها تضوعت رائحة مسک المعاني في ملكوت الانشاء أن تقيمني
العلي الابهي و متشبثا بذيل تشبث به من في الآخرة و الاولی اللہم انی أسألك بشعراک التي يتحرك على صفحات
أن تجذبني من نفحات قميصک و تشربني من رحيق بيانک تراني يا الهي متمسكا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم
بذيل تشبث به من في الآخرة و الاولی اللہم انی أسألك بضياء عرتک المعراء و اشراق أنوار وجهک من الافق الاعلى
تبعدي عن ظل رحمتک و قباب كرمک تراني يا الهي متمسكا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبثا
به من في الآخرة و الاولی اللہم انی أسألك بندائك الاحلى و الكلمة العليا أن تقربني في كل الاحوال الى فناء بابک و لا
فضلک بين خلقک تراني يا الهي متمسكا باسمک الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبثا بذيل تشبث
اللہم انی أسألك بالآية الكبرى و ظهور فضلک بين المورى أن لا تطردني عن باب مدينة لقائك و لا تخيبني عن ظهورات
بُسمه المشرق من افق البيان

BB00002ENA

از شهوات هواييه و اخلاق شيطانيه محفوظ و مصون بدار تا روج بنفحات قدس انس گيرد و از نکر دون تو صائم گرید.
مشتهيات جسمانيه و اشتغال بطعام و شراب باز ماندم دل و جانم را از محبت غير خويش پاک و مقدس کن و نفسم را
لی پروردگار همچنانکه از

BB00147GRO

که جودت وجود را موجود فرمود و به افق اعلى راه نمود. عبادت را از صراط مستقيمت منع مفرما. تویی قادر و توانا.
امطار سحاب رحمت آتش ده. تویی آن کریمی که عصیان عالم تو را از کرم منع نمود و از بدایع فضلت باز نداشت، تویی
المها مغبدا این نهالی است تو غرس نمودی، از

AB00527

فضلك و موهبتك ثم اقبل منا يا محبوبنا ما عملناه في سبيلك. انك انت المقتدر المتعالي المفرد الواحد الغفور العظوف.
بان لا ترجعها الا يكتوز عطائك و احسانك. اى رب فاكتب لنا و لا يائنا كلمة الغفران ثم اقض لنا ما اردناه من طمطم
على ما كان و ما يكون. لا اله الا انت المهيمن المقيوم. اى رب ترى ايلالى المرجاء مرتفعة الى سماء جودك و كرمك اسألك
ارواحنا فى جبروتك و اسمائنا فى ملكوتك و اجسادنا فى كنايز حفظك و اجسامنا فى خزائن عصمتك. انك انت المقتدر
سحاب رحمتك ليظهرنا عن نكر غيرك و يقربنا الى شاطى بحر فضلك. اى رب فاكتب لنا من قلمك الاعلى ما يبقى به
بالغى المنداء فى ملكوت الانشاء و يدعوا الكل الى سدره المنتهى و المقام الاقصى. بان تنزل علينا و على عبادك من امطار
النفس و الهوى و تؤيدهم على ما ينفعهم فى الاخرة و الاولی. اى رب اسألك باسمك المكون المخزون الذى ينادى
و احاطتهم بالمساء و المضراء بما اعرضوا عن المورى و اقبلوا الى الافق الاعلى. اى رب اسألك بان تحفظهم من شئونيات
لندائك الاحلى الذى ارتفع من المقام الاعلى باسمك الابهي اى رب فائصر اجبتك الذين تبذوا ما عندهم رجاء ما عندك

من سماءِ مشيتك اى رَبِّ تَرى عُيُوتَهُمْ نَاطِرَةً اِلى اُفُقِ عِنايَتِكَ وَ قُلُوبُهُمْ مُتَوَجِّهَةً اِلى بُحُورِ الطَّلَاقِ وَ اَصْوَائِهِمْ خَاشِعَةً فَارِحِمِ يا اِلهِ العالِمِ وَ مالِكِ المِقْدِمِ وَ سُلطانِ الاممِ عِبادِكَ الَّذينَ تَمَسُّكُوا بِحِجْلِ اَولِامِرِكَ وَ خَضَعُوا عِنْدَ ظُهُورِياتِ اِحْكامِكَ اَيامَكَ وَ لا تَمَنِّعُهُمْ عَن رَشَحِلاتِ بَحْرِ رِضايِكَ اِلى رَبِّ قَد شَهِدْتَ المِثْرَياتِ بِقُدْرَتِكَ وَ سُلطانِكَ وَ الايَّاتِ بِعَظَمَتِكَ وَ اِقْتِدالِكَ يا مَن يَبِيدُكَ زَمائِمَ المِمكاناتِ وَ فى قَبْضَتِكَ مَلَكُوتِ الاسماءِ وَ المِصْفاتِ بَنا لا تَحْرِمِ عِبادَكَ عَن اَمطارِ سَحابِ رَحْمَتِكَ فى بَامِرِكَ وَ اِرابِيتِكَ وَ يَفْؤُومُونَ فى الاسْحارِ لِذِكْرِكَ وَ تِنايِكَ رِجاؤُ ما كُنْزِ فى كِنايِزِ فَضيلِكَ وَ خِزائِنِ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ اَسْأَلُكَ هُوَ العَزيزُ المَنَّانُ يا اِلهِ المِرحَمِ وَ المَقْتَدِرُ عَلى الامْكانِ تَرى عِبادَكَ وَ اِرْقاؤَكَ الَّذينَ يَصُومُونَ فى الايامِ

AB00065KIN

او کند ما چه توانیم کرد، یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است، پس سر تسلیم نه و توکل بر رب رحیم په .والمبهاء عليك. المتفاتی صد هزار درد بی درمان دوا کند و به انعطافی زخمها را مرهم نهد و به نگاهی دلها را از قید غم برهاند، آنچه کند بند و به ملکوت ابهی بر گشا، آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب، به نظری صد هزار حاجاتت روا نماید و به الله ابهی اى متوجه الى الله، چشم از جميع ملسوی بر

AB08620

بهره بخش، شب تیره را روز فرما و روز نوروز را فیروز کن. توئی توانا توئی بینا توئی شنوا توئی بیاهمتا توئی مهربان. در جهان کیهان سر بلند نما و در ایوان یزدانی جای بده، در انجمن بالا رو سفید فرما و کیر امید بگشا و از بخشش آسمانی دهش خداوند آفرینش، اگر مستمندند ولی هوشمندند، اگر ناتوانند ولی زورمندند چه که تو پشتیبانی، تو یاور مهربانی، اى پروردگار، این دوستان یاران تو اند و سر مسیت پیمانۀ پیمان تو، همه پرورده آغوش بخششند و شیرخوار پستلین هوالله

BHU0004SUF

هُوَالمُهَيِّمُ المَقِيؤُمُ

بَرَكَةٌ مِّنْ عِنْدِكَ ثُمَّ اَرْجِعْني اِلى المَبِيتِ سَلِماً كَما اَخْرَجْتَنِي مِئْهُ سَلِماً مُسْتَقِماً . لا اِلهَ اِلا اَنْتَ المَفْرُدُ المِواجِدُ المَعْلِيْمُ المَحْكِيْمُ . اَصْبَحْتَ يا اِلهِى بِفَضْلِكَ وَ اَخْرَجْتَ مِّن المَبِيتِ مُتَوَكِّلاً عَلَيْكَ وَ مُقَوِّضاً اَمْرِي اِلَيْكَ فَانزِلْ عَلَيَّ مِّنْ سَماءِ رَحْمَتِكَ

AB10769

بگو اى اله من و محبوب من و سيد من و سيد من و مقصود من

تو و آفتاب عنایت و سماء فضل تو که مقدر فرمائی از قلم اعلى از برای این امه خود آنچه سزاوار بزرگی تو است. این سائلی است اراده بلب تو نموده و فقیری است قصد دریای غنای تو کرده .سؤال مي انمايم تو را به ادريای بخشش و جميع قلوب از عرفانت قاصر بوده و خواهد بود .اى پروردگار من، عجز و فقر و فناى کنيز خود را مشاهده مي انمايى مي اهد جان و روان و لسان به اينکه واحد بوده اى و شبه و مثل برای تو نبوده و نخواهد بود .جميع السن از وصفت عاجز شهادت

AB10703RAD

باقی همدم و همراز نما. قوت تأیید بخش و به تفأل روح القدس تقویت نما تا به خدمت قیام نماید. تویی توانا. ع. ع
ای پروردگار این دختر ملکوت را در دو جهان عزیز نما. از جهان خاک و خاکیان بیزار کن و به جهان

AB10901

نما به نعمت پرور، قابلیت بخش تا ملکوتی گرم ربانی شوم روحانی شوم نورانی گرم. تویی مقتدر و توانا و مهربان.
هوالله ای خدا، طفل معصوم در پناه خود حفظ نما، عنایتی کن و رحمتی بفرما تربیت

XAB00013

به فی کتابک انک انت المقتدر العزیز التقدير. ع. ع. لوح پنجم دوره دوم الواج فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء
بین خیرة خلقک رب اجعلنی منقطعاً عن دونک متشبثاً بذیل عنایتک مخلصاً فی دینک ثابتاً علی محبتک علماً بما امرتني
رب لیس لی نصیر الا انت و لا مجیر الا انت و لا معین الا انت ایدنی بملائکتک علی نشر نجات قدسک و بث تعالیمک
الأبدیة و هذا العلل یرجو شفاء الغلیل برحمتک الموسعیة التي اختصت بها عبادک المختارین فی ملکوتک الأعلی
المهی تری هذا المضعیف یتمنی القوه المملکوتیة و هذا الفقیر یترجی کنوزک السماویة و هذا الظمان یشاقق معین الحیاة
المهی

XAB00018

این نملۀ فانیه را به اسرار حق عرفانت راه نمودی و در ظل خباء مجدت مأوی دای. تویی بخشنده و توانا و دانا و بینا.
را به انوار اسمت منور فرما و به اعمال طیبه طاهره و اخلاق مرضیه مؤید دار. لك الحمد والثناء و لك الفضل والمعطاء
ایام تو است عمل نمایم و قابل جود و کرم تو است مشغول گرم. ای کریم غافلان را به بحر آگاهی راه نما و کنیزانت
الها مغبودا ملکا ملک الملوکا از تو می اطلبم تأیید فرمائی و توفیق عطا کنی تا به آنچه سزاوار

XAB00019

در ظل قبایب اسم کریمت مأوی دهی. تویی قادر بر کل و مهیمن بر کل. اشهد و تشهد الأشياء كلها بانک انت المقتدر المقتدر.
از توجه به تو منع نمود و از تقرب باز نداشت، اینکه کنیز خود را از تعلق ناعقین و شبهات مریبین حفظ فرمائی و
سؤال می اکنم تو را به دمائی که در راه تو در ایران ریخته شد و به نفوسی که سطوت ظالمین و ظلم مشرکین ایشان را
الها مغبودا مقصودا فقیری از فقراء قصد بحر عطا نموده و جاهلی از جهلاء به تجلیات آفتاب علمت توجه کرده

XAB00020

ای قدیر، مقبلین را از کأس یقین قسمت عطا فرما و از انوار تیر ایقان محروم منما. انک انت المقتدر المعلیم الحکیم.
و کرم عمیمت مسألت می انمایم این عباد را از شر ناعقین حفظ فرمائی که شاید مثل حزب قبل به الوهام آلوده نشویم

مسجودا قدرتت را قدرت عباد منع نمود. امرت را به قلم نصرت نمودی و به اسم اعظم دعوت فرمودی. از فضل عظیم
الها مغبودا

XAB00021

و تَبَاكَ الْعَظِيمُ أَنْ تَوَيَّدَنِي عَلَى مَا يَرْقَعُ بِهِ أَمْرُكَ بَيْنَ عِبَادِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيَّمُنُ الْقَيُّومُ.
و از ظل سدره منتهی و صریح قلم اعلی محروم نسازی. اَشْهَدُ أَنْ الْمَيَّومَ يَوْمَكَ وَالْأَمْرَ أَمْرَكَ. أَسْأَلُكَ بِصِرَاطِكَ الْمَسْتَقِيمِ
الها مغبودا مقصودا به اکمال عجز و ابتهاال از تو مسألت می‌نامیم این عبد را از شر ناعقین حفظ فرمائی

XAB00022

نمودند. حال از تو می‌اطلبیم و مسألت می‌نامیم ما را از سارقین و خائنین حراست نما و حفظ فرما. توئی قادر و توانا.
الها مغبودا مسجودا کریم رحیما تو آگاهی و دانائی این عباد لثالی محبتت را در خزائن افنده و قلوب به اسمت حفظ

XAB00023

بگو ای آقای من و مولای من و الله من و پدید آورنده من
ای خدا، به تو ناظریم و از تو می‌اطلبیم، ظاهر کن از ما آنچه را که سزاوار تو و ایلم تو است. توئی عطا کننده و بخشنده.
نما. توئی توانا و توئی دانا. ای خدای من، به‌اتو رو آوردم و تو را نکر می‌نامیم و به‌امبارکی اسمت از دونت فارغ و آزادم
از دریای بخشش تو که این نهال نورسته در بوستان محبت خود را از کوثر حیوان بنوشان و از اریاح خریف حفظش
سؤال می‌کنم

XAB00024

آن کن که سزاوار بخشش تو است نه لایق نکر و ثنای من. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُقْفُورُ الْمَكْرِيمُ. الْحَمْدُ لَكَ أَنْتَ مَقْصُودُ الْمُقَاصِدِينَ.
قدیمت را می‌اطلبم و فضل عمیمت را می‌جویم. تو دانا و آگاهی، به نکریت زنده‌ام و به امید لقایم موجود و پاینده،
لایق ادراک هستیت نه. هستی تو ورلی ادراک عقول و فوق عرفان نفوس بوده و هست. به کمال عجز و ابتهاال بخشش
نما و از بحر رحمتت قسمتی عطا نما و از دریای جودت نصیبی مقدر فرما. السن عالم قابل نکریت نه و افنده امم
عالمیان را محو نماید و یک کلمه از فم عنایتت آب حیوان بر اهل امکان مینول دارد. ای بخشنده یکتا، عبت را محروم
نموده‌ام و به حبل عنایتت متمسکم و به ذیل کرمت متشبت. توئی آن کریمی که یک قطره از دریای غفرانت عصیان
هوالتناصرالمعین الها کریم رحیما به تو توجه

XAB00025

غنی مثل منی فقیر را محروم می‌نامید؟ حاشا و کلا. اَشْهَدُ وَ يَشْهَدُ كُلُّ الْمَشْيَاءِ بِأَنَّكَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.
ابدی ممنوع مساز. توئی قادر و توانا. ای پروردگار، تراست عالم بر غنایت گواهند و بر فضلت مقرر و معترف، آیا مثل تو
جسته، از تو کریم قدیمت را می‌اطلبد و عفو جدیدت را سائل و آمل، او را از دریای فضلت محروم نما و از کوثر زندگانی
ارض و فراغنه بلاد تو را از ارامه منع نمود. ای کریم، فقیری به ابابت توجه نموده و ضعیفی به حبل اقتدارت تمسک
و سما را خلق فرمودی و به‌ایک قطره از دریای جودت وجود را موجود نمودی. توئی مقتدری که قوت و قدرت جابره
الها مغبودا مسجودا به‌ایک کلمه از کلمات علیا ارض

XAB00026

بخشنده‌ای که بخششت محدود به حدود نه. عباد توئیم تو را می‌جوئیم و از تو می‌اطلبیم. توئی قُضال و توئی بخشنده.
از تیر جودت عالم وجود موجود. ای پروردگار، آنچه لایق ایامت نیست اخذ نما و آنچه قابل است عطا فرما. توئی آن
توئی مقتدری که قدرت عالم و امم از اقتدارت باز نداشت. از یک اشراق از تیر کرمت دریاهای کریم ظاهر و از یک تجلی
الها مغبودا از توام و به‌اتو آمدم، قلبم را به نور معرفتت منیر فرما

نمود. پروردگارا، توئی پادشاهی که امرت را چونود عالم منع نمود و سطوت مهم از اقتدارت باز نداشت یا حسین بگو ساز. مثابه غیث هاطل بر عاصی و مطیع نازل رحمتت به. توئی آن کریمی که عصیان اهل امکان ملکوت غفرانت را منع توئی بخشنده و مهربان. ای رحیم، بندگان را از دریای بخشش منع نما و محروم

را از دریای شناسائی محروم نما و از انوار وجه ظهور منع مفرما. توئی بخشنده و مهربان. لا اله الا انت العزیز الممنان. او را از اشراق باز ندارد. ای کریم، هر صاحب بصیر و سمعی بر کرمیت شهادت داده و بر سبقت رحمتت گواهی. عبادت را که سزاوار بخشش تو است و ظهور و بروزش از دفتر عالم محو نشود، سحاب اوهام او را ستر نماید و غمام ظنون الهام معبودا مسجودا شهادت می دهد عبد تو به وحدانیت تو و فردانیت تو و از بدایع فضلت مسألت می نماید آنچه

ان تَوَيْدِنِي عَلَى نِكَرِكَ وَ تَنَائِكَ وَالْمَعْمَلِ بِمَا أَمَرْتَنِي بِهِ فِي كِتَابِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ. و به نیل رحمتت متشبهتم. از تو آرزوش قدیمت را می طلبم و فضل عمیمت را می جویم. اسألك بانوار انبیاك و رُسلك الهام معبودا تو را نكر می نمایم و به حبل عنایتت متمسك

سؤال می نمایم این عبد را فائز فرمائی به آنچه سبب نجاتست در جمیع عوالم تو. توئی مقتدر و توانا و توئی عللم و دانا. وجود موجود گشت و توئی آن کریمی که اعمال بندگان بخشش را منع نمود و ظهورت جودت را باز نداشت. از تو الهام کریم رحیم توئی آن سلطان که به يك كلمه الت

که بر مظاهر وجود رحم فرمائی و از فیوضات ایامت محروم نسازی. جمیع محتاج و فقیرند و انت المغنی الغلب المقدير. و جوهر عنایت کعبه امرت را طائف، از تو سؤال می نمایم فضل قدیمت را می طلبیم و جود جدیدت را می جوئیم و وضع باریده و اشراقیت انوار آفتاب بخشش بر عاصی و مطیع تابیده. ای رحیمی که سلنج رحمت بابت را ساجد وحدانیت تو و فردانیت تو و بخشش اهل قدیم و جدید تو. توئی آن کریمی که امطار سحاب سماء رحمتت بر شریف الهام معبودا مسجودا شهادت می ادهم به

آمل. عبادت را از امواج بحر عطایت منع مفرما و کل را به اطرار جود و بخشش مرتین نما، إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ. نمائی حامد و صابریم. ای پروردگار، از اراده الت به وجود آمدیم و به اتو در یوم تو راجع گشتیم. این خادم سائل و در بخشش و عطایت از برای وجود ربیبی حاصل نه. غناء آن تو و فقراء به اباب تو. اگر عطا فرمائی شاکریم و اگر محروم و اشراقات انوار تیر جود جمیع وجود را متور فرماید. قسم به انابت مقدست اگر به ادوالم ملك و ملکوت اظهار نداری تو سؤال می نمایم به اعزت و عظمت و جود و کرمیت که آنچه عطا فرمودی ظاهر نمائی تا نعمتت بر عالمیان هویدا گردد الهام کریم رحیم آیا از برای عالم سمع و بصیر عطا فرمودی و یا آنکه محروم داشتی. از

نجات وحی تازه شود و به احیای ابدی فائز گردد. توئی قادر و توانا و توئی عالم و دانا. لا اله الا انت العلی الاعلی. مشغول گردد. ای کریم، این فقیر را از بحر غنایت محروم نما و این مسکین را در ظل رحمتت مقرر که شایداز وطن اعلی نموده و قاصدی قصد غایت قصوی کرده. او را مدد فرما تا بر خدمتت قیام نماید و به انتشار اوامر و احکامت تو را قسم می ادهم به کلمه علیا و اقتدار قلم اعلی که این عبد را مؤید فرمائی بر آنچه لایق ایام تو است. غریبی اراده

که سلاطین عالم نزد اسمی از اسمائیت خاضع و خاشع ای کریم، کرمت عالم را احاطه نموده و رحمتت سبقت گرفته
الها مغبودا کریماً رحیماً توئی آن سلطان

XAB00034

را آمل و سائلیم، ما را منع مکن. توئی راهنما و صاحب عطا. لا اله الا انت رب العرش و الثری و ملک الآخرة و الاولی.
ای ستار، به اکرمت ستر نما و ای فضال، فضلت را باز مدار. مجرمیم و لکن از توایم محروم منما. بعیدیم و لکن بساط قربت
را مقداری نه. از بدایع عطائیت می اطلبیم و دست رجا به ابرگاه عظمت بلند نموده ایم. ای غفار، از ما به اجودت در گذر و
مشاهده شده و می اشود. نزد بحر غفران، عصیان این عباد مذکور نه و در عرصه ثروت و غنا فقر و احتیاج این عباد
نبوده و عفوت توقف نکرده و جودت از موجودات منع نشده. در هر حال آثار فضل بی منتهایت به البصار عدل و انصاف
از قبل در دانی و قاصی و مطیع و عاصی مشاهده شد و حال موجود و مشهود. پس به ابرهان ثابت شد کرمت محدود
و منتظر نیشان عنایت تو و ربیع مکرمت تو بوده و هست، از آب و من الماء کل شیء حی ما را منع منما. آثار کرمت
محروم منما و از امواج بحر کرمت منع مکن. این نهال الهی وجود به اید عنایت تو غرس شده حال وقت ترقی و نمو است
و غنای تو و جهل خود و علم تو و ضعف خود و اقتدار تو و عجز خود و سلطان تو. ای کریم ما را از امطار سماء رحمتت
الها بی نیازا کریماً رحیماً ملکا ملکا همه عباد تو اند و از کلمه تو از عدم به وجود آمدند و معترفند بر فقر خود

XAB00035

مکن. در هر حال توفیق و تأیید می اطلبیم و از سماء فضل بخشش قدیمت را سائلیم. توئی مالک عطا و سلطان ملکوت بقا.
شده تازگی عطا کردی. پروردگارا، وجود کل از جودت موجود، از بحر کرمت محروم مفرما و از دریای رحمتت منع
بودم بر اقبال تأیید نمودی، مرده بودم از آب حیات زندگی بخشیدی، پژمرده بودم از کوثر بیان که از قلم رحمن جاری
الها مغبودا ملکا مقصودا به چه لسان تو را شکر نمایم؟ غافل بودم آگاهم فرمودی، معرض

XAB00036

عطائیت را باز نداشت. ای کریم از مطلع نورت متور نما و از مشرق غنایت ثروت حقیقی بخش. توئی بخشنده و توانا.
پاکا پادشاهها هر آگاهی بر یکتائیت گواهی داده. توئی آن توانائی که جودت وجود را موجود فرمود و خطای عباد

XAB00037

نه، چه الفاظ چه معانی. ای پروردگار، از تو می اطلبیم کل را راه نمائی و هدایت فرمائی. توئی قادر و توانا و عالم و بینا.
عالم عرف ثنای تو متذوق شود همه محبوب جان و مقصود روان، چه تازی چه فارسی، اگر از آن محروم ماند قابل نکر
مردگان را زندگی عطا فرما، شاید تو را بیابند و به ادبیری آگاهی راه یابند و بر امرت مستقیم مانند. اگر از لغبت مختلفه
و محو نماید و یک نسیم از نسائم یوم ظهورت عالم را به خلعت تازه مزین فرماید. ای توانا، ناتوانان را توانائی بخش و
تو. هر چه کنی عدل. صرف است بل فضل محض. یک تجلی از تجلیات اسم رحمانت رسم عصیان را از جهان براندازد
پرهیزگاری مقعد صدق می اطلبیم و لقای ملیک مقتدر می اجوئیم. امر امر تو است و حکم آن تو و عالم قدرت زیر فرمان
مکائاً علیاً رسد و هر که را بیندازی از خاک پست تر بلکه هیچ از او بهتر. پروردگارا، با تباه کاری و گناهکاری و عدم
مقصودا کریماً رحیماً جانها از تو و اقتدارها در قبضه قدرت تو. هر که را بلند کنی از ملک بگذرد و به مقام و رفعت
الها مغبودا

XAB00038

از برای آن به ظهور آمده و مشاهده نمایند آنچه را که قوه باصره از برای آن موجود گشته. امر امر تو و جانها قربان تو.
آگاه نمایند و گمراهان را به راه آرند تا کل در ظل قباب عظمت و سدره رحمت جمع شوند و بشنوند آنچه را که قوه سامعه
است مرقوم نما و مقدر فرما. توئی توانا و توئی دانا و بینا. ای پروردگار، دستوران را آگاه نما تا به آگاهی خود غافلین را

و حکمت نافذ، اولیائت را از دریای بخشش محروم مساز و از برای هر يك، از قلم عنایت، آنچه المیوم سزاوار فضل تو
لنتی مَدد بخش شاید عباد تو را به راه راست و خبر بزرگ بشارت دهند و فائز نمایند. ای کریم، نورت ساطع و اَمَرَت غالب
تو را از گفتار منع نکرد و قهر جبابره از اراده غالبه منع نساخت. ای پروردگار، دستوران را راه نما و به اجنود دانائی و علم
باز نداشت. در حینی که سهام ضغینه و بغضا از جمیع جهات طیار به استقامت تمام قائم و بما یَبغی قائل. ظلم فراعنه
بر انگیختی. توئی توانائی که قوت و شوکت عباد تو را ضعیف نمود و لشکر غفلت و عسکر غرور و ثروت تو را از اراده
مادرسا حمد و ثنا و شکر و بها تو را سزاست که گنج شناسائی را در دل ودیعه گذارمی و لطیفه وجود را از آب و گل
پروردگار. مهربانا پادشاهها

XAB00039

آسایش یابد و جهان پر غرور از عالم الهی نصیب موفور جوید. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده و بینا.
پروردگار، امین شب تار را روز روشن فرما و امین بغض و عداوت بین ملل را به انس و محبت مبدل کن تا عالم آفرینش
با هم در نهایت الفت و بیگانگی معاشرت و مصاحبت نمایند، نکر اغیار نشود، همدگر را آشنا و یار و غمگسار گردند. ای
دست در آغوش غرب نماید، فرنگ بی ادراک سبیل محبت پوید، ترک تاجیک را همدم داند و هم آغوش و مهربان شمرد، کل
رحمانی کن تا بنیلان محبت و مهربانی در عالم انسانی تأسیس گردد و نوع بشر به یکدیگر مفتون و مهرپرور گردند، شرق
هوالله ای پروردگار، یاران را کامکار کن و به عبودیت همدم و دمساز فرما، قلوب را نورانی فرما و وجوه را

XAB00040

سوزان پدران رحم نما، امین طوفان را ساکت کن و امین جنگ جهانگیر را به صلح و آشتی مبدل فرما. توئی بینا و شنوا.
کن، ای مادرس به فریاد یتیمان برس، ای داور حقیقی مادران جگرخون را تسلی ده، ای رحمن رحیم بر چشم گریان و دل
این اطفال یتیم رحم فرما، ای خداوند بی نیاز این سیل شدید را قطع کن، ای خالق جهانیان این آتش افروخته را خاموش
هوالله ای خداوند مهربان، به فریاد بیچارگان برس، ای پاک یزدان بر

XAB00041

معرفت پرورش ده، در کودکی آزادی ده و فرزندی بخش و امین بی نیاز را محرم ملکوت راز نما. توئی مقتدر و توانا.
هوالله طفل صغیرم، پستان عنایت را تدی عزیز کن و از شهد و شیر محبت نشو و نما بخش و در آغوش

XAB00042

و امین کنیزان را کامیاب نمودی. الحمد لك و الشکر لك و المفضل لك و الموهبة منك، انك أنت المقتدر العطوف الرؤوف.
تو پوئیم ثنای تو گوئیم، اسپر زنجیر محبتیم و دستگیر امیر کشور موهبت، شکر تو را که شهد و شکر به کامها ریختی
ای رب و دود، ستایش نتوانیم و از عهده نیایش بر نیائیم، عاجزیم و ناچیز، قاصریم و بی تمیز ولی روی تو جوئیم سوی
این اماء را عزیز نمودی و امین ناچیزان را تلج موهبت بر سر نهادی، نر بخشایش گشودی و رخ بنمودی و دلها بربودی
هوالله پاک یزدانا خداوند مهربانا، شکر تو را که

XAB00043

شکسته را در هولی قدس عنایتت پرواز ده، امین فقیر را به کنز غناء دلالت فرما و امین ذلیل را به درگاه عزت هدایت کن.
هوالله ای بی نیاز، امین کنیز ناچیز را در آستان مبارکت قبول فرما و امین بال و پر

XAB00044

در قلوب بنما تا از هر قیدی آزاده گردیم و بکلی گرفتار تو شویم، شعله میثاق گردیم و نجوم بازغه از مطلع اشراق.
دلجوی تو یافتیم، چشم از غیر تو بستیم چون به جلال تو گشودیم. ای معشوق حقیقی، پرتوی در دلها افکن و جلوه‌ای
ای محبوب یکتا، دل از هر دو جهان برداشتیم چون علم محبت برافراشتیم، رخ از عالم و عالمیان برتافتیم چون روی

XAB00045

صراط گذشته در جنت ابھی وحدیت اصلیه داخل گردیم، اُنک اُنک المکریم، اُنک انت المرحیم لاله الا انت المقوی المقدیر. وانقطاع و حریت از شئون نفس و هوئی نجات بخش تا جمیع متفق و متحد شده در ظل خیمه یکارنگ تو آئیم و از بخش و از دام خود پرستی رهایی ده، جمیع ما را در پناه عنایت منزل و مأوی ده و کل ما را در کف حفظ و حراست هوالمه ای پروردگار توانا، این بندگان ناتوانت را از قیود هستی آزادی

XAB00046

عنایت فرمودی و به روضه مبارکه مشرف کردی، از فیض ملکوت ابهات بهره بی پایان می‌طلبم موفق فرما عنایت کن. از عین عنایت نوشاندی، این بی‌اجان افسرده را به نسیم رحمت تر و تازه نمودی، شکر تو را که از فضل اکبر نصیب آوفر این بنده ضعیف را به اللطف بی پایان بنواختی و این بیچاره دلایل را به درگاه احدیت رساندی، این تشنه سوخته را هوالمه ای منتها آرزوی عاشقان، ای دلیل گمگشتگان،

XAB00047

آستانی که ارواح مالاغلی پاسبان است و قلوب اهل ملکوت ابھی مقیم و رابع و سلجد و عکف و خاضع چون راستان. که این بخشش عظیم را شایان فرمودی و این لطف جلیل را رایگان نمودی، به تقبیل آستان مقدست موفق کردی، چه هوالمه ای فریادرس بی‌انویان ای خداوند مهربان، من چه لیاقتی داشتم

XAB00048

شبهات محفوظ دار و در ظل صون و حمایت خویش جای ده و از امتحان و افتتان ما را مصون دار. توئی مقتدر و توانا. تو سر و سامان جوئیم، افتادگانیم اللطف تو را نگرانیم، ما را بر عهد و میثاق خویش ثابت و مستقیم فرما و از سهام هوالمه ای پروردگار، بیچارگانیم به درگاه تو پناه آورده‌ایم، پریشان روزگاریم در بارگاه

XAB00049

خدایا نابت کن، خدایا محفوظ و مصون دار و محظوظ و مأمون بنما. توئی مقتدر و توانا و توئی حافظ بی نظیر و همتا. بدار و بر پیمان و ایمان استوار فرما، چه که اریاح افتتان شدید است و صرصر امتحان غبارانگیز. خدایا ثابت بدار، بنده گناهکار را در ظل شجره عنایت ملجا و پناهی بخش و بر حقیقت اسرار آگاهی ده، بر عهد و میثاق ثابت و محکم هوالمه ای پروردگار، این

XAB00050

تا آنکه در ظل ممدود تحت لواء معقود به ملکوت محمود راجع گردم. توئی مَنان و مهربان و توئی رَب الجود و الاحسان. از بدایت گردد و خاتم‌الاحیات فاتحه اللطاف شود و هر دم لطف و عنایتی رسد و هر نفس عفو و رحمتی مبنول گردد هوالمه ای خداوند، فضل و عنایتی و حفظ و حمایتی و لطف و صیانتی تا نهایت ایام ممتاز

XAB00051

و آواز به شکرانه الطاف پردازند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا، اُنک اُنک المکریم العظیم المتعال. جهان ملکوت بر سریر عزت ابدیه استقرار ده و اکلیل جلیل مواهب کلیه بر سر نه تا در جهان بالا سر فراز گردند و با نغمه آشفته روی تو اند و سرگشته کوی تو و متوجه به سوی تو و عاشقان خوی دلجوی تو، این نفوس مبارک را در هوالمه ای پروردگار، این مشتاقان

XAB00052

جلوه گاه آفتاب پر شکوه فرمائی، لطف و مرحمتی که بر خدمت امرت قیام نمائیم تا در بین ملاء امکان شرمسار نگردیم. فانیه را به امواج بحر احدیت هیجان و طوفان مرحمت فرمودی. ای توانائی که کاه را قدرت کوه عنایت کنی و خاک را و اجساد را ادراک روح و روان، این تربیت تراجیه را به شعاع آفتاب رحمانیه نمایش و وجودی عنایت کردی و این قطریات که ارزان کردی؟ قلوب را حکم قلب واحد دمی و نفوس را رابطه شخص متفرد، اجسام را احساس جان عنایت کردی. هواللهی خدایا، این چه فضیلت است که عنایت فرمودی و این چه احسانیت

XAB00053

را به کنز عنایت دلالت فرمودی و این نلیلان را به عزت قدیمه هدایت کردی. حمد تو را، شکر تو را ای پروردگار. هواللهی پروردگارا، ستایش تو را سزاست که این بی‌اکسان را به خیل عنایت راه دمی و این فقیران

XAB00054

توئی مؤسس عهد و پیمان، ای یزدان توئی ملجأ و پناه راسخان، ای مَنان توئی مُتِل بی‌خردان و مُتَنَقِم از مُتزلزلان. و بزم الملت آراستی و از جلم میثاق سر مست فرمودی و در زمرة ثابتان این دوستان را محشور نمودی. ای مهربان، و عنایت فرمودی و صبح روشنی طالع نمودی و فضای گلشنی واسع بگستریدی، در ظل شجره انیسا مأوی بخشیدی. هواللهی ای بخشنده و درخشنده و مهربان، شکر تو را که شاهراه حقیقت نمودی

XAB00055

و مُعین و ظَهِیرم توئی، تأییدی عنایت فرما که کل حیران گردند. خدایا توئی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بینا. نمایم، تشنگان را آب حیات بخشم و مریضان را شفای الهی دهم، هر چند حقیرم تلیم فقیرم اما پشت و پنهم توئی ده تا جز رضای تو نطلبم و به‌غیر از روی تو نجویم و دون راه تو نپویم، نفوس غافل را هشیار کنم و ارواح خفته را بیدار بگوش رسان، قوت روحانی عطا کن و سراج رحمانی در زجاج قلب بر افروز، از هر بندی آزاد کن و از هر تعلقی نجات مرا بیدار کن هشیار نما، از غیر خود بیزار کن و به محبت جملت گرفتار نما، نفع روح القدس بخش و ندای ملکوت ابهی. هوالله ای پروردگار،

XAB00056

و مَسْرَت وجدانم گرد، چون عنایت کنی انس است و چون عدالت نمائی وحشت است. توئی رحیم و کریم و مهربان. به مشام رسان و به کوی خویش دلالت فرما، بیچاره‌ام چاره‌الی کن، آواره‌ام دل صد پاره ده، مونس جانم باش و راحت هواللهی ای یزدان رحمن، جانم فدای خاک آستانت، بوی خوشی

XAB00057

تو را بر این موهبت و بر این عنایت و بر این رحمت که این ضعفا را به آن مخصص داشتی. توئی کریم و رحیم و مهربان. بر هیکل ترابی زد انوار جهان ابدی ظاهر شد، شعله عنایت از نار موقده ظاهر شد و قلوب را حیات جاودانی داد، شکر تو را که این اکیل جلیل را بر سر این ضعفا نهامی و این رداء عزت ابدیه را بر دوش این فقرا دمی، پرتو تقدیست. هوالله ای خداوند یکتا ای پروردگار بی‌اهمتا، ستایش و نیایش

XAB00058

را به کوی خویش خوانسی و این سرگشته را در پناه خود سر و سامان دمی. توئی دهنده و بخشنده و پاینده و مهربان. هوالله خدایا، شکر تو را که این دل و جان به جانان رساندی و این بی‌بهره را نصیب بی‌پایان بخشیدی، این گمگشته

XAB00059

را آب حیات بخشیدی و ماهی لب تشنه را به عنب فرات در آوردی. لک الحمد علی نلک، انک انت المکریم المرحیم الموهاب.

خدایا، تو را شکر باد که این بیگانه را آشنای خویش نمودی و این بیچاره را به پناه خود راه دادی، تشنه جان سوخته
هوالمه

XAB00060

لؤلؤ لالا، برهانشان ثعبان مبین کن و دلیلشان سنوحت علیین، ظهیرشان شدیدالمقوی کن و نصیرشان جنود ملکوت ابهی.
نعیم کن، رویشان برافروز و خویشان را مشک جان فرما و آفاق را معطر و معنبر فرما، دستشان ید بیضا نما و لفظشان
بارگاه احدیت را صباحت و ملاححت ده، بندگان دیرینت را انوار علیین فرما و آزادگان قدیم را شهریاران اقلیم
نما و هر یک از اهل وفا را کوکبی ساطع در افق اعلی، نهالهای حدیقہ رحمانیت را طراوت و لطافت بخش و نورسیدگان
محرّم ایوان، افق علیین را به نور مبین روشن نما و ساحت دلها را رشک گلزار و گلشن کن، هر یک از احباء را نجم هدی
هوالمه ای پروردگار، دردمندان را درمان کن و هوشمندان را

XAB00061

به گناه مگیر پناه ده، عصیان مبین غفران نما، در لیاقت منگر باب عنایت بگشا. توئی مقتدر و توانا توئی عالم و بینا.
را به نروۀ اللطاف رساندی، هرچه بود از تو بود و الا خلک ضعیف را چه قوتی و وجود نحیف را چه قدرتی. پروردگارا،
کرمی، موری را قوت سلیمانی بخشیدی و پشه‌الی را شیر بیشه رحمانی فرمودی، قطره‌الی را موج دریا دلمی و تیره‌الی
صحرا و بیچارگی و آزدگی در دریا باز به فریاد رسیدی و تأیید فرمودی و توفیق بخشیدی و به خدمت آستانت سزاوار
هوالمه پروردگارا آمرزگارا، هرچند گناهکارم ولی جز تو پناه ندارم، شکر تو را که در این آوارگی کوه و

XAB00062

منگر و در قدرها بنگر اندر افضل خود ای انوالعطا این طیور بال و پراشکسته را از کرم بال و پری احسان نما
و تار ای قدیر یاد تو در دل چو مصباح منیر از عنایاتت بدل روحی پدم تا عدم گرد ز لطف تو قدم در لیاقت
غم تو می انجوید محرمی خون اشد آن ادل که ابریان تو نیست کورابه اچشمی که اگریان تو نیست در شبان تیره
و دل و اسرار من در سحرها مونس جانم توئی مطلع بر سوز و حرمانم توئی هر دلی پیوست با نکرت کمی جز
هوالمه ای خدای پرعطای نوالمنن واقف جان

XAB00063

از کأس ظهور سرمست گرم و در میخانه محبت می پرست شوم. توئی قادر و توانا و توئی کریم و رحیم و پر عطا.
برهان، در ظل عنایت مسکن بخش و به‌اصرف موهبت معامله فرما تا پی به جهان دیگر بترم و به کشور دیگر رهبر شوم،
نما، فقیرم از کنز غنا عطا کن، دردمندم درمان ده، جریحم مرهم عطا کن، گرفتارم رهایی بخش، پر گناه از تلت عصیان
سر و سامان بخش، بیچاره‌الم آواره‌الم پناه ده، مشتاقم به وثیق وصال در آر، در احتراقم، نور اشراق بیار، ضعیفم توانا
انوار میسر فرما، از خود بیزارم گرفتار خویش کن از عالمیان در کنارم نفعه زلف مشکبار به مشامم آر، سرگردانم
بخش، جسمانیم روحانی نما، امکانیم رحمانی کن، تشنه ماء معینم به عین تسنیم دلالت فرما، مشتاق دیدارم مشاهده
هوالمه ای یزدان مهربان، غریق بحر عصیانم طریق غفران بنما سراسر قصورم از دلم غرور رهایی

XAB00064

ای یزدان مهربان، مستحق رأفت و عنایتیم و محتاج عفو و مغفرت. دادرسا به فریاد رس، انک انت المرخص الرحیم.
فرما و متفکر، ملجأ و پناهی و مرجع صبحگاه، آگاهی و گواه که جز تو نجویم و به غیر راهت نیویم و جز ثنایت نگویم
و تو بزرگوار، خطا ببوش گنه ببخش قصور عفو کن، بینا کن و شنوا، هوشیار فرما و دانا، متنبه کن و متذکر، متضرع
هوالمه ای پروردگار، ما گناهکاریم و تو آمرزگار ما ستمکاریم

XAB00065

در ظل ملکوت ابهائیت منزل ده و در پناه جبروت اعلایت مأوی بخش. توئی مقتدر و توانا توئی شنونده و بینا. عظیم محفوظ و از صدمات امتحان شدید مصون بدار، بر عهد و میثاق مستقیم کن و بر پیمان و ایمان مستقیم، را قوت بخش و علیان را شفا عنایت فرما و مستمندان را ارجمند کن و افسردگان را اشتعال بخش، از شتر افتتان آمرزگار، گناه بندگان غفران نما و پناه به بیچارگان بخش، توئی خدای مهربان و توئی صاحب عفو و غفران، ضعیفان بام تو، مرغلن دست آموز عنایتند و بلبلان شیدای گل‌های حقیقت، تشنگان چشمه رحمتند و آوارگان اقلیم مرحمت. ای پروردگار، این نفوس آشفته روی توآند و گمگشته کوی تو و عاشقان خلق و خوی تو، سرمست جام توآند و پرندگان هوالابهی ای

XAB00066

و فرج و سرور حاصل شود، یأس مبدل به امید گردد و خوف منقلب به رجا. توئی عفو و غفور و توئی بخشنده و مهربان. ده و از جمیع علل و امراض شفا بخش، پاک و مقدس کن و از فیض تقدیس نصیب عطا فرما تا حزن و اندوه زائل گردد. عصیانم و تو نور غفران. پس ای خداوند مهربان، خطا ببخش عطا بده گناه بیامرز پناه عطا کن، در چشمه ایوب غوطه هوالله ای پروردگار، گناهکارم و تو آمرزگار، قاصرَم و تو غافر، در ظلمت

XAB00067

عظیم آیات توحید تجسم نماید و حقیقت تجرید تحقق یابد چه که سزاوار این کور نورانی چنین موهبت رحمانی است. خطا بیوش و بخشش رایگان و آمرزش بی‌پایان مبنول فرما، چشم‌ها را باز و گوش‌ها را با راز دمسازکن تا در این کور الله ابهی ای خدای پر عطا،

XAB00068

بزرگواری نما، یزدان مهربانم توئی، بخششی بخش که زخم تابنده و درخشنده گردد و زندگی پاینده میسر شود. و تفضلی ادراک اسرار، از بیگانگی بیزار نما و به یگانگی خویش آشنا و کامکار فرما، غمخوارم غمگساری کن، خاکسارم هوالله الهی گواهی که آرزوی مشاهده انوار کنم

XAB00069

تو و آرزومند کوی تو و متوجه به سوی تو و تشنه جوی تو و مشغول به گفتگوی تو. توئی دهنده و بخشنده و مهربان. ملکوت شنیدند و انوار شمس حقیقت دیدند و در فضای جانفزای محبت پریدند، عاشقان روی توآند و منجذبان خوی ای پروردگار مهربان، این نفوس ندای

XAB00070

پروردگار، نجات اسرار از ملکوت ابهائیت منتشر نما و پرتو انوار از جبروت اعلایت لامع فرما تا آفاق معطر و متور ماند. دلخون، بساط سرور بر چیده شد و شاخ خُبور پژمرده و خمیده، نسیم جانبخش ساکن شد و آب حیات را کد. پس ای قلب‌ها مفتون شد و عقل‌ها مجنون. چه شد که پرده نشین گشتی و روی دلنشین پوشیدی؟ جان‌ها محزون شد و یاران محض فضل و جود درهای بخشش گشودی و رخ برافروختی و دل‌ها ربودی و غم‌ها زدودی و نغمه‌ای سرودی که هوالابهی الهی ای محبوب یکتا و پروردگار بی‌اهمتا،

XAB00071

را فضل و احسانی عطا فرما، این نفوس ضعیفه را در پناه حضرتت پناهی ده و این فقیران نحیف را قوتی عنایت فرما. هوالابهی ای پروردگار، این بیچارگان را چاره‌ای بخش و این درماندگان را درمانی عطا فرما و این بی‌انویان

XAB00072

موفق کن و در زمره راستان در آر و از دوستان راستان کن. توئی مقتدر و توانا توئی بخشنده و درخشنده و تابان. و عاشقان ملکوت جمال را بشارت وصال ده و دردمندان عشق را درمان دل و جان بخش، هر یک را بر خدمت آستانت کریم نظر به استعداد هر سقیم مفرما، به فضل عمیم معامله کن و به نور مبین هدایت فرما، یاران خویش را یابوری کن ولی به جان در گفتگوی تو، ندانند و نشناسند، نجویند و نیویند ولی مستحق الطافند و سزاوار عنایت و اعطاف. ای گرفتار موی تو و هر سرگشته و سرگردانی ناظر به سوی تو و هر سوخته دلی تشنه جوی تو، و جهانیان هر چند غافلند محبت و وفا برافراز و بیچارگان را چاره ساز. ای دلبر مهربان، هر بینوایی سرگشته کوی تو و هر مرغ بی پر و بالی برافروز و منجمدان را به نلر محبت بسوز، طریق هدی نما و ابولب ملکوت ابھی بگشا، بنیان حسد و بغضا برانداز، ایوان بخش، صامتان را ناطق کن و قانطان را امیدوار فرما، بیگانگان را آشنا کن و محرومان را محرم راز فرما، مخمودان را گمگشتگان صحرای فراق را محرم حرم وصال کن، عاشقان را از حرمان نجات ده و آشفتگان را در بزم قرب سر و سامان بهره‌الی از اشراق ده و عشاق روی خویش را پرتوی از دلیر آفاق بخش، آوارگان بادیه هجران را به حریم وصال در آر و هوالله ای پروردگار، آمرزگاری و ای کردگار بزرگواری، پس یارلن مشتاق را

XAB00073

پیمانہ بدست فرما، به جانفشانی مؤید فرما و به قربانی موفق کن. توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا و شنوا. را در سبیل فدا زنده فرما و این قلب افسرده را به کأس جفا طراوت و لطافت بخش، مدهوش جام المست کن و سرمست در راه محبت زهر شهد کن و نوش نیش نما، سرها را زینت سنان کن و دلها را هدف سهم بی امان فرما، این جان پژمرده هوالله ای پروردگار، عاشقان را از بلا ساغر لبریز در کام ریز و مشتاقان را

XAB00074

این بنده بیچاره را در پناه حضرت احدیت ملجأ و پناه بخش و در ظل سدره بی منتهایت مسکن و مأوی عنایت کن. هوالله ای خداوندا، پاک و مقدسی و بی نیاز و منزهی،

XAB00075

گردیم و به‌اکلی به یاد تو افتیم، راه تو پوئیم روی تو جوئیم راز تو گوئیم. توئی توانای مهربان و توئی رازق عالم انسان. را از توانائی خویش عنایتی بخش، رزق یومی را رایگان ده، معیشت ضروری را برکتی احسان فرما تا مستغنی از دین تو نعمت روزی‌آخور و جمیع کائنات از فیض عنایت بهره‌بردار، این ضعیف را از فیض جلیل محروم مفرما و این ناتوان کن و فقیرانیم از بحر غنا نصیبی بخش، محتاجیم علاجی ده، ذلیلانیم عزتی ببخش، جمیع طیور و وحوش از خولن هوالله ای پروردگار، مستمندانیم مرحمتی

XAB00076

تو مشغول گردیم و با نهایت صدق و صفا به انتشار آثار ملکوت پردازیم. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان. و هوی کن و از عالم طبیعت نجات ده، خدایا به نفحات روح القدس زنده فرما تا به خدمت تو قیام نمائیم و به عبادت گرد هر یک از ما ستاره درخشنده گردد و الا از خاک پست‌آتر شود. خدایا تأیید کن نصرت فرما، ما را غالب بر نفس ملکوتی ده، خدایا مرده‌ایم حیلت سرمدی بخش، خدایا تلت محضیم در ملکوت عزیز فرما، اگر تأییدات آسمانی شامل هوالله خدایا، ما ضعیفیم تو قوی کن، ما نادانیم تو دانا فرما، خدایا فقیریم غنای

XAB00077

ریحان یابند و مانند نلر موقده در نهایت التهاب به آتش عشقت افروزند. توئی مقتدر و توانا و توئی کریم و رحیم و بینا. ابر عنایت عطا فرما و در هر نفسی تفتح مشکین نفسی بر مشامشان عرضه دار تا به جان و دل به محبت روح و بی انباز، آن ابرار را در ظل عنایت پرورش ده و آن احرار را از جمیع قیودات آزاد فرما، در هر کمی شبمی از رشحات

XAB00078

و این سرگشتگان را سر و سامانی ده و این محزونان را سرور ابدی بخش. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان. آرند و باده سرور و شادمانی ابدی بنوشند و بنوشانند. خدایا این مستمندان را توانگر فرما و این مظلومان را ارجمند کن باده گرد و به نغمه و ترانه پردازند و سامعین را فرح و وله بخشند و طالبان را به جذب و طرب آرند، جام عشق به دور یکتا، این نفوس مطمئن را جام عطا بخش و این قلوب راضیه مرضیه را نشئه صهباء احسان کن تا یاد کمال و جمالت سرور و بشاشت آتش ظلم و ستم را گلزار و گلشن یافتند، چون غنچه شکفتند و مانند گل جلوه نمودند. ای خداوند بی پایان نمودند و صبر و تحمل کردند و زبان به شکرانه گشودند و از شکت محبت گریستند و خندیدند و در نهایت و سلوک نمایند. ای خدای مهربان، این بندگان از بی‌وفایان جفا دیدند و در هر روزی بلائی کشیدند و تحمل مشقت‌های و حیاتی بدیع خواهند، به وصایا و نصائح تو پردازند و درس عشق و محبت بیاموزند و به موجب تعلیم رحمانی روش موی تو و سرگشته کوی تو و تشنه جوی تو، نظر عنایتی فرما و موهبتی مبذول دار که هر دم روحی جدید یابند

هُوَالله اى پاک یزدان من، این یاران با وفا مفتون روی تو اند و مجنون

XAB00079

قلوب را جنت ابدی کن و حقایق نفوس را ریاض ملاً اعلی. ای قدیر، رجای این عبد را بنیز، توئی توانا توئی بی‌اهمتا. و باطل، نسیم جانبخش بوزان و دل‌های مرده را زنده کن، باران رحمتی بار و این گیله افسرده را تر و تازه نما، حدائق

هُوَالله اى پروردگار، تأیید بخش و توفیق عنایت کن، این ابر تیره را زائل کن و این غم‌ها را متلاشی

XAB00080

به چشمه حیات دلالت کن، ضعیفانیم قوتی ده تا به نصرت امرت بر خیزیم و در سبیل هدایتت جانفشانی کنیم. و سامانیم پناهی بخش، پراکنده‌ایم مجتمع فرما به گله خویش پیوسته کن، بی نصیبانیم بهره و نصیب بخش، تشنگانیم

هُوَالله اى پروردگار، بیچارگانیم چاره فرما، بی سر

XAB00081

قوتی ده که تا مقاومت غوائل بسیط زمین نمائیم و قدرتی بخش که چون بحر محیط موج بر ساحل شرق و غرب زنیم.

هُوَالله اى پاک یزدان من و خداوند مهربان من،

XAB00082

و به آشیانه رحمت بر پریم و در شاخسار وحدت در حدیقه عنایت به انواع الحان به محامد و نعت تو مشغول گردیم. و هجران روان را مرده و پژمرده نماید. پس ای خدای مهربان، تأییدی بخش و توفیقی ده تا از این دام و دانه برهیم به ملکوت احدیت بشتابند و ارواح آوارگان در سایه رحمت بیاسایند، فرقت پر حرقت جان‌ار را بگدازد و حرمان

هُوَالله اى پروردگار ای پناه آوارگان، تو آگله فغان و آه صبحگاهی، عنایتی فرما و رحمتی کن تا جان‌های مشتاقان

XAB00083

قطره‌الم امواج دریا بخش، پشه‌الم عقاب اوج عزت فرما، نلیلم در ملکوت عزیز کن بی نام و نشانم نشان تأیید بخش.

هُوَالله اى خداوند مهربان، مور ضعیفم حشمت سلیمانی بخش، تیره فانیم از پرتو شمس حقیقت نمایان فرما،

XAB00084

را مانند شمع افروخته نما تا جهان را نورانی کنند و نفوس را رحمانی نمایند. توئی بخشنده توئی دهنده و توئی مهربان. و غرب را به پرتو محبت و نور اتفاق متور کند. ای بخشنده مهربان، دل‌ها را به تفتلت روح‌القدس زنده کن و روی‌ها

هوالمه خداوندا آمرزگار، این مجمع را تأیید کن و توفیق بخش تا عالم را به نور اتحاد روشن نماید، شرق

XAB00085

نفوس را از ظلمات عالم طبیعت مُسَلِّخ نماید و به نورانیت الهیه روشن نماید، تعمید به روح و نور و حیات ابدیه بخشد. و انوار رحمانی مبذول دارد و اطراف را روشن کند، تعالیم آسمانی ترویج نماید و به وحدت عالم انسانی خدمت کند، و روح القدس تشکیل شده، تأیید و توفیق بخش و مؤید به قوه آسمانی نما تا این انجمن چون شعله نورانی بر افروزد هوالمه ای پروردگار مهربان، این انجمن به جهت نصرت کلمه الله

XAB00086

مهربان گردند، بیچارگان را ملجأ و مأوی شوند و افسردگان را مُشْتَعِل نمایند. توئی مقتدر و توانا و توئی خداوند مهربان. نمایند، شَبَهات اهل ارتیاب را زائل کنند و طالبین را بیان حجت و برهان نمایند، مریضان را شفا دهند و فقیران را رؤوف و مَنُور فرما تا کُل به قوتی ملکوتی و فیضی جَبْروتی و موهبتی آسمانی و تفسی رحمانی و تأییدی ربانی بر خدمت قیام آستان مقدس شریک و سهیم کن. ای پروردگار، نفوس ضعیفه را قوی کن و دیده مشتاقان را به مشاهده جمال ملکوت نظر رحمانیت کن، هر یک را شمع روشن فرما تا به نور هدی آن اقلیم را مَنُور نمایند، جمیع را با این عبد در عبودیت جام اشتیاق در دست، محتاج الطافند و مُشْتَقِ موهبت آسمان. ای پروردگار، این نفوس را مورد عنایت فرما و ملحوظ این یاران سرگشته کوی تواند و دلدادۀ روی تو و متوجه به ملکوت تو، از صهبای ایمان سرمستند و در محفل میثاق هوالمه ای خداوند مهربان،

XAB00087

شجر شوند، از یک چشمه نوشند، از یک نسیم به اهتزاز آیند، از یک انوار اقتباس نمایند. توئی دهنده و بخشنده و توانا. نما، در ظل عنایت کُل را متحد کن و جمیع را متفق فرما تا جمیع انوار یک شمس شوند، امواج یک دریا گردند، اثمار یک کن، دلها را سرور ابدی بخش، نفوس را روح تازه ده و حیات ابدیه احسان فرما، ابواب عرفان بگشا، نور ایمان تابان و کُل را به نظر مکرمت منظور داری. ای پروردگار، الطاف بی پایان شامل کن، نور هدایت برافروز، چشمها را روشن رحمت بر کُل مشرق و ابر عنایت بر کُل میبارد، الطافت شامل کُل است و فضل را زق کُل، جمیع را محافظه فرمائی هوالمه خداوندا مهربانا کریم، ما بندگن آستان توئیم و جمیع در ظل وحدانیت تو، آفتاب

XAB00088

جمیع خلقت را دوست داریم و به جمیع بشر مهربان باشیم. خدایا توئی مقتدر توئی رحیم توئی غفور و توئی بزرگووار. بر مَحَبَّت خود ثابت نما و بر جمیع خلق مهربان فرما، مَوْفِق بر خدمت عالم انسانی کن تا به جمیع بندگانت خدمت نمائیم، ملکوت غنی نما، عللیم شفا عنایت کن. خدایا به رضای خود دلالت فرما و از شؤون نفس و هوی مقدس دار. خدایا ما را ملکوت خود داخل فرما و در دو جهان کامران نما. خدایا، ما ذلیلیم عزیز فرما، عاجزیم قدرت عنایت فرما، فقیریم از کتیز را محترم کن، این نفوس را مقدس نما، انوار هدایت تابان کن، قلوب را مَنُور فرما و نفوس را مُسْتَبْشَر کن، جمیع را در تو دارند، مناجات به سوی تو نمایند، در نهایت تَضَرُّع به ملکوت تو تَبَتَّل کنند و طَلِب عفو و عُفْران نمایند. خدایا، این جمع هوالمه پروردگار مهربانا، این جمع توجه به

XAB00089

عنایتی کن که آثارش در مُلک سَرَمَدی مُشْتَهَر. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان. اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيمُ الْمُتَعَالِ. نما، از بحر بی‌کران سیراب کن و از آفتاب مطلع حقیقت روشن و تابان نما، فیضی بخش که انوارش در صبح ابدی منتشر، هوالمه ای پروردگار، این جمع را مظهر عواطف رحمانیه فرما و مطالع الطلّف سُبْحَانِیْهِ

XAB00090

تو نجوئیم جز نامت نگوئیم جز در بادی هُ محبتت نهوئیم، مرحمت فرما عنایت کن هدایت بخش، اُنک اُنّت القوی القدیر. درد را درمانی بنما، زخم را مرهمی کن و زهر را شکر کن، ظلمات را انوار کن و زحمات را راحت آشکار، جز تو ندانیم جز درماندگانیم افسردگانیم پژمردگانیم، جانی ببخش و روانی بده، دری بگشا گشایشی بنما، سر و سامانی بخش، نصرت فرما و هدایت و به آنچه رضای خودت است دلالت کن و بر امرت مستقیم و استوار مدار، بیچارگانیم آوارگانیم و این جمع عاشقان پریشان تو، ملجائی جز پناه تو ندارند و مأمونی به‌غیر از بارگاه تو نجویند، پس مَدد فرما و عنایت و هوالله ای پروردگار، این دوستان یاران تو اند

XAB00091

فیض قدیم بیاریند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا لا اله الا انت الکریم الرحیم المعطی المقضال. نما و سرو این چمن کن و طاوس این گلشن نما تا جهان را تزئین بخشند و این نور مبین منتشر نمایند و جبین به پرتو کن و هر چشمی را روشن و بینا، دوستان را عزیز کن و یاران با فرهنگ و تمیز نما، هر یک را شمع جمع کن و شاهد انجمن ای پروردگار، ابرار را بزرگوار کن و فیض ابدی آشکار کن، اسرار پدیدار نما و انوار انتشار ده، هر دلی را همدم یادت هوالله

XAB00092

را در ملکوت خویش قبول نما و به نور هدایت روشن کن. توئی مقتدر توئی توانا توئی کریم توئی رحیم و توئی مهربان. نما و گوش‌ها را شنوا کن مردگان را زنده فرما و مریضان را شفا بخش فقیران را غنی نما و خائفان را امنیت بخش و ما تو آشکار، پس تأیید ده و توفیق بخش و ما را به آنچه سزاوار درگاهست موفق نما، دل‌ها را روشن کن و چشم‌ها را بینا و موهبت خویش معامله کن، خطاء ما بسیار است ولی بحر رحمت تو بی پایان، عجز ما بسیار است و لکن تأیید و توفیق و تو مقتدر و توانا، جمیع ما گناهکاریم و توئی غافر التوب و رحیم و رحمن. پروردگارا، نظر به قصور ما منما به فضل هوالله پروردگارا، آمرزگارا، این بندگان را پناه توئی واقف اسرار و آگاه توئی، جمیع ما عاجزیم

XAB00093

روحانی گیرد و این الموان مختلفه مبدل به یک رنگ گردد و آهنگ تسبیح به ملکوت تقدیس تو رسد. توئی مقتدر و توانا. تعصب جاهلی به انوار شمس حقیقت محو و زائل گردد و این جهان ظلمانی نورانی شود و این عالم جسمانی پرتو جهان آسمانی ده و سنجحات رحمانی بخش و مروج وحدت بشر فرما و سبب محبت و الفت عالم انسانی فرما تا ظلمات مهلکه این نفوس را ملائکه آسمانی نما و به نفع روح المقدس زنده فرما، لسانی ناطق بخش و قلبی ثابت عطا فرما، قوه هوالله ای پروردگار، این جمع یاران تو اند و به جلال تو منجنبد و به نیر محبتت مشتعند

XAB00094

عاری فرما و نگاهداری کن و دلداری ده و به جمیع آمال و آرزو برخورداری بخش. توئی بخشنده و دهنده و مهربان. هوالله خداوندا، این نفوس را یاری کن و بزرگواری بخش و از هر قیدی

XAB00095

روان بخش، ناتوانان را توانائی بخش و ضعیفان را قوت آسمانی ده. توئی پروردگار توئی آمرزگار توئی داور کردگار. سامانیم تو ملجاء و پناه، بر نشر نجات تأیید کن، بر اعلاء کلماتت توفیق بخش، بی سران را سروران کن بینوایان را گنج اسرار ملکوت دمساز کن، قدیم ثابت بخش قلب راسخ عطا فرما، ما گناهکاریم تو آمرزگار ما بندگانیم تو پروردگار بی سر و جان‌ها بخش، قوت قدیمه ظاهر نما و قدرت عظیمه باهر، طیور نفوس را در هوای دیگر پرواز ده و مجرمان ناسوت را به دل‌های مشتاق را زنده کن دیده‌ها را روشن کن و ساحت دل‌ها را رشک گلزار تو چمن نما، بشارت به ارواح ده و مسرت به اسپریم، تو مجیر تو دستگیر، عنایتی کن و موهبتی فرما ابواب فضل بگشا و نظر اللطاف افکن، نسیم جانبخش بفرست

XAB00096

شكرين نما و در درگاه احدیتت بنده نازنين فرما و در ديوان عليين صدر نشين كن. توئى حنان توئى مَنان توئى مهربان. تراب عجز و نياز نهم و تصرع و زارى نمايم كه اى خداوند بى نياز و محرم رازم و يار دلنوازم، آن يارلن ديرين را مذاق هوالله در هر نفسى سر به

XAB00097

به درگاه هدايت فرما، آوارگانيم منزل و مأوائى عطا فرما. توئى مهربان توئى رحمن توئى مَنان توئى مستعان. پناه هر گناهكار، بيچارگانيم چاره بخش، دردمندانيم درمانى عطا فرما، بى اسر و سامانيم ملجاء و پناهى ده، گمگشتگانيم هوالله اى پروردگار، توئى آمرزگار و ملجاء و

XAB00098

بخشند. اى پروردگار اى آمرزگار، عنايتى فرما كه كل حريفان بزم الهى گردند و سر مستان باده موهبت حضرت يزدانى. بخش حى لايموت، سپاه نفس و هوى را در هم شكندند و پناه رحمت و تقوى جويند، سبب حيات شوند و روح نجات آيت هدى گردند و موهبت مالا اعلى، مظاهر اسرار توحيد شوند و مطالع انوار تجريد، جنود ملكوت شوند و جويوش حيات تو اند و سرگشته صحراى تو، تشنه سلسبيل تو اند و پيروان دليل جليل تو، تأييد فرما توفيق عطا كن تا آنكه هر يك هوالله اى محبوب بى انباز، اين نفوس يارلن تو اند و بندگان استلن تو و سرمست صهبلى

XAB00099

راز راه ده و در محفل تجلى همدم و دمساز نما. توئى دهنده و بخشنده و مهربان و توئى آمرزنده و نوازنده و توانا. شتافت، ميهمان جديد است عزيز فرما، بنده قديم است خلعت بديع عطا كن، اى بى نياز بياמרز و بتواز و به خلوتگه هوالله تعالى پروردگار آمرزگار، نفس نفيسى به ملكوت شهود صعود نمود و از خاكدان فانى به جهان جاودانى

XAB00100

او نمودم تو مكافات فرما او را حيات ابدية بخش و در ملكوت خويش عزيز فرما. توئى آمرزنده و بخشنده و مهربان. ، نظر عنايت بنما و در ملكوت خويش داخل كن، خدايا مرا از بدو حيات تربيت نمود پرورش داد ولى من مكافات زحمات هوالله اى خداى آمرزنده، مادر مهربان مرا گناه بيامرز قصور عفو فرما

XAB00101

تا سبب ريزش بارلن رحمت گردد و پرورش جلن آن كنيز محترم. توئى بخشنده و مهربان و توئى پاينده حضرت يزدان. شيفته و دلداه طلب آمرزش از براى مادر مهربان مى نمايد. تو بخشنده يگانه و دهنده هر آشنا و بيگانه، آمرزشى فرما هوالله اى خداوند بى امانند، اين مستمند به درگهت افتاده، شوربده و آشفته،

XAB00102

درگاه است معامله كن و هر چه شاين بارگاه است شاين فرما. توئى غفور توئى عفو و توئى بخشنده هر قصور. اميد به وعد و نويد تو داريم و هر چند در ظلمت خطا مبتلايم و لكن توجه به صبح عطا داشته و داريم، به آنچه سزاوار و غفران و آمرزش ارزان كن، توئى آمرزنده و توئى غفور توئى بخشنده فيض موفور. اى آمرزگار، هر چند گناهكاريم ولى پدر و مادر اين بنده درگاه را در دريلى غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاك و مقدس نما، عفو و بخشش شاين نما هوالله اى پروردگار،

XAB00103

مونس آن‌ها باش تا به قوت ملکوتی و نفثات روح‌القدس فریاد زند توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی دانا و شنوا و بینا. و نورانیته تعالیم الهی فتح کنند. ای خدا، ظهیر و نصیر آن‌ها باش و در بیابان و کوه و دره و جنگل‌ها و دریاها و صحراها سپاه آسمانی تو اند امداد فرما و به جنود ملاً اعلیٰ نصرت کن تا هر یک نظیر اردوئی شوند و آن ممالک را به محبت‌الله هوالمه ای خداوند بی‌اهمتا ای رَبُّ المملکوت، این نفوس

XAB00104

تا تشنگان را سلسبیل هدایت دهند و گمگشتگان را به سبیل عنایت دلالت کنند. توئی مقتدر و توانا و شنونده و بینا. تازه یابند و به سروری بی اندازه رسند. ای خداوند مهربان، یاران را روح و ریحان بخش و تأییدی آسمانی فرما در قلوب بینداز که به ذکر تو دمساز شوند، جان‌ها را شور و ولهی نه و دل‌ها را وجد و طربی بخش که هر دم روحی و در انجمن رحمن مانند سراج بسوزد و به یاران نور بخشد. ای خداوند، روحی در دل‌ها بدم که همدم تو گردند و شوقی ای خداوند بی انباز، این حقیقت مبهته را مانند شمع روشن کن تا در هر جمع به ذکر تو مشغول گردند، نور هدی بر افروزد هوالمه

XAB00105

اللّٰه مَعْبُودِ الْعَالَمِيْنَ لَوْ يَفْرُقُهُ الْعِبَادُ طَرَفًا وَيَتَفَكَّرُونَ فِيهِ لَيُضِرُّمُ فِي كُلِّ عَرَقٍ مِنْ عُرُوقِهِمْ نَارًا يَشْتَعِلُ مِنْهَا الْعَالَمِيْنَ يَا مُقَدِّرَ الْعَالَمِيْنَ اِنَّ يَا عَلِيَّ قَبْلَ اَكْبَرَ اِنَّ اَشْكُرُ اللّٰهَ بِهَذَا الْمَلُوحِ الْمُنَى تَجِدُ مِنْهُ رَائِحَةَ مَظْلُومِيَّتِي وَ مَا اَنَا فِيهِ فِي سَبِيلِ يَا مَحْبُوبِ الْاِبْهَى، اَلَا اَنْارُ وَجْهَ الْمِبْهَاءِ مِنْ حَرَارَةِ الْمِبْلَاءِ وَ اَنْوَارَ كَلِمَتِكَ الْمُنُورَاءِ وَ قَامَ بِالْوَفَاءِ فِي مَشْهَدِ الْفِدَاءِ نَظْرًا. رِضَاءَكَ اِنَّ اسْتَقْبَلَ يَا فِدَاءَ الْعَالَمِيْنَ اَتَشْتُوْجُ اَوْ اَتُوْجُ بَلْ اَصِيْحُ مِنْ قِلَّةِ نَاصِرِيْكَ يَا مَنْ بَكَ ارْتَفَعَتْ تُوْجُ الْعَالَمِيْنَ قَدْ سَمِعْتَ نِدَاءَكَ يَا فَخْرَ الْعَالَمِيْنَ تَرَى الْقُلُوبَ مُلِئَتْ مِنَ الْبِغْضَاءِ وَ لِكَ الْاِغْضَاءِ يَا سِتَارَ الْعَالَمِيْنَ اِذَا رَأَيْتَ سَيِّقًا اَنْ اَقْبَلَ اِذَا طَارَ سَهْمُ التَّوْحِيدِ وَ يُغْرِبُكَ تَبِيْنَ وَطَنَ التَّجْرِيْدِ اِنَّ اصْطَبِرَ يَا غَرِيْبَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ جَعَلْنَا الْمَثَلَةَ قَمِيْصَ الْعِزَّةِ وَ الْمِبْلِيَّةَ طَرَازَ هَيْكَلِكَ عَشَقَ الْعَالَمِيْنَ بِكَ ارْتَفَعَ عِلْمُ الْاِسْتِقْلَالِ عَلَى اَعْلَى الْجِبَالِ وَ تَمَوَّجَ بَحْرُ الْاِفْضَالِ يَا وَلِيَّ الْعَالَمِيْنَ يَوْحَدُكَ اَشْرَقَتْ شَمْسُ مَنْ الْاَشْرَارِ قَدْ خُلِقْتَ لِلاَصْطِبَارِ يَا صَبْرَ الْعَالَمِيْنَ مَا اَحْلَى اِشْرَاقِكَ مِنْ اَفْقِ الْمِيْثَلِ بَيْنَ اَهْلِ التَّنْفِيْقِ وَ اَشْتِيَاقِكَ بِاللّٰهِ يَا الْمَبْرُودَةَ كَيْفَ تَظْهَرُ حَرَارَةُ بِيَانِكَ يَا مَبِيْنَ الْعَالَمِيْنَ وَ لَوْ لَا الْمِبْلِيَّةُ كَيْفَ اَشْرَقَتْ شَمْسُ اِصْطِبَارِكَ يَا شِعَاخَ الْعَالَمِيْنَ لَا تَجَزَعُ يَا قَلَمَ الْاَعْلَى قَدْ سَمِعْنَا نِدَاءَكَ الْاِحْلَى مِنْ جَبْرُوتِ الْبِقَاءِ اِنَّ اسْتَمِعَ مَا يَنْطِقُ بِهِ لِسَانُ الْكِبْرِيَاءِ يَا مَظْلُومَ الْعَالَمِيْنَ لَوْ لَا اَيِّنَ تَفْحَاتُ غُفْرَانِكَ يَا غَفَّارَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ بَقِيَ الْغَلَامُ فِي اَرْضِ جَدْبَاءِ اَيِّنَ غَيْثُ سَمَاءِ فَضْلِكَ يَا غِيَاثَ الْعَالَمِيْنَ اَنْ اَصْقَرْتَ الْاَوْرَاقَ مِنْ سَمُومِ اَرِيَاخِ التَّنْفَاقِ اَيِّنَ جُودِ سَحَابِ جُودِكَ يَا جَوَادَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ تَعَبَّرَ الْاَلَكْوَانُ مِنْ غُبَارِ الْعِصْيَانِ الْمَبْرُورَةِ اَيِّنَ اَمْوَاجِ فَضْلِكَ يَا مُرَادَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ عُلِقَ بَابُ الْاَلْقَاءِ مِنْ ظُلْمِ الْاَعْدَاءِ اَيِّنَ مِفْتَاحِ جُودِكَ يَا فَتَاحَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ قَدَّرْتَ نَيْلَ التَّقْدِيْسِ مِنْ اَوْلَى التَّنْدِيْسِ اَيِّنَ طَرَازِ تَنْزِيْهِكَ يَا مَرْمِيْنَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ رَكَدَ بَحْرُ الْعِنْيَةِ بِمَا اَكْتَسَبَتْ اَيْدِي الْمَقْضَاءِ اَيِّنَ رَايَاتِ نَصْرَتِكَ يَا مَنصُورَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ بَقِيَ الْمَوْجُ فِي غُبَارِ الْاِفْتِرَاءِ اَيِّنَ اَرِيَاخِ رَحْمَتِكَ يَا رَحْمَنَ الْعَالَمِيْنَ لَوْ يَتَفَكَّرُ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهَا فِي حَبِّكَ اَلَا تَوَقَّفَ الْقَلَمُ يَا مَحْبُوبَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ كَسَرْتَ اَغْصَانَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى مِنْ هُبُوبِ اَرِيَاخِ حَبْتِ مَصَابِيْحِ الْمَصْدِقِ وَ الْمَصْفَاءِ وَ الْغِيْرَةِ وَ الْمَوْفَاءِ اَيِّنَ شُؤُوْنَاتِ غَيْرَتِكَ يَا مَحْرَكَ الْعَالَمِيْنَ هَلْ تَرَى مَنْ يَنْصُرُ نَفْسَكَ اَيِّنَ فَلَكَ تَجَلَّتْكَ يَا مَنجَى الْعَالَمِيْنَ تَرَى مَطْلِعَ اَيَاتِكَ فِي ظُلْمَاتِ الْاِمْكَانِ اَيِّنَ شَمْسِ اَفْقِ عِنَايَتِكَ يَا تَوَارَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ الْعَالَمِيْنَ قَدْ عَشِيَتْ الْمُنُونُ وَ الْاَوْهَامُ اَكْثَرَ الْاِنْلَامِ اَيِّنَ مَطَالِعِ اِبْقَانِكَ يَا سَكِيْنَةَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ غُرِقَ الْمِبْهَاءُ فِي بَحْرِ الْمِبْلَاءِ بَيْنَ اَهْلِ الشَّمَامِ اَيِّنَ اِشْرَاقِ اَنْوَارِ صِبَاخِكَ يَا مَصْبَاحَ الْعَالَمِيْنَ تَرَانِيْ مَمْنُوعًا عَنِ الْمَبِيْلَانِ مِنْ اَيِّنَ تَظْهَرُ تَغْمَاتِكَ يَا وَرْقَاءَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ تَغَيَّرَ الْكُثْرُ الْمُوْرَى مِنْ سُكْرِ الْمُوْهِى اَيِّنَ مَطَالِعِ التَّقْوَى يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِيْنَ تَرَى الْمَظْلُومَ فِي حِجَابِ الْمَظْلَامِ اَيِّنَ رَشْحَاتِ بَحْرِ حَيَوَانِكَ يَا حَيَاةَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ اَحَاطَتْ وَ سَلُوْسُ الشَّيْطَانِ مِنْ فِي الْاِمْكَانِ، اَيِّنَ شَهَابِ نَارِكَ يَا نُوْرَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ تَرَكْتَ وَحْدَةً فِي دِيَارِ الْمَغْرِبَةِ، اَيِّنَ مَشَارِقِ وَفَائِكَ يَا وَفَاءَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ اَخَذْتَ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ كُلِّ الْاَفْلَاقِ مِنْ فِي الْاِبْدَاعِ اَيِّنَ مَطَالِعِ الْاِنْقِطَاعِ يَا مَوْلَى الْعَالَمِيْنَ تَرَى الْمَظْلُومَ فَرِيْدًا فِي الْمَغْرِبَةِ اَيِّنَ جُنْدِ سَمَاءِ اَمْرِكَ يَا سُلْطَانَ قَدْرَتِكَ يَا اِقْتِدَارَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ اَخَذْتَ رَعْدَةَ الظُّمَأْ مِنْ فِي الْاِنْشَاءِ اَيِّنَ فُرَاتِ عِنَايَتِكَ يَا رَحْمَةَ الْعَالَمِيْنَ قَدْ اَخَذَ الْحَرِصُ

قد أخذ اللهم كل الامم آيين اعلام ابتهلجك يا بهجة العالمين ترى مشرق الآيات في سبحت الاشارات آيين اصنع آيين آيات عزتك يا عز العالمين قد اخذت الاحزان مطلع اسمك الرحمن آيين سرور مظهر ظهورك يا فرج العالمين ضيائك يا ضياء العالمين قد طالبت الاعناق بالنفق، آيين اسيف انتقامك يا مهلك العالمين قد بلغت الدلة الى النهاية، نار العالمين قد بلغت المبلية الى الغاية، آيين ظهورات فرجك يا فرج العالمين قد احاطت المظلمة اكثر الخليفة آيين انوار المكلايب من كل الجهات، آيين عضنقر غياض سطوتك يا قهار العالمين قد اخذت البرودة كل البرية آيين حرارة محبتك يا العالمين قد قام المشركون بالاعتساف في كل الاطراف، آيين تسخير قلم تقديرك يا مسخر العالمين قد ارتقع نباح المبعد، آيين بحر قربك يا جناب العالمين قد ارتفعت ايلدى الرجاء الى سماء الفضل و العطاء، آيين امطار كرمك يا مجيب تترك المقربون في ظلماء الهجران، آيين اشراق صبح وصلك يا مقصود العالمين قد تبلبل اجساد الاصفياء على ارض بسم الله الاقدم الاكظم قد احترق المخلصون من نار الفراق، آيين تشعشع انوار لقايتك يا محبوب العالمين قد

XAB00106

بدرخشيم. توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و بينا. ع. ع. لوح اول دوره دوم الواح فرامين تبليغي حضرت عبدالبهاء آسماني فرما نفتات روح القدس مبذول دار تا بخدمت موفق گرديم و مانند ستاره اهل روشن در اين اقاليم بنور هدايت حول سراج هدايت گردند بي انصبيان نصيب برند و محرومان محرم راز شونند پروردگارا بعين عنايت نظر نما تايبدي نداريم تا نفوس فرياد اهدنا المصراط المستقيم برآرند و ديده بمشاهده انوار روشن نمايند از ظلمات جهالت برهند و طائف مشتاقان تو تشنه چشمه توئيم و دردمند درمان توئيم در ره تو قدم نهاديم و مقصد و آرزوئي جز نشر نجات تو رساندى و مرغان آواره را بگلشن عنايت دعوت فرمودى پروردگارا جمعى هستيم بندگان تو و فقيران تو دور افتاده ايم و فقيران اغنيا كرى گمراهان را راه بنمودى و تشنگانرا بچشمه هدايت دلالت كرى ماهيان لب تشنه را بدريائى حقيقت و كران شنوا كرى مردگان زنده فرمودى

XAB00107

چه كه به هدايت كبرى فائز داشتى و به موهبت عظمى مخصص كرى كردگارا شكر تو را حمد تو را نيايش تو را ع بر سر و سامان را در مآمن اللطاف پناه دادى و آيين تشنه سوخته را به رحيق مختوم و ماء عذيب حيوان سيراى فرمودى نيايش تو را لايق و سزاوار كه آيين مرده افسرده را جان بخشيدى و آيين گمگشته سر گشته را به دار الامان راه دادى آيين هو الابهى اى پروردگار ستايش و

AB00001FIR

نما و به ملائكة مقربين كل را مدد فرما، تا به استقامت تمام آيين دو يوم را در خدمت صرف نمايند توئى قادر و توانا. الهى الهى دوستان را از بحر كرمت محروم

AB00001SHI

گلزار نما تا بوى خوى خوشش جان پرور گردد و پريتو روپش افزون از ماه و اختر. توئى مهربان و توئى بخشنده و توانا. كن، سرور آستان نما و افسر جهان بالا بر سر نه، روپش را بدرخشان و گوهرش را بيفشان، جانش را مشكبار كن و دلش را يزدان پاك، آيين بنده ديرين را اندوهگين مخواه، شادمانى آسمانى بخش و قر يزدانى بده، ستاره روشن نما و گل گلشن هو الابهى الابهى اى

AB00044PRO

موفق گرديم و مانند ستاره اهل روشن در اين اقاليم بنور هدايت بدرخشيم. توئى مقتدر و توانا و توئى عالم و بينا. ع. ع.

و محرومان محرم راز شوند پروردگارا بعین عنایت نظر نما تأییدی آسمانی فرما نفلت روح القدس مبذول دار تا بخدمت و دیده بمشاهده انوار روشن نمایند از ظلمات جهالت برهند و طائف حول سراج هدایت گردند بی‌انصیبان نصیب برند توئیم در ره تو قدم نهادیم و مقصد و آرزویی جز نشر نفلت تو نداریم تا نفوس فریاد اهدنا المصراط المستقیم برآرند فرمودی پروردگارا جمعی هستیم بندگان تو و فقیران تو دور افتاده‌ایم مشتاقان تو تشنه چشمه توئیم و دردمند درمان تشنگانرا بچشمه هدایت دلالت کرمی ماهیان لب تشنه را بدریای حقیقت رساندی و مرغان آواره را بگلشن عنایت دعوت فرمودی کوران بینا نمودی و کران شنوا کرمی مردگان زنده فرمودی و فقیران اغنیا کرمی گمراهان را راه بنمودی و پروردگار مهربانا شکر ترا شاهراه هدایت بنمودی و ابواب ملکوت بگشودی و بواسطه شمس حقیقت تجلی

AB00065KIN

او کند ما چه توانیم کرد، یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است، پس سر تسلیم نه و توکل بر رب رحیم په .والمبهاء علیک. التفاتی صد هزار درد بی درمان دوا کند و به انعطافی زخم‌ها را مرهم نهد و به نگاهی دل‌ها را از قید غم برهاند، آنچه کند بند و به ملکوت ابهی بر گشا، آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب، به نظری صد هزار حاجاتت روا نماید و به الله ابهی ای متوجه‌الی الله، چشم از جمیع ملسوی بر

AB00065STE

بخششی نما، آواره‌ایم در پناه لطفت مأوی بخش، بیچاره‌ایم قوت و قدرتی عنایت کن. توئی فضال توئی کریم و توانا. حق، دست نیاز به درگاه حضرت بی نیاز بر آر و بگو، ای پروردگار، گناه‌کاریم عفو و مغفرت فرما، محتاجیم از کین ملکوت هواالابهی ای بنده

AB00073SER

دلالت فرمودی و این تشنگان را به عین عنایت رساندی و این درماندگان را در ظل کلمه الهیه پناه دانی. انک انت الکریم. هواالله ای بی نیاز، ستایش تو را سزاست که این گمگشتگان را به شاهراه هدایت

AB00094WEA

انک انت لکریم القوی العزیز الرحمن الرحیم ع اع لوح ششم دوره دوم الواح فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء و طیوراً صادقاً فی ایة البقاء و اسوئاً زائرة فی غیاض العلم و التهی و حیثاً سلیحة فی بحور الحیاة یرحمک الکریمی و اعظم بریتک و کائوا ذباباً فاستنسروا و کائوا قباء فاستبحروا. بفضلك و عنایتک و أصبحوا تجوماً سلطعة فی أفق الهدی أیدت عبادک من قبل و کائوا أعجز خلقک و اتل عبادک و أحقر من فی أرضک و لکن بعونک و قوتک سببوا أجلاء خلقک و رب ارحم عجزی ایدنی بقوتک و قدرتک رب لو تؤید بنفلت الروح اعجز الموری لبلغ المنی و تصرف کیف یشاء کما هنا الفضاء المنی لا یتناهی فکیف یمکن هنا إلا بعونک و عنایتک و تأییدک و توفیقک رب ارحم ضعفی و قونی بقدرتک و قمت علی ترویج تعلیمک بین عبادک الأقویا معتمداً علی حولک و قوتک رب ان طیراً کلیل الجناح أراد أن یطیر فی الاهی الاهی تری ضعفی و تلی و هوانی بین خلقک مع نلک توکلت علیک

AB00156LOW

هر کدام بینه‌الی از بینلت کتاب مجید. توئی خداوند مهربان و توئی جزیل الاحسان. انک انت الکریم المقتدر العزیز الممان. متین بر این عهد رزین رصین ثابت و بر قرار مانند و به‌اشکرانه احسانت زبان گشایند وهریک آیتی از آیات توحید گردند و

فرما، ابر رحمت ببار، بحر موهبت به موج آر، نسیم عنایت بوزان و پرتو موهبت مَبذول دار تا هر یک چون جَبَلِ راسخ
مَحَبَّت را در حَدیقَه حقیقت لانه و آشیانه بخش و به ترانه و وجد و سرور و شوق و شادمانی در بزم کامرانی دمساز
رحمت بنوشند و در اعلاء کلمات بکوشند و از آتش عشقت بسوزند و بجوشند. ای پروردگار، این مرغان چمنستان
شمع در سوز و گدازند و چون مرغ سحری همدم نغمه و آواز، هر یک در جَتِ ابهائیت صفت حمد تو گویند و از جویبار
روز به نار مَحَبَّت مشتعلند و به تفحات قدست مؤانس، مقصدی جز رضای تو ندارند و آرزوی جز لقای تو نجویند، چون
هوالبهی ای خداوند مهربان، این نفوس بندگان آستانند و پاسبان‌های راستان، شب و

AB00184KIN

تصیر المصغراء و انک أنت المقتدر العزیز المختار. ع ع . لوح چهارم دوره دوم المواجه فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء
وَفَقِنِي عَلَى خِدْمَتِكَ وَأَيِّدْنِي بِجُنُودِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْصُرْنِي فِي إِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ وَأَنْطِقْنِي بِحِكْمَتِكَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ أَنْتَ مَعِينُ الضَّعْفَاءِ وَ
وَتَقْرَأُ الْأَعْيُنَ بِمَشَاهِدَةِ آيَاتِ الْمُهْدَى رَبِّ أُنِي فَرِيدٌ وَحِيدٌ حَقِيرٌ لَيْسَ لِي ظَهِيرٌ إِلَّا أَنْتَ وَ لَا نَصِيرٌ إِلَّا أَنْتَ
وَيَرْفِرُ بِكُلِّ سُرُورٍ وَأَنْشُرِيحُ فِي هَذَا الْمَفْضَاءِ وَيَرْتَفِعُ هَدِيرُهُ فِي كُلِّ الْإِرْجَاءِ بِاسْمِكَ الْأَعْلَى وَتَتَلَذُّ الْأَنْبَاءُ مِنْ هَذَا النَّدَاءِ
الْمُهِيِّ الْمُهِيِّ هَذَا طَيْرٌ كَلِيلُ الْجَنَاحِ بَطْنُ الطَّيْرِ أَنْتَ بِشِدَّةِ الْقُوَى حَتَّى يُطِيرَ إِلَى أَوْجِ الْمَفْلَاحِ وَ الْمِنَاجِ

AB00184KIN

سراجاً وهاجاً و نجماً بلزقاً و شجرة مباركة مشحونة بالأثمار مظلمة في ههنا الديار أنت العزيز المقتدر المختار. ع ع
وَكَلِيلُ اللِّسَانِ أَنْطِقْنِي بِذِكْرِكَ وَ ثَنَائِكَ وَ نَلِيلُ عَزِّزْنِي بِالْمَدْخُولِ فِي مَلَكُوتِكَ وَ بَعِيدُ قَرِينِي بِعَقَبَةِ رَحْمَانِيَّتِكَ رَبِّ اجْعَلْنِي
بِرُوحِ الْقُدْسِ حَتَّى أَنْمَسَ بِاسْمِكَ بَيْنَ الْأَقْوَامِ وَ ابْشُرْ بِظُهُورِ مَلَكُوتِكَ بَيْنَ الْأَنْبَاءِ رَبِّ أُنِي ضَعِيفٌ قَوْنِي بِقُدْرَتِكَ وَ سُلْطَانٌ
بِمَشَاهِدَةِ الْأَنْوَارِ وَ أَسْمَعْتَنِي تَغَمُّتِ طَيُورِ الْقُدْسِ مِنْ مَلَكُوتِ الْأَسْرَارِ وَ اجْتَنَبْتَ قَلْبِي بِمَحَبَّتِكَ بَيْنَ الْأَبْرَارِ رَبِّ أَيْدِنِي
رَبِّ رَبِّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ بِمَا هَدَيْتَنِي سَبِيلَ الْمَلَكُوتِ وَ سَلَكْتَ بِي هَذَا الْمَصْرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ الْمُمَدُّودَ وَ تَوَرَّتْ بَصْرِي
لوح سوم دوره دوم المواجه فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء

AB00189AID

نما، همواره مشام از تفحات قدس معطر کن و در دو جهان روی متور نما و خوی معتبر توئی دهنده و بخشنده و توانا.
هوالمه ای پروردگار، این جوهر ابرار را بار و یاور باش، کامکار کن بزرگوار

AB00204PRO

را به غزلخوانی بخوان و حقایق و معانی تعلیم ده. توئی پروردگار توئی کردگار توئی مجلی طور در کشور انوار.
بارلن موهبت ببار، چمن هدایت بیبارا، ریاحین معانی انبات کن و سلطان گل را تلج موهبت بر سر نه و بلبلان روحانی
دیده اهل بصیرت روشن کن، آهنگ ملکوت ابهی به گوش رسان و هر دل‌تنگ عالم ادنی را خوشوقت کن، ابر رحمت بفرست،
کن تغمات قدس بفرست و محافل انس معطر نما، فیض قدیم مَبذول دار و فوز عظیم شایان نما، نور حقیقت جلوه ده
هوالمه ای پروردگار، به جنود ملاً اعلی نصرت نما و به جیوش ملائکه مَحَبَّت و صفا اعانت

AB00209UND

پی در پی تأیید و توفیق فرست و بر هر خیر موفق فرما زیرا سزاوار هر عنایتند و لایق هر موهبت وعلیهم البهاء الابهی.
هوالمه ای پروردگار، این ابرار را از ملکوت اسرار

أنت المقتدر على ما تشاء وأنت على كل شيء قدير ع لوج دوم دوره دوم المواجه فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء القاهرة و قدرتك النافذة حتى ينطق لسانى بمحامدك و نعوتك بين خلقك و يطفح جنانى برحيق محبتك و معرفتك أنتك و تحيط بى توفيقايتك التى تجعل الذباب عقابا و القطرة بحورا و أنهارا و الترات شمسًا و أنوارا رب أيدنى بقوتك ناديا لنشر تعاليمك بين العموم و ابنى أتوقف بهذا الا أن يؤيدنى نفثات روج القدس و ينصرنى جنود ملكوتك الاعلى الهى الهى ترانى مع تلى و عدم استعدادى و اقتدارى مهتمًا بعظائم الامور، قاصدا لاعلاء كلمتك بين الجمهور،

بیان عجز چاره‌الی نه و به‌غیر از اعتراف به قصور بهانه‌الی نیست، تو غنی متعالی و مقدس از ادراک عقول اهل کمال ... بشری. نتایج فکریه چگونگی به‌معارج الهیه رسد و عنکبوت اوهام چگونگی به لعاب ظنون و افهام بر رفرق تقدیس تند، جز توان نعت و ستایش حضرت بیچون گفت، آنچه گویم و جویم از مدرکات عالم انسانی است و در تحت احاطه عالم امر عسیر، زبان آلتی است مرکب از عناصر، صوت و بیان عرضی است از عوارض، به آلت عنصری و صوت عارضی چگونگی آمرزگارا، چگونگی زبان به‌استایش گشایم و پرستش و نیایش نمایم، تقریر عین تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این هوا الهی الهی پروردگارا

فضلك و مولهيك ثم اقبل منا يا محبوبنا ما عملناه فى سبيك. انت المقتدر المتعالى المفرد الواحد القفور العطوف. بان لا ترجعها الا بكنوز عطائك و احسانك. اى رب فاكتب لنا و لا بلنا كلمة المغفران ثم اقض لنا ما اردناه من طمطم على ما كان و ما يكون. لا اله الا انت المهيمن القويوم. اى رب ترى ايلانى الرجاء مرتفعة الى سماء جودك و كرمك اسألك ارواحنا فى جبروتك و اسمائنا فى ملكوتك و اجسادنا فى كنايز حفظك و اجسامنا فى خزائن عصمتك. انت المقتدر سحاب رحمتك ليظهرنا عن نكر غيرك و يقربنا الى شاطى بحر فضلك. اى رب فاكتب لنا من قلمك الاعلى ما يبقى به باعلى النداء فى ملكوت الانشاء و يدعوا الكل الى سدرية المنتهى و المقام الاقصى. بان تنزل علينا و على عبدك من امطار النفس و الهوى و تؤيدهم على ما ينفعهم فى الاخيرة و الاولى. اى رب اسألك باسمك المكنون المخزون الذى يناسى و احاطتهم المأساء و المضراء بما عرضوا عن المورى و اقبلوا الى الافق الاعلى. اى رب اسألك بان تحفظهم من شئوننا لندائك الاحلى الذى ارتفع من المقام الاعلى باسمك الهى اى رب فانصر احييتك الذين تبذوا ما عندهم رجاء ما عندك من سماء مشيتك اى رب ترى عيوبهم ناظرة الى افق عنيتك و قلوبهم متوجهة الى بؤجور الطلاق و اصولهم خاشعة فارحم يا اله العالم و ملك المقيم و سلطان الاهم عبدك الذين تمسكوا بحبل اولمرك و خضعوا عند ظهورات احكامك ايامك و لا تمنعهم عن زشحات بحر رضائك. اى رب قد شهدت الترات بقدرتك و سلطانك و الايات بعظمتك و اقتدارك يا من بيدك زمام الممكنات و فى قبضتك ملكوت الاسماء و الصفات. بان لا تحرم عبدك عن امطار سحاب رحمتك فى بامرك و ارايتك و يقوومون فى الاسحار لذكرك و تنائك رجاء ما كثر فى كنايز فضلك و خزائن جودك و كرمك. اسألك هو العزيز المتان يا اله الرحمن و المقتدر على الامكان ترى عبدك و ارقائك الذين يصومون فى الايام

و نیروی بازو بخش تا به آرزوی خویش رسند و از کم و بیش در گذرند و آن مرز و بوم را چون نمونه جهان بالا نمایند. دانشمندان نمایند، آئین آسمانی بیاموزند و بخشش یزدانی آشکار کنند. پس ای پروردگار مهربان، تو پشت و پناه باش تا از آن بارین بخشش بهره‌الی به یاران دهند و کودکان خود را به نیروی پرورش در آغوش هوش پرورده رشک است بیدار شو بیدار شو. ای پروردگار بزرگوار، حال انجمنی فراهم شده و گروهی همداستان گشته که به جان بکوشند سبز و خرم شد و مرغان چمن به ترانه و آهنگ همدم شدند، هنگام شادمانی است، پیغام آسمانی است، بنگاه جاودانی

بجنبيد و خاکدان گلستان شد و خلك سپاه رشك بوستان گشت، جهان جهانی تازه شد و آوازه بلند گشت، دشت و كهسار جوش آمد و آفتاب كهش كردميد، بهار تازه رسيد و بلد جانپور و زيد و اير بهمن باريد، پرتو آن مهر مهرپور تابيد، كشور گشت و بزرگان نازينش آواره و دريه اير هر كشور دور، پرتوش تاريك شد و رودش آب باريك تا آنكه دريلى بخششت به شد و اختر بزرگواريش پنهان در زير روپوش، بلد بهارش خزان شد و گلزار دلربايش خارزار، چشمه شيرينش شور رشك باغ بهشت، هوشش پيغام سروش و جوشش چون دريلى ژرف پر خروش. روزگارى بود كه آتش دانشش خاموش نمايان، كشورش مهر پرور و دشت بهشت آسائش پُر گل و گيله جان پرور و كهسارش پر از ميوه تازه و تر و چمن زارش مشكيبز فرمودى و شورانگيز و دانش اخيز و گوهر ريز، از خاورش همواره خورشيدت نور افشان و در باخترش مله تابان بنام يزدمان مهربان پاك يزدمان، خلك ايران را از آغاز

AB02304TST

فائصر امرتك و اخذل اعدائك ثم اكتب لنا خير الآخرة و الاولى انك انت المحق علام الغيوب لا اله الا انت الغفور الكريم. السنة عزًا لاجبائك ثم قدر فيها ما يستشرق به شمس قدرتك عن افق عظمتك و يستضيئ بها العالم بسطانتك اى رب بريتك اى رب هذه ساعة جعلتها خير الساعات و تسبتهالى افضل خلقك اسألك يا الهى بك و بهم بان تقدر فى هذه تقربوا اليك و منعوا عن لقاك و منهم من تخلوا فى جولرك طلبًا للقاك و حال بينهم و بينك سبحات خلقك و ظلم طفلة و منهم الذين جعلهم المشركون اسارى فى مملكتك و منعوهم عن التقرب اليك و المؤرد فى ساحة عزك و منهم يا الهى السموات و الارضين فىا الهى ترى ما ورد على اجبائك فى ايامك فوعزتكم ما من ارض الا فيها ارتقع ضجيج اصفياك ممانتنا بحبك ثم ارزقنا لقاك فى عوالمك التى ما اطلع بها احد الا نقسك انك انت ربنا و رب العالمين و الهنا و اله من فى خالصًا لوجهك و مقطعا عن كونك فانزل علينا يا الهى ما ينبغى لفضلك و يليق لوجودك ثم اجعل يا الهى حياتنا بذكرك و الاعظم و صاموا فيه بما امرتهم فى الواج امرتك و صحائف حكمك فانزل عليهم ما يقدرهم عما يكرهه رضواؤك ليكونوا فى القرب موعوا عن زيارة طلعتك و فى الموصل جعلوا محروما عن لقاك اى رب هؤلاء عباد تخلوا معك فى هذا المسجن مشيتك الى ان ادخلتهم فى ظل قباب رحمتك و فقههم على ما ينبغى لهذا المقام الاسنى اى رب لا تجعلهم من الذين الحصة فى قبضة محمد حبيبك فىا الهى هؤلاء عبادك الذين جعلتهم معاشر نفسك و مؤانس مطلع ذاتك و فرقهم ارباح عما قدرته فى هذا الظهور الذى به ينطق كل شجرة بما تطلق سدرة السينا لموسى كليمك و يسبح كل حجر بما سبح به شوقًا للقاك و اخذتهم تفحات و حيك على شأن يسمع من كل جزء من اجزاء ابدانهم نكرتك و تناؤك بان لا تجعلنا محروما على وجه بريتك و مصاريع عنايتك لمن فى ارضك اسألك بالذين سقك دماؤهم فى سبيلك و انقطعوا عن كل الجهل فانزل علينا و عليهم من سحاب رحمتك ما ينبغى لسماء فضلك و كرمك سبحاتك هذه ساعة فيها فتحت ابواب وجودك لذكرك و تنائك و يقرون من التوم طلبًا لقربك و عنايتك لم يزل طرقهم الى مشرق الملامك الى مطلع الملامك كأس نكرتك فى الاسحار يا رب الارباب اولئك عباد اخذتهم سكر خمر معارفتك على شأن يهزون من المضاجع شوقًا لكل نفس منها نصيبًا فى لوح فضلك و زير تقديرك و اختصت كل ورقة منها بحزب من الاحزاب و قدرت للعشاق لمن فى ارضك و سماك و اختصت كل ساعة منها بفضيلة لم يحط بها الا علمك الذى احاط الاشياء كلها و قدرت يا الهى هذه ايام فيها فرضت الصيام على عبادك و به طررت ديباج كتاب اولمرك بين بريتك و زينت صحائف احكامك قوله تعالى: بسم الله الاقدس الابهى

AB02326

ده و اين افتادگان را در كهف حفظ و حمايت خويش از شر اهل نفاق محفوظ دار. انت الحليظ المقتدر العزيز المقدير. اى پروردگار بى انباز، مقدسى و منزه، رحيمى و مهربان، مجبرى و دستگير، اين بيچارگان را در پناه خود منزل هو الابهى

باشد و فکری عطا کن که به فیض روحانی جهان را گلشن نماید. توئی بخشنده و مهربان و توئی خداوند عظیم الاحسان . و مأمون فرما. توئی توانا و توئی بینا و توئی شنوا. ای خدای مهربان دلی عطا کن که مانند زجاج به سراج محبت روشن خدایا مرا مستقیم مدار و ثابت و راسخ کن، از امتحانات شدید محفوظ مدار و در حصن حصین عهد و میثاقت مصون نمودی، به ملکوت خویش دلالت کردی و به سبیل خود هدایت فرمودی، ربه راست بنمودی و در سفینه نجات در آوردی هوایابی ای خدای مهربان، شکر تو را که بیدار نمودی و هشیار کردی، چشم بینا دادی و گوش شنوا احسان

نابت کن، مستقیم فرما و در محفل اسرار همدم و ندیم کن، ای کریم، توئی صاحب فضل عظیم، اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. شکر الطافت در نیایم که چنین موهبتی مبذول فرمودی و چنین احسان رایگان داشتی. ای یزدان مهربان، ثابت نما و را از معین عین تسنیم نوشانی، پس اگر در دهان صد هزار زبان بگشایم و به هر زبان حمد و ستایش تو نمایم از عهد این مستمند را به گنج روان دلالت فرمودی، این قافله گمگشته را به کعبه مقصود هدایت فرمودی و این ماهی تشنه لب هوایله ای پروردگار، ستایش تو را که این بی‌انوا را با نوا کردی و

اشْرَحْ صَدْرَهُ وَ اَوْقِدْ مُصْبَاحَهُ فِي خِدْمَةِ اَمْرِكَ وَ عِبَادِكَ، اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْمَوْهَبُ وَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الرَّؤُوفُ الرَّحْمَنُ. اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْمَتَعَالِ. هَذَا مَا يُنَادِيكَ بِهِ ذَلِكِ الْعَبْدُ فِي الْبُكُورِ وَ الْاَصْلَالِ اَي رَبِّ حَقِّقْ اَمَالَهُ وَ تَوَرَّ اسْرَارَهُ وَ الْفَنَاءَ وَ اجْعَلْنِي غُبَارًا فِي مَمَرِ الْاَحْبَاءِ وَ اجْعَلْنِي فِدَاءً لِّلْاَرْضِ الَّتِي وَطَّئْتُهَا اَقْدَامِ الْاَصْفِيَاءِ فِي سَبِيلِكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ وَ الْعُلَى وَ اعْنِي عَلَي الْمَوَاطِظَةِ عَلَي الْاِبْتِعَادِ فِي رَحْمَةِ رُبُوبِيَّتِكَ. اَي رَبِّ اسْقِنِي كَأْسَ الْفَنَاءِ وَ الْمِسْنِي تَوْبِ الْفَنَاءِ وَ اغْرِقْنِي فِي بَحْرِ اَحْدِيَّتِكَ وَ تَوَرَّ جَنِينِي بِاَنْوَارِ التَّعْبُدِ فِي سَاحَةِ قُدْسِكَ وَ التَّنَبُّلِ اِلَى مَلَكُوتِ عَظَمَتِكَ وَ حَقِّقْنِي بِالْفَنَاءِ فِي فَنَاءِ بَابِ الْوَهْبِيَّتِكَ مُتَوَكِّلًا عَلَيكَ مُتَضَرِّعٌ بَيْنَ يَدَيْكَ يُنَادِيكَ وَ يُنَاجِيكَ وَ يَقُولُ رَبِّ اَيُّدِنِي عَلَي خِدْمَةِ اِحْبَابِكَ وَ قَوِّنِي عَلَي عُبُودِيَّةِ خَضْرَى وَ تَعَمَّرْهُ فِي بَحْرِ رَحْمَةِ صَمَدَانِيَّتِكَ اَي رَبِّ اِنَّهُ عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَ رَقِيقُكَ الْمَسْأَلُ الْمَتَضَرِّعُ الْاَسِيرُ مُبْتَهِلُ الْمِيكَ اهل الحقيق و التبعوت من اولى الالالب ان تنظر الى عبدك الخاضع الخاشع يبلب احديتك بلحظت اعين رحمتك ادراك دارد هوایابی الهی الهی انی ابسط الیک الکف المتضرع و التنبل و الابتهاال و اعقر وجهی بتراب عتبة تقدست عن ادراک این مناجات را هر نفسی به کمال تضرع و ابتهاال بخواند سبب روح و ریحان قلب این عبد گردد و حکم ملاقات

بلکه آنچه مقتضای غنی مطلق و قوت و قدرت تست ارزانی کن. توئی رحیم توئی رحمن توئی بخشنده توئی مهربان. ولی تو قوی هستی و هر چند فقیریم تو غنی هستی و هر چند ذلیلیم تو عزیز هستی، پس نظر به فقر و ضعف مفرما کن و محرومان را به هر عطائی سزاوار فرما، توئی بخشنده توئی دهنده و توئی مهربان. ای پروردگار، هر چند ضعیفم یابند. خداوندا، کوران را بینا کن و کران را شنوا نما، مردگان را زنده کن و پژمردهگان را تر و تازه فرما، نومیدان را امیدوار فرما، طفلان را در مهد عنایت پرورش ده تا به بلوغ برسند، مریضان را به درمان آسمانی درمان فرما تا صحت و عافیت را مسرور کن و مرغان بال شکسته را پرواز ده، تشنگان را از سلسبیل عنایت بنوشان و فقیران را از گنج ملکوت مستغنی پناه ده، نادانان را بر اسرار حقیقت آگاه کن، بیچارگان را ملجای بخش و آوارگان را سر و سامانی ده، دل‌های شکسته و غرب از انوار مشرق جمال متور است و مشام روحانیان از تفحلیت قدست معطر. خداوندا، بندگان را در ظل عنایت هوایله رحمانا رحیما کریم، شرق

تو می‌دانی که از هر چیزی گذشته‌ام و از هر فکری فارغ شده‌ام، جز نکر تو شغلی ندارم و جز خدمت آرزوئی نخواهم. ای خدا، در سببیت هر بلائی را مهیا هستم و هر صدمه‌ای را به جان و دل آرزو نمایم. ای خدا، از امتحان محافظه نما، و این دردمند را درمانی نه و این مریض را علاجی عطا کن، با قلبی سوزان و چشمی گریان به درگاهت مناجات می‌نمایم و صحرا نهم و فریاد به ظهور ملکوت نمایم و ندایت را به جمیع گوش‌ها برسانم. ای خدا، این بیچاره را چاره‌الی بخش بکوشم و جان و دین را در راهت فدا نمایم، توئی دانا توئی بینا هیچ آرزوئی جز این ندارم که از محبت سر به کوه دل و جان آرزوئی ندارم جز آنکه به رضایت موفق گردم و به عبودیتت مؤید شوم، به خدمتت پردازم و در کرم عظیمت هوالمه ای خدا، تو شاهی و گواهی که در

امتحانلت شدید حفظ فرما و در پناه رحمانیتت از حواصت زمانه محروس دار. توئی مقتدر و توانا و توئی حاضر و بینا. چمنزار حقیقتند و شکوفه بوستان معرفت، آواره توآند و بیچاره تو، افتاده توآند و دلدادۀ تو، در ظل جنج احدیّتت از ملکوت ابهائیت رایگان کن و رحمت افق اعلاّیت شایان فرما زیرا منجنب جلال نورانیند و زنده از نفس رحمانی، سبزه هوالمه ای پروردگار، این یاران را بنواز و به آتش عشق بگاز و به رازت دمساز نما، موهبت

. ای خداوند مهربان، این اقتران را اسلب تولید تر و مرجان فرما، اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. بر ساحل وجود ریزد. مَرَجَ الْبُحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ و وسیله حصول فیض جاودان فرما تا از اجتماع آن دو بحر محبت، موج الفت بر خیزد و لثالی سلاله نجیبه مقدسه و ما خَلَقْتَ الْجَنَّ وَالْإِنْسَ لِإِلْتِقَائِهِمَا ، حال این دو مرغ آشیانه محبتت را در ملکوت رحمانیتت عقد اقتران ببند یابد و همواره تا جهان باقی به عبودیت و عبادت و پرستش و ستایش و نیایش درگاه احدیّتت مشغول و مألوف گردند هوالمه ای خداوند بیمانند، به حکمت کبرایت اقتران در بین اقربان مقدر فرمودی تا سلاله انسان در عالم امکان تسلسل

مستقیم بدار و این مرغ بی پر و بال را در آشیان رحمانی خود و در شاخسار روحانی خویش مسکن و مأوائی عطا فرما. پس ای پاک یزدان من، این بنده پر شور و شیدا را در پناه خود پناهی ده و بر دوستی خویش در عالم هستی ثابت و که به عواطف رحمانیتت موفق بحریست بی‌اکران و هر تراهی که به پرتو عنایتت مؤید آفتابیت درخشنده و تابان، المظالم بی‌انهایتت روشن و باز و در سحر گاهی این جان و دل پژمرده به یاد جمال و کمال خرم و دمساز، هر قطره‌الی جز تو نجسته و نجویم و به غیر از سبیل محبتت راهی نییومده و نیویم، در شبان تیره نومی‌دی دیده‌ام به صبح امید هوالمحق المقیوم. الهی تو بینا و آگاهی که ملجأ و پناهی

خاصان در آر و در خلوتگاه عالم بالا محرم اسرار کن و مستغرق بحر انوار فرما. توئی بخشنده و درخشنده و مهربان دل به تو بستند و از دلم بیگانگی جستند و به ایگانگی تو پیوستند، این نفوس نفیسه را انیس لاهوتیان فرما و در حلقه هدایتت روشن و درخشنده گشتند، جامی سرشار از باده محبتت نوشیدند و اسراری بی‌پایان از اوتار معرفتت شنیدند، هوالمه بخشنده یزدان، این بندگان آزادگان بودند و این جان‌اهلی تابان به نور

به خدمت عالم انسانی فرما. خدایا، این اطفال دردمانده‌اند، درآغوش صدف عنایت پرورش ده. توئی بخشنده و مهربان. اطفال نازنین صنّعت دست قدرت تو اند و آیات عظمت تو. خدایا این کودکان را محفوظ بدار، مؤید بر تعلیم کن و مؤفّق هوالله ای خداوند مهربان، این

.....

بگو ای اله من و محبوب من و سپید من و سفید من و مقصود من
 تو و آفتاب عنایت و سماء فضل تو که مقدر فرمائی از قلم اعلی از برای این امّه خود آنچه سزاوار بزرگی تو است. این سائلی است اراده بلب تو نموده و فقیری است قصد دریای غنای تو کرده. سؤال می‌انمایم تو را به‌درباری بخشش و جمیع قلوب از عرفانت قاصر بوده و خواهد بود. ای پروردگار من، عجز و فقر و فانی کنیز خود را مشاهده می‌انمائی می‌دهد جان و روان و لسان به‌اینکه واحد بوده‌الی و شبه و مثل برای تو نبوده و نخواهد بود. جمیع المّسن از وصفت عاجز شهادت

.....

سحاب عنایت پرورش فرما. گلیه حدیقّه محبّتم، درخت بارور کن. توئی مقتدر و توانا و توئی مهربان و دانا و بینا. هوالله خدایا، طفلم در ظل عنایت پرورش ده. نهلال تازه‌الم به رشحات

.....

تا به انوار محبّت روشن و منیر گرد و به المّامات روحانیّه و معنویّه ملهم فرما تا عالم وجود را چون بهشت برین نماید. هوالله ای رحمن ای رحیم، دلی چون مرآت لطیف صافی عطا کن

.....

موردی ملجأ و پناه باش و در هر مقصدی معین و مستعان گرد. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و شنونده و توانا و بینا. را وجود بخشیدی، تشنگان را آب گوارا دادی و گرسنگان را سفره مهنا گستردی و نعمت مهیا رایگان نمودی، پس در هر هوالله ای پروردگار، این آوارگان را به سایه خویش در آوری و سر و سامان دادی، نیستی را هستی دادی و نابود

.....

بخش، از بحر عنایت قطره‌الی برسان و از نهر موهبت رشحه‌الی مبنول کن تا حیلت تازه یابم و موهبت بی‌اندازه جویم. مقر ده و این عهد حزین را در سایه شجره سرور مأوی بخش، این بی‌انصیب را نصیبی عنایت کن و این بی بهره را بهره‌الی الله ابهی ای پروردگار مهربان ای یزدان پاک، این بنده ضعیف را در ظل کلمه رحمانیت

.....

فرمودی و بخشش افزودی و این مرغان را به آشیانه و لانه و کاشانه بلند راه بنمودی. توئی بینا و دانا و توانا و شنوا. را شادمان فرما، تشنگان را سیراب کن و آزرندگان را آسایش دل و جان بخش. ستایش تو را که راه نمودی و رهبر

ببایند و جهان بیارایند. ای بخشنده، چَرِنده و پَرِنده را پناهی و به رازِ درون آگاه، جویندگان را یابندگان کن و آرزومندان بهشت بَرین، زیرا روی تو جویند ربه تو پویند راز تو گویند و هر دم در جستجویند که آنچه شایان این روزگار است هُوالمه ای پروردگار، این گروه جان نثار یاران دیرینند و با هم همدم و همنشین، گفتگو شیرین و شکرین و بزم مانند

ABU0129EDU

ده، از اطفال مَلکوت کن و به جهان لاهوت هدایت فرما. توئی مقتدر و مهربان و توئی دهنده و بخشنده و سابق الانعام. پرورش فرما و از تکی عنایت شیر ده، این نهل تازه را در گلشن مَحَبَّت بنشان و به رشحات سحاب عنایت پرورش هُوالمه خداوندا، این طفل صغیر را در آغوش مَحَبَّت

ABU0188TUR

تو سلوک نمائیم، جستجوی تو نمائیم و مشاهده جمال و کمال تو کنیم. توئی بخشنده توئی مهربان توئی قادر و توانا. طَیبه باشیم از هر گلی انتشار یابد. خداوندا ما را از عالم محدود نجات ده و به جهان نامحدود خویش رسان تا در سبیل عنایتی فرما که تو را بشناسیم و عاشق جمال تو باشیم، جویای شمس حقیقت باشیم از هر افقی طالع شود، طالب رائج زنده کن نفوس خواب را بیدار نما. خداوندا ما را از هر قیدی آزاد فرما و به جهان نامحدود خویش دلالت کن. خداوندا هُوالمه ای خداوند مهربان، بصیرت‌ها را روشن کن گوش‌ها را شنوا نما دل‌های مُرده را

BB00002ENA

از شهوات هوائی و اخلاق شیطانیه محفوظ و مصون بدار تا روح بنفحات قدس انس گیرد و از نکر دون تو صائم گردد. مشتهیات جسمانی و اشتغال بطعام و شراب باز ماندم دل و جانم را از مَحَبَّت غیر خویش پاک و مقدس کن و نفسم را ای پروردگار همچنانکه از

BB00018ADJ

مرا مستقیم بر امرت بدار و در امتحان ثابت بر مَحَبَّت کن و در دریای عنایتت مستغرق فرما. توئی دهنده و مهربان. هو پروردگار،

BB00018FOR

درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است شایان فرما تویی غفور تویی عفو و تویی بخشنده هر قصور. ع ع امید به وعده و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلاییم و لکن تَوَجّه به صبح عطا داشته و داریم به آنچه سزاوار و غفران و آمرزش ارزان کن تویی آمرزنده و تویی غفور تویی بخشنده فیص موفور ای آمرزگار هر چند گنه کاریم ولی پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدس نما عفو و بخشش شایان نما هُوالمه ای پروردگار

BB00147GRO

که جودت وجود را موجود فرمود و به افق اعلی راه نمود. عبادت را از صراط مستقیمت منع مفرما. توئی قادر و توانا. امطار سحاب رحمت آیش ده. توئی آن کریمی که عصیان عالم تو را از کرم منع نمود و از بدایع فضلت باز نداشت، توئی الهام مغبودا این نهالی است تو غرس نمودی، از

BBU0015

تو گرم و رسوائیان کوی تو، این موهبت را شایان فرما و این عنایت را رایگان کن. توئی پروردگار و توئی آمرزگار. و از مادونت در کنار. ای پروردگار، موفق بدار تا از سودائیان تو گرم و از شیدائیان تو شوم، سر دفتر مجنونان روی و فغانی نکتم و جز در پناه احدیتت امن و امان نجویم، بیزار از هر بیگانه‌ام و به یگانگی تو دل بسته‌ام، از غیر تو بیزارم میثاق راهی و کامی نجویم، شب و روز دردمند درد توالم و روز و شب مجروح تیغ و خدیگ تو، جز به ملکوت ابهائیت ناله هوا لاهی ای خداوند، تو شاهد و آگاهی که در دل و جان جز آرزوی رضای تو مرامی ندارم و جز در بزم

BH00005ALL

هوی مشاهده میشوند نجات را آمل و بخششهای قدیمت را سائل توئی قادر و توانا و معین و دانا. حضرت بهاءالله رجا از قلوب طالبانت قطع نشده و نمی شود گواه این مقام کلمه مبارکه لا تقنطوا ای کریم عبادت در بحر نفس و جدیدی مزین نمائی و باسم بدیعی فائز فرمائی توئی آنکه از اراده امت ارادات عالم ظاهر و از مشیتت مشیات امم نافذ عشاق رویت لقاییت را چون خلق از تو و امید مکنونه قلب از تو سزاوار آنکه امام وجوه اغیار محرمان کویت را پتراز چه ای کریم تیر رحمتت از افق هر شئی ظاهر و نجم عطایت از هر شطری ساطع محتاجان بابت عطایت را میطلبند و بر بخششت گواهی است صادق و شاهدیت ناطق چه اگر کرم نبود دست ارتفاع را نمیاموخت تراب چه و ارتفاع هستیت مقدس از دلیل و برهان و استوائت بر عرش منزه از نکر و بیان رجالی افنده و قلوب و ارتفاع ایادی نفوس رفعت و عظمتت مقرر و معترف ای دریای کرم قطره بشطرت توجه نموده و ای آفتاب جود وجود جودت را طلب کرده کلمه مبارکه منع منما و از حرارت محبت محروم مساز دریاهای عالم بر رحمت محیطه ایت شاهد و گواه آسمانها بر الهام مغبودا مسجودا این مشیت خاک را از اهتزاز

BH00005SEE

را از بلب غنایت محروم منما و از دریلی بخششت منع مکن. توئی صاحب عطا و قادر و توانا و المهیمن علی الاسماء. فرمودی تا صاحبان بصر آثار قدرت و عظمتت را در کل اشیاء ملاحظه نمایند و بر بزرگیت گواهی دهند. ای خدا، فقیر آن توانائی که بهایک کلمه، آسمان و زمین را خلق نمودی و مظاهر قوت و قدرت و عظمت و فضل و جود و کرم قرار و جهم به انوار و جهت متوجه و قلبم به اشطر عنایتت مقبل و از تو می‌اطلبم عطاء قدیمت و بخشش جدیدت را. توئی الهام مغبودا مقصودا محبوبا

BH00009AWA

حضرت یزدانی دل‌هاشان لاله زار و گلشن، هر یک در امرالله علم مبین گردند و در استقامت بر عهد و پیمان. حصین متین. محبت‌الله چون شعله سوزان باشند و در فرقتت جمال منان ابری گریان، به وفای الهی رویشان روشن گردد و به عنایت و مشرق انوار و مظهر المظالم رب مختار، در ملامت مقربین محشور گردند و در زمره مخلصین معدود و معروف، از حرارت ناری پر بار گردند و گلزاری با نفلت مشکبار، امواج دریلی آثار قدم شوند و نسائم گلشن اسم اعظم، مهبط الهام باشند رحمت باشند و اشعه آفتاب افق حقیقت، لسانی ناطق گردند و فضلی سابق شوند، چشمی بینا باشند و گوشی شنوا، سماء وجود چون انجم هدایت بدرخشند و در انجمن عالم چون چراغ‌های محبت‌الله روشن و منور گردند، امطار غمام

صحراى محبتت را در كهف منيع و ملاذ رفيع حفظ و حراستت منزل و مأوى احسان كن تا به عون و فضل و جودت در در شاخسار سدره منتهى پناه عنايت فرما و اين ماهيان لجة توحيد را در بحر اعظم عنايتت غوص ده و اين بى سامانان هواى ايهى اى پروردگار آمرزگار، اين مرغلان بى آشيان را در حديقۀ ثبات و استقامت

BH00074BLE

منما .اين مظلومان را در ظل سدره عدلت مأوى ده و فقيران را به بحر غنايت راه نما .توى مللك جود و سلطان عطا .
الها كرىما يكتا خداوندا جودت وجود را هستى بخشيد و موجود نمود، از دريائى رحمتت محرومش

BH00308DES

قلم امر مبرمت را نصرت فرمودى و اولياء را راه نمودى .توى مالک قدرت و مليک اقتدار .لا اله الا انت العزيز المختار .
تو، اسباب آسمان و زمين در قبضه قدرت تو .امراء را عدل عنايت فرما و علما را انصاف .توى آن مقتدرى كه به حركت
المهى الهى سراج امرت را به دهن حكمت بر افروختى، از ارباب مختلفه حفظش نما .سراج از تو، زجاج از

BH00870

فى سئل هدايتك و منلهج فضلك و غفرايتك و انتك انت العزيز الكافي المشافي الحافظ المعطى الرؤوف الكريم المرحيم
التي هي فيها ثم اشف بها كل مريض و عليل و فقير عن كل بلاء و مكروه و آفة و حزن ثم اهد بها كل من يريد ان يدخل
في كل صلب و مساء ان تحفظ حامل هذه الورقة المباركة ثم الذى يقرؤها ثم الذى يلقي عليها ثم الذى يمر في حول بيت
و يذكرك العلي الاعلى و بجمالك اللطيف الاصفى و بنورك الخفي فى سرائق الاخفى و باسمك المتقمص بقميص البلاء
عظمتك و سلطنتك و طلوع عز حكومتك بكلمة بلى ك و بهنه الاسماء الحسنى الاعظم و بهنه الصفات العليا الاكريم
الى خولن مكرمتك و انعامك و بعنايتك التي بها اجبت في نفسك من قبل كل من فى السموات و الارض فى حين ظهور
الذى به فتحت ابواب الفضل و العطاء و به استقر هيكل قدسك على عرش البقاء و برحمتك التي بها دعوت الممكنات
يا كافي بك يا كافي يا شافي بك يا شافي يا باقى بك يا باقى أنت الباقي يا باقى سبحانك اللهم يا الهى اسألك بوجودك
مستور يا غائب مشهور يا ناظر مظلور أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى يا قاتل عساق يا واهب فساق
و أنت الباقي يا باقى بك يا ناقد بك يا لاحظ بك يا لا يظ أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى
يا رآف أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا ثابت بك يا ثابت بك يا ناوت أنت الكافي و أنت المشافي
يا باقى بك يا واهج بك يا بلاج بك يا بهاج أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا واهب بك يا عطاف بك
و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا واثق بك يا عسق بك يا فلق أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا
بك يا جنيب أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا جلال بك يا جمال بك يا فضل أنت الكافي
يا باقى بك يا فتاح بك يا تصاح بك يا تجاح أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا حبيب بك يا طبيب
و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا سبوح بك يا قدوس بك يا تزوه أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا
أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا نكر بالأعظم بك يا اسم الاكريم بك يا رسم الاقدم أنت الكافي
يا جان بك يا جانان بك يا إيمان أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا ساقى بك يا على بك يا غالى
و أنت الباقي يا باقى بك يا كاشف بك يا ناشف بك يا عاطف أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك
أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا غياث بك يا مستغاث بك يا تفاث أنت الكافي و أنت المشافي
عطوف بك يا رؤوف بك يا لطوف أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي بك يا ملاذ بك يا معاذ بك يا مستعاذ
الباقي يا باقى بك يا محفوظ بك يا مخطوط بك يا ملحوظ أنت الكافي و أنت المشافي و أنت الباقي يا باقى بك يا

المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا عَظُومُ . بك يا قَدُومُ . بك يا كَرُومُ . انت المكافى و انت المشافى و انت
بك يا فاضلُ . بك يا بللُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا قَيُومُ . بك يا قَيُومُ . بك يا عَظُومُ . انت
انت المباقى يا باقى . بك يا جليلُ . بك يا جميلُ . بك يا فضيلُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا عادلُ
سابعُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا نافعُ . بك يا مائعُ . بك يا صلحُ . انت المكافى و انت المشافى و
باقى . بك يا طالعُ . بك يا جامعُ . بك يا رافعُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا بلعُ . بك يا فارغُ . بك يا
و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا صلحُ . بك يا قانعُ . بك يا قانعُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا
بك يا غلبُ . بك يا ولهُبُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا قديرُ . بك يا نصيرُ . بك يا غلبُ
المباقى يا باقى . بك يا معفورُ . بك يا مشهورُ . بك يا مستورُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا غلبُ
انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا رُوحُ . بك يا نورُ . بك يا ظهورُ . انت المكافى و انت المشافى و انت
يا عزيزُ . بك يا نصيرُ . بك يا قديرُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا حاكمُ . بك يا قائمُ . بك يا علمُ
و انت المباقى يا باقى . بك يا معشوقُ . بك يا محبوبُ . بك يا مجذوبُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك
انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا رحمنُ . بك يا عظيمُ . بك يا قدرانُ . انت المكافى و انت المشافى
بك يا قدسانُ . بك يا مستعانُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا عليمُ . بك يا حكيمُ . بك يا عظيمُ
و انت المباقى يا باقى . بك يا أحدُ . بك يا صمدُ . بك يا فردُ . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا سبحانُ
بهى . انت المكافى و انت المشافى و انت المباقى يا باقى . بك يا سلطانُ . بك يا رفعانُ . بك يا تيانُ . انت المكافى و انت المشافى
بسم الله الامتع الاقدس الارفع الابهى . بك يا عليُ . بك يا وقي . بك يا

BH00987

اصفياؤك و اعترف بما اعترف به اهل الفردوس الاعلى و المتين طافوا عرشك العظيم، الملك و الملكوت لك يا الله العالمين .
تسألك بان تحفظنا من جنود الظنون و الأوهام، انك انت العزيز العلام، ثم يرفع رأسه يقعد ويقول: أشهد يا الهي بما شهد به
ثلاث مرات و يسجد ويقول: لك الحمد يا الهنا بما انزلت لنا ما يقربنا اليك و يرزقنا كل خير انزلته في كتبك و زيارتك، أي رب
و اسرار جبروتك بان تعمل باوليائك ما ينبغي لوجودك يا ملك الموجود و يليق لفضلك يا سلطان الغيب و المشهود، ثم يكبر
ان ترتفع الى اسماء كرمك، ترى يا الهي عبراتي تمنعني عن المنكر و المثأء يا رب العرش و المثرى، أسألك يا ايلت ملكوتك
يثوب كيني و يغلي الندم في عروقي، و جملك يا مقصود العالم ان الوجه يستحيي ان يتوجه اليك و ايلدي الرجاء تخجل
لسان عظمتك، ثم يقوم ويقول: الهي الهي غصباي انقض ظهري و عقلي اهلكني كلما اتفكر في سوء عملي و حسن عمك
بما ايدتني على تركك و ثنائك و عرفتني مشرق آياتك و جعلتني خاضعا لربوبيتك و خاشعا لالوهيتك و معتزقا بما تطلق به
تسمت فجر ظهورك بان تقدر لي زيارة جملك و العمل بما في كتابك، ثم يكبر ثلاث مرات و يركع ويقول: لك الحمد يا الهي
الهلكني و بغدادك احرقني، أسألك بموطى قدميك في هذا البديء و بلتيك لبنيك اصفياؤك في هذا الفضاء و بفضحت و حيك و
اجتراحاتي ابعثني عن التقرب اليك و جزيراتي تمنعني عن الورد في ساحة قدسك، أي رب حبك ارضاني و هجرتك
ويقول: يا الله الوجود و ملك الغيب و المشهود ترى عبراتي و زفرااتي و تسمع ضجيجي و صرخي و حنين فؤادي، و عزتك
الكاف بركنه النون، أشهد انه هو المسطور من القلم الاعلى و المذكور في كتب الله رب العرش و المثرى، ثم يقوم مستقيما
لسان العظمة من الأفق الابهى أنك أنت الله لا اله الا أنت و الذي ظهرته هو السر المكنون و المرمز المخزون التي به اقرن
عن الاسماء لا اله الا أنت العلي الابهى، ثم يقعد ويقول: أشهد بما شهدت الأشياء و المملا الاعلى و الجنة العليا و عن ورائها
سماء قربك أنكار المقربين او ان تصل الى فناء بلتك طينور أفئدة المخلصين، أشهد انك كنت مقدسا عن الصفت و مثرها
يا فاطر السماء، ثم يرفع يديه ثلاث مرات ويقول: الله اعظم من كل عظيم، ثم يسجد ويقول: سبحانك من ان تصعد الى
باب فضلك و الفاتي يزيد كوتر البقاء من ايلدي جودك لك الأمر في كل الأحوال يا مولى الاسماء و ولي التسليم و المرضاء
مالي و شأنني لأقوم لى باب مندين قربك او اتوجه الى الأنوار المشرقة من أفق سماء ارامتك، أي رب ترى المسكين يقرع
الحاكم في المبدء و المآب، الهي الهي عقوك شجعتي و رحمتك قوتني و نداؤك أيقظني و فضلك أقاهني و هدايتي اليك و الا

وأبراز قدرتك وإقتدارك. ثم يَقُومُ وَيَرْقَعُ يَدَيْهِ لِلْقُبُوتِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى وَيَقُولُ: لا إله إلا أنت العزيمُ الوهاب، لا إله إلا أنت
وَجَبْرُوتُ عِلْمِكَ، أي رَبُّ أَحِبُّ أَنْ أَسْأَلَكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ كُلِّ مَا عِنْدَكَ لِإِثْبَاتِ قَقْرِي وَأَعْلَاءِ عَطْلِكَ وَغِنَائِكَ وَأَخْطَارِ عَجْزِي
زُوحِي مُهْتَرًا فِي جَوْلَارْحِي وَأَرْكَانِي شَوْقًا لِعِبَادَتِكَ وَشَغْفًا لِذِكْرِكَ وَتَمْنًا وَيَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ بِهِ لِسَانُ أَمْرِكَ فِي مَلَكُوتِ بِيَانِكَ
فِي حُكْمِكَ وَالْمُخْتَارِ فِي أَمْرِكَ، ثُمَّ يَرْقَعُ يَدَيْهِ وَيُكَبِّرُ ثَلَاثَ مَرَاتٍ ثُمَّ يَنْحَنِي لِلرُّكُوعِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَيَقُولُ: يَا إِلَهِي تَرَى
قَصْدَ بَحْرِ غَفْرَانِكَ وَالْمَنْدِيلِ بِسَاطِ عَزِّكَ وَالْمَفْقِيرِ أَفْقَ غِنَائِكَ، لَكَ الْأَمْرُ فِيمَا تَشَاءُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَحْمُودُ فِي قَوْلِكَ وَالْمَطَاعُ
تَمْتَعْنِي عَمَّا عِنْدَكَ يَا مَلِكَ الرُّقْبِ، يَا رَبِّ تَرَى الْغَرِيبَ سُرْعًا إِلَى وَطْنِهِ الْأَعْلَى ظِلَّ قَلْبِ عَظَمَتِكَ وَجَوْلَارِ رَحْمَتِكَ وَالْمَعَايِي
:يَا مَنْ فِي فِرَاقِكَ نَابِتِ الْقُلُوبِ وَالْأَكْبَادِ وَبِنَارِ حُبِّكَ أَشْتَعَلُ مَنْ فِي الْيَلَادِ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ سَخَّرْتَ الْأَفَاقَ يَا مَنْ لَا
كُوتَرَ الْحَيَوانِ لِيَبْقَى بِهِ ذَلَّتِي بِدَوْلِمِ سُلْطَنَتِكَ وَيَذْكُرَكَ فِي كُلِّ عَالِمٍ مِنْ عَوَالِمِكَ. ثُمَّ يَرْقَعُ يَدَيْهِ لِلْقُبُوتِ مَرَّةً أُخْرَى وَيَقُولُ
ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ: سُبْحَانَكَ مَنْ أَنْ تَوْصِفَ يَوْصِفَ مَا سِوَاكَ أَوْ تَعْرِفَ بِغَرْفَانِ دُونِكَ. ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ: يَا رَبِّ فَاجْعَلْ صَلَاتِي
بَلِّ إِلَى إِرَادَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ يَا مَلِكَ الْأُمَمِ مَا أُرَدْتُ إِلَّا مَا أُرَدْتَهُ وَلَا أُحِبُّ إِلَّا مَا تُحِبُّ
الْمَقْدَسِيَّةَ عَنِ الذِّكْرِ وَالْتِنَاءِ كُلِّ مَا يَظْهَرُ مِنْ عِنْدِكَ هُوَ مَقْصُودُ قَلْبِي وَمَحْبُوبُ قَوْلَانِي، إِلَهِي إِلَهِي لَا تَنْظُرْ إِلَى أَمَلِي وَعَمَلِي
مِشِيَّتِكَ وَإِرَادَتِكَ وَ مَا أُرِيدُ إِلَّا رِضَاكَ، أَسْأَلُكَ بِبَحْرِ رَحْمَتِكَ وَشَمْسِ قُضْلِكَ بِأَنْ تَقْعَلَ بِعَفْدِكَ مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَعَزَّتِكَ
عَمَّا سِوَاكَ مَتَمَسِّكَ بِحُبِّكَ الَّتِي بِحَرَكَتِهِ تَحْرِكُ الْمُمَكِّنَاتِ، يَا رَبِّ أَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ أَلْهُمَّ كُونْ حَاضِرًا قَائِمًا بَيْنَ أَيْدِي
إِلَى بَحْرِ وَصَالِكَ. ثُمَّ يَرْقَعُ يَدَيْهِ لِلْقُبُوتِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَيَقُولُ: يَا مَقْصُودَ الْعَالِمِ وَمَحْبُوبَ الْأُمَمِ تَرَانِي مُقْبَلًا إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا
أَسْأَلُكَ بِمَطَالِعِ عَيْبِكَ الْعُلِيِّ الْأَبْهَى بِأَنْ تَجْعَلَ صَلَاتِي نَارًا لِتُحْرِقَ حُجْبَاتِي الَّتِي مَتَّعْتَنِي عَنْ مُشَاهِدَةِ جَمَلِكَ وَنُورًا يُدَلِّي
وَاسْتَقَرَّ فِي مَقَامِهِ يُنْظَرُ إِلَى الْيَمِينِ وَالشِّمَالِ كَمَنْ يَنْتَظِرُ رَحْمَةَ رَبِّهِ الزَّخْمَانَ الرَّحِيمِ ثُمَّ يَقُولُ: يَا إِلَهَ الْأَسْمَاءِ وَ فَاطِرَ السَّمَاءِ
صَلَاتِ كَبِيرِ صَلَاتِ كَبِيرِ كَه تَلَاوَتِ أَنْ دَرِ شَبِّ وَ رُوزِ يَكِ بَارِ كَافِي اسْتِ. لِلْمُصَلِّي أَنْ يَقُومَ مُقْبَلًا إِلَى إِلَهِي وَإِنَّا قَامَ

BH01125

يا إلهي متمسكا باسمك الأقدس الانور الأعز الأعظم العلي الأبهى و متشبثًا بذيل تشبث به من في الآخرة و الأولى
و اشراق أنوار شمس جمالك و أغصانك بأن تكفر جريبات الذين تمسكوا بأحكامك و عملوا بما أمروا به في كتابك تراني
بأمرك أجر الذين لم يتكلموا إلا بالذنك و ألقوا ما عندهم في سبيك و حبك أي رب أسألك بنفسك و آياتك و بيناتك
و الطافك و بالاسم الذي به ماج بحر الغفران أمام وجهك و أمطر سحاب الكرم على أرقائك أن تكتب لمن أقبل إليك و صام
العاشقين و ضجيج المشتاقين و صريخ المقربين و حنين المخلصين و به قضيت أمل الآملين و أعطيتهم ما أرادوا بفضلك
الأعظم العلي الأبهى و متشبثًا بذيل تشبث به من في الآخرة و الأولى اللهم اني أسألك باسمك الذي به سمعت نداء
في سبيك أن تكتب لي من قلمك الأعلى ما كتبه لأمناك و أصفياك تراني يا إلهي متمسكا باسمك الأقدس الانور الأعز
في الآخرة و الأولى اللهم اني أسألك بنور وجهك الذي ساق المقربين الى سهام قضائك و المخلصين الى سيوف الأعداء
و أظهرته بارادتك تراني يا إلهي متمسكا باسمك الأقدس الانور الأعز الأعظم العلي الأبهى و متشبثًا بذيل تشبث به من
بها طار النوم عن عيون أصفياك و أولياك و قيامهم في الاسحار لذكرك و ثنائك أن تجعلني ممن فاز بما أنزلته في كتابك
الانور الأعز الأعظم العلي الأبهى و متشبثًا بذيل تشبث به من في الآخرة و الأولى اللهم اني أسألك بنار محبتك التي
المختار أن تعرفني ما كان مكنونًا في كنانة عرفانك و مستورًا في خزائن علمك تراني يا إلهي متمسكا باسمك الأقدس
هاجت الارياح و ظهرت الاثمار و تطاولت الاشجار و محت الآثار و خرقت الاستار و سرع المخلصون الى أنوار وجه ربهم
متشبثًا بذيل تشبث به من في الآخرة و الأولى اللهم اني أسألك بالمحرف التي انا خرجت من فم مشيتك ماجت البحار و
و تقربني الى مقام تجلى فيه مطلع آياتك تراني يا إلهي متمسكا باسمك الأقدس الانور الأعز الأعظم العلي الأبهى و
اللهم اني أسألك بحفيف سدرة المنتهى و هزيز نسما آياتك في جبروت الاسماء أن تبعدني عن كل ما يكرهه رضاؤك
يا إلهي متمسكا باسمك الأقدس الانور الأعز الأعظم العلي الأبهى و متشبثًا بذيل تشبث به من في الآخرة و الأولى
الذي به احتترقت أكباد العشاق و طارت أفئدة من في الأفق أن توفقني على نكرك بين خلقك و ثنائك بين بريتك تراني

الاعزّز الاعظم العلي الابهي و متشبتًا بذيل تشبت به من في الآخرة و الاولى اللهم اني أسألك بمظهر اسمك المحبوب و كبر عن ورائه بأعلى النداء بأن تجعلني فانيًا عمًا عندي و باقيًا بما عندك تراني يا الهي متمسكا باسمك الاقدس الانور تشبت به من في الآخرة و الاولى اللهم اني أسألك بجمالك المشرق من افق البقاء المنى اذا ظهر سجد له ملكوت الجمال به ارادتك و ظهر من مشيتك تراني يا الهي متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعزّز الاعظم العلي الابهي و متشبتًا بذيل و الاولى اللهم اني أسألك بخباء مجدك على أعلى الجبال و فسطاط أمرك على أعلى الاتلال أن تؤيدني على ما أريد بيانك تراني يا الهي متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعزّز الاعظم العلي الابهي و متشبتًا بذيل تشبت به من في الآخرة أسألك باسمك الذي جعلته سلطان الاسماء و به انجذب من في الارض و السماء أن تريني شمس جمالك و ترزقني خمر متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعزّز الاعظم العلي الابهي و متشبتًا بذيل تشبت به من في الآخرة و الاولى اللهم اني على خدمة أمرك على شأن لا يعقبه المقعود و لا تمنعه اشارات الذين جادلوا بآياتك و أعرضوا عن وجهك تراني يا الهي الموجه كما يتحرك على صفحات اللوايح قلمك الاعلى و بها تضوعت رائحة مسك المعاني في ملكوت الانشاء أن تقيمني العلي الابهي و متشبتًا بذيل تشبت به من في الآخرة و الاولى اللهم اني أسألك بشعراتك التي يتحرك على صفحات أن تجذبني من نفحات قميصك و تشربني من رحيق بيانك تراني يا الهي متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعزّز الاعظم بذيل تشبت به من في الآخرة و الاولى اللهم اني أسألك بضياء عرتك المقراء و اشراق أنوار وجهك من الافق الاعلى تبعدني عن ظل رحمتك و قباب كرمك تراني يا الهي متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعزّز الاعظم العلي الابهي و متشبتًا به من في الآخرة و الاولى اللهم اني أسألك بندائك الاحلى و الكلمة العليا أن تقربني في كل الاحوال الى فناء بابك و لا فضلك بين خلقك تراني يا الهي متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعزّز الاعظم العلي الابهي و متشبتًا بذيل تشبت اللهم اني أسألك بالآية الكبرى و ظهور فضلك بين المورى أن لا تطردني عن باب مدينة لقائك و لا تخيبني عن ظهورات بسمه المشرق من افق البيان

BH01313NAM

المفطى العليم الحكيم يا الهي اسمك شفائي وذكرك دوائى وقرئك رجائى وحبك مؤنسى ورحمتك طبيبى ومغيبى فى الدنيا والآخرة وانتك انتك

BH02022

الله العليم الجميل من الذين هم آمنوا بالله وباللنى ببعثه الله فى يوم القيمة و كانوا على مناهج الحق لمن المسلمين و يكشف ضره و يقرج كربته و الله هو الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين ثم تكرر من لنا كل من سكن فى مدينة و رحمة من لنا لتكون من المشاكسين فو الله من كان فى شدة او حزن و يقرؤ هذا اللوح يصدق مبین يرفع الله حزنه ايلمك و لا تكن من المصابرين فان الله قد قدر لقرانه اجر مائة شهيد تم عبادة المتقلين كذلك ممتنا عليك بفضل من عندنا فقد عرض عن الرسل من قبل تم استكبر على الله فى ازل الازل الى ايد الأبدین فاحفظ يا احمد هذا اللوح ثم لقراه فى المظنون بينهم و قلوبهم و تمتعهم عن سئل الله العلي العظيم و انتك انتك فى ذلتك بان الذى عرض عن هذا الجمال و ليس لهم من بصير ليعرفوا الله بغيونهم اويسمفوا تفعلته بأذنانهم و كذلك اشهدناهم ان انت من المشاهدين كذلك حالت فى سبيلى لو التلة لأجل اسمى لا تضطرب فتوكل على الله ربك و رب آباءك الأولين لأن الناس يمضون فى سئل الموهم من فى السموات والارضين و كن كشملة النار لاعدائى و كوثر البقاء لاجبائى و لا تكن من الممترين و ان يممسك الحزن و غربتي فى هذا المسجن البعيد و كن مستقيماً فى حبي بحيث لن يحول قلبك و لو تضرب بسيوف الأعداء و يمتعك كل و لن يستطيعوا و لو يكون بعضهم لبعض ظهيراً ان يا احمد لا تنس فضلى فى غيبتى ثم تكرر ايامى فى ايلمك ثم كربتى

يا قوم ان تكفروا بهذه الآيات فيأتي حجة أمثتم بالله من قبل هاتوا بها يا مالأ الكاذبين لا قولذي نفسي بيده لن يقدرُوا
في هذا السجن و ما عليه إلا البلاغ المبين فمن شاء فليعرض عن هذا النصيح و من شاء فليتخذ الى ربه سبيلاً قل
في البيان من لدن عزيز حكيم قل ان الله سلطان المرسل و كتابه لأم الكتاب ان انتم من المعارفين كذلك يذكركم النورقاء
و اللى ارسله باسم علي هو حق من عند الله و اننا كل بآمره لمن العالمين قل يا قوم فاتبعوا حدود الله التى فرضت
الذى اتمر بفوايكه الله العلي المقتدر العظيم ان يا احمد فاشهد بانته هو الله لا اله الا هو السلطان المهيمن العزيز القدير
هنا لمنظر الاكبر الذى سطر في الواج المرسلين و به يقصل الحق عن الباطل و يفرق كل امر حكيم قل ان الله لشجر الروع
بهذا الثناء الذى فصل من تبا الله الملك العزيز المفريد و تهدي المحبين الى مقعد القدس ثم الى هذا المنظر المنير قل ان
سدرة البقاء بالحلان قدس مليح و تبشر المخلصين الى جوار الله و الموحدين الى ساحة قرب كريم و تخبر المتقطعين
هو السلطان التعليم الحكيم هذه ورقة الفردوس تغنى على الفان

BH02198

اى پروردگار مرا ثابت دار تا در سبيلت دليل متخيرين گردم و در طريقت هاسى هر طالب كليل توئى مقتدر و توانا.
و ظهير گشتى و افتاده الى را مجير و دستگير . ستايش و نيايش تو را سزاوار كه بزرگوارى و معين و مجير هر نيكوكار
هو الابهى اى محبوب يكتا اى مقصود بى همتا، عون و عنايت فرمودى و صون و حمايت نمودى، بيجاره الى را معين

BH02307

لى وجهك و جادل ببرهانك و قر من حكومتك و اقتدارك و كان من المشركين في الولوج القدس من اصبح الامر مكتوباً.
طاف في حوكك و حضر لقاء غرشك، قويل لمن ظلمك وأنت كرك و كقر بآياتك و جاحد بسطاطك و حارب بنفسك و استكبر
الله، و من فاز بقلائك فقد فاز بقاء الله، فطوبى لمن آمن بك و بآياتك و خضع بسطاطك و شرف بقلائك و بلغ برضائك و
فصل بين الممكتات و صعد المخلصون الى التزوة العليا والمشركون الى التركت السفلى، و أشهد بان من عرقك فقد عرف
وهدت الممكتات و بعثت الظهورات، و أشهد ان بجمالك ظهر جمال المعبود و بوجهك لاح وجه المقصود و بكلمة من عندك
سماء القضاء وطلع جمال الغيب عن أفق البداء، و أشهد ان بحركة من قلمك ظهر حكم الكلف والمئون وبرز سر الله المكنون،
من في الأرض والسماء، أشهد ان بك ظهرت سلطنة الله واقتداره وعظمة الله وكبرياؤه، وبك اشرفت شمس المقدم في
الثناء التي ظهر من نفسك الأعلى والمبهاء الذي طلع من جمالك الابهى، عليك يا مظهر الكبرياء و سلطان البقاء و مليك
لثجتي عن نفسي و عن الدنيا الى شطر قربك و لقلائك و انك أنت المقتدر على ما تشاء و انك كنت على كل شيء محيطاً.
فيا الهي و محبوبي فأرسل الي عن يمين رحمتك و عنايتك تفحلت قدس أطلاقك

صل اللهم يا الهي على عبدك الفانيين و امائك الفانزليت انك أنت الكريم نوالفضل العظيم لا اله الا انت الغفور الكريم.
و فروعها بدوالم اسمائك الحسنى و صفاتك العليا ثم احفظها من شر المعتدين و جنود الظالمين انك أنت المقتدر القدير،
انك أنت المقتدر المتعالي العزيز الغفور الرحيم، صل اللهم يا الهي على المسندرة و اوراقها و اغصانها و افنانها و اصولها
وجهك و اتبعوا ما أمروا به حبا لنفسك أن يكشف السبحات التي حالت بينك و بين خلقك و يرزقني خير الدنيا والاخرة
أمرت من لدن عليهم حكيم. زوجي لضرك الفداء و نفسي لبلائك الفداء أسأل الله بك وبالذين استضأت وجوههم من انوار
ايمانك في عمرات المباليا مرة كنت تحت المسلسل و الأغلال و مرة كنت تحت سيوف الأعداء و مع كل ذلك أمرت الناس بما
عليك يا جمال الله تناء الله و تكبره و بهاء الله و نوره أشهد بان ما رأيت عيّن الإبداع مظلوماً شهبك كنت في

BH03447

تؤمى يومياً في الصباح والمزوال والمساء

على أوليائك الذين ما منعتهم شؤونات الخلق عن الإقبال إليك وأنفقوا ما عندهم رجاء ما عندك. إنك أنت المغفور الكريم. قد أظهرت أمرك ووفيت بعهدك وفتحت باب فضلك على من في السموات والأرضين. والمصلاة والسلام والتكبير والبهاء بأذيال رحمتك وفضلك يا أرحم الراحمين. ثم يقعد ويقول: أشهد بوحدانيتك وفردانيتك وبأنك أنت الله لا إله إلا أنت دوني ووصفي ووصف من في السموات والأرضين. ثم يقوم للقنوت ويقول: يا إلهي لا تخيب من تشبث بأنامل الرجاء الملك والمملوك والمعزة والمجربوت لله مولى المورى ومالك العرش والثرى. ثم يركع ويقول: سبحانك عن نكري ونكر الظهور ومكلم الطور الذي به أنار الأفق الأعلى ونطقت سدرة المنتهى وارتفع النداء بين الأرض والسماء قد أتى المالك المتوجه إلى غيرك. وبعد له أن يقوم متوجهًا إلى القبلة ويقول: شهد الله أنه لا إله إلا هو. له الأمر والمخلق. قد أظهر مشرق ملكها. إنك أنت المقتدر القدير. وفي حين غسل الوجه يقول: أي رب وجهت وجهي إليك. توربه بأنوار وجهك ثم احفظه عن حين الغسل يقول: إلهي قو يدي لتأخذ كتابك باستقامة لا تمنعها جنود العالم ثم احفظها عن التصرف فيما لم يدخل في ومن أراد أن يصلي له أن يغسل يديه وفي

BH04569

بؤزد و شميم احسان مرور نمايد، مشامها معطر گرد، رويها متور شود. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان. پرتو موهبت بيفزايد، شمع غفران بر افروزد و پرده عصيان بسوزد، صبح اميد آمد، ظلمت نوميد زائل گرد، نسيم المطف كهيم و متضرع در هر صبحگهيم، ای بزرگوار، خطا ببوش و عطا ببخش، وفا بفرما، صفا عنایت کن تا نور هدايت تابد و هوالمه ای یزدان مهربان، سرا پا گنهيم و خلك

BH04990

تابش و درخشش فراوان بنما، شاید این قلوب افسرده تازه و زنده گرد و این نفوس مُرده حیات بی اندازه یابد. ابهات فیض انوار کن و از ملکوت اعلايت بذل اسرار نما. ای نیسان عنایت، بارش و ریزش ارزان کن و ای شمس حقیقت نظر فرما، آه و فغانم جمع طیور را به فریاد آورده و آه پر حسرت قلبم چون شعله سوزان به جلن جهان آتش زده، از افق ضعیفم و پشه نحیف، بال و پری شکسته دارم و پائی از دوری بادی حسرت خسته، چشم گریانم بین و جگر سوزانم هوالابهی پروردگارا، مور

BH05849

ثم اجعلهم من الذين طافوا حولك و يطوفون حول عرشك في كل عالم من عوالمك انك انت المقتدر العليم الخبير. واصلك اسألک يا ملك الملوك و راجم المملوك ان تقدر لهم خيرا لدنيا و الآخرة ثم اكتب لهم ما لا عرفه احد من خلقك انزلته في الواحك اي رب اشربهم من يد عطائك كوتر بقاتك ثم اكتب لهم اجر من انقمس في بحر لقاك و فاز برحيق كتابك بقوةك و عملوا ما امرؤا به من عندك و اختاروا ما نزل لهم من لدنك اي رب تری انهم اقرؤا و اعتزفوا بكل ما مقاما لدى ظهور نور وجهك اي رب اولئك عباد ما متعهم الهوى عما انزلته في كتابك قد خضعت اعناقهم لامرك و اخذوا اي رب اسألک بتلك الايام و الذين تمسكوا فيها بحبل اولمرك و عزوة احكامك بان تجعل لكل نفس مقرا في جوارك و سميتها بايام الهاء في كتابك يا ملك الاسماء و تقربت ايام صيالك التي فرضته من قلمك الاعلى لمن في ملكوت الانشاء قوله تعالى: بسمي الاعظم يا الهى و نارى و تورى قد تخلت الايام التي

BH07469

از جيب قوت بر آر و این نفوس درگل مانده را نجات ده. توئی مالک اراده و سلطان جود. لا اله الا انت العزيز الوهاب.

مَواج و به ايك اشراق تير امر، آفتاب جود و غفران ظاهر و هويدا. همه بندگان تو اند و به امید کرمت زنده اند. دست قدرت نموده، بر عبادت رحم فرما و تأیید نما بر اعمال و اخلاق و اقوالی که لایق ایام تو است. به يك كلمه عليا بحر بخششت الهی. الهی اولیای خود را حفظ فرما. توئی آن کریمی که عفت عالم را احاطه

BH08308

آر تا منجیب آفاق گردم و سرگشته و سودائی آن جمل پُر انوار شوم و جان و روان قربان نمایم وعلیک المتحیة و المثناء. مظاهر شیطانیه افسرده گشته. ای پروردگار، از آن جام سرشار قطره‌الی نثار فرما و از آن گلشن فدا نفع‌الی به مشلم من به سهام شیطانی خسته گردیده. این نفوس نَفیسه در دست هر خسیسی گرفتار شده و این وجوه نورانی به غبار طغیان سرهای بزرگوار در زیر پای‌های جَهاال پایمال شده، حنجر نورانی به خنجر نفوس ظلمانی آزرده گشته و قلوب رحمانی در راه محبتت به خون آغشتند، هر سینۀ مانند آینه پاره پاره گشتند و هر دلی از آب و گل آزاده، شرحه شرحه شده، هوالله ای پروردگار، این عزیزان دلیل سبیل تو گشتند و این مه رویان

BH08855

جوش و خروش آنیم و از پیمان‌ه پیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران. و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مُشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به بحر عصیان مُستغرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر مُستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیمارز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه‌کاریم بد رفتاریم، در جان شو، بی کسم مُعین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مادون در هجرانم پر حرانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مُجیر شو افتاده‌ام دستگیر شو، غریبم مُونس پیمان‌ه پیمان، افتاده‌ام بیچاره‌ام دلداه‌ام شیدائیم سودائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم، هوالله ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیمان، در رهت افتان و خیزان و سرمست

BH09085

لِسْمَاءَ جُودِكَ وَبِحِرِّ أَفْضَالِكَ وَتَدَخُّلِهِ فِي جَوْلِ رَحْمَتِكَ الْكَبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لِأَنَّكَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ وَتَوَجَّهْتَ إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَنْ سِوَاكَ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، أَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الْمُتَنُوبِ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بِأَنْ تَعْمَلَ بِهَا مَا يَنْبَغِي . اللَّهُ أَبْهَى يَشْرَعُ فِي التَّكْبِيرِ لِسِتَّةِ مَرَاتٍ . يَا إِلَهِي هَذَا عِبْدُكَ وَابْنُ عَيْدِكَ الَّتِي آمَنَ بِكَ وَبِآيَاتِكَ مرتبه قرائت شود: انا كل لله عابدوننا كل لله ساجدوننا كل لله قائلوننا كل لله شاكروننا كل لله صلبرون بايد بعد از هر تكبير الله ابهى نوزده بايد اين انكار هر يك نوزده مرتبه بعد از هر تكبير الله ابهى گفته شود.

لِسْمَاءَ جُودِكَ وَبِحِرِّ أَفْضَالِكَ وَتَدَخُّلِهَا فِي جَوْلِ رَحْمَتِكَ الْكَبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لِأَنَّكَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ . وَتَوَجَّهْتَ إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَنْ سِوَاكَ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، أَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الْمُتَنُوبِ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بِأَنْ تَعْمَلَ بِهَا مَا يَنْبَغِي وَفِي الْإِنْسَاءِ يَقُولُ بِرَأْيِ أَمَامِ الرَّحْمَنِ قَرَأْتُ شُود: يَا إِلَهِي هَذِهِ أُمَّتُكَ وَابْنَةُ أُمَّتِكَ الَّتِي آمَنَتْ بِكَ وَبِآيَاتِكَ

BH09364

إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمُقَدَّسِ الْمُحْمَدِ لِتَشْكُرَ اللَّهُ رَبَّكَ وَتَتَذَكَّرُهُ بِذِكْرِكَ يَتَذَبُّهُ بِهِ أَهْلُ الْمَرْقُودِ . حضرت بهاء الله رساله

أنا المقتدر على ما كان وما يكون طوبى لمن عمل بما أمر من لدى الله وويل لكل غافل مريد . أنا نزلنا الآيات و أرسلناها
ثم عرفوا قدرها لأنها تحكى عن هذا الاسم الذى به سخر الله الغيب والشهود . أنا جعلناها قبل المصيام فضلاً من عندنا و
هذه أيام الهاء و أمرنا الكل أن ينفقوا فيها على أنفسهم و على الذين توجهوا الى هذا المقام المرفوع . إن اذكروا الله فيها
قوله تعالى : هو الاقدس الاعظم الابهى سبحانه الذى أظهر نفسه كيف اراد . انه لهو المقتدر المهيمن القيوم

BH09855

فرما تا اين نفوس نفيسه به اعلى درجه فلاح و نجاح وصول بيابند . توئى مقتدر و توئى دهنده و بخشنده و بينا .
آمال سرشار فرما ، انوار تابان كن ، پرتو عنایت ببخش ، مظهر موهبت بفرما ، روز به روز ترقى بخش و الطاف افزون
هوالمه اى پروردگار مهربان ، اين كسان بنده آستانند و در نهايت صدق و راستى و درستى ، جلم

BH10688

تحفظنى بوجودك و فضلك ثم ارجعنى الى محلى بحولك و قوتك . انك انت المقتدر المهيمن القيوم . حضرت بهاء الله
و حراسيتك . اسألك بقدرتك التى بها حفظت اولياك من كل نى غفلة و نى شرارة و كل ظالم عنيد و كل فاجر بعيد . بان
فى حين الخروج عن المدينة . قل الهى الهى . خرجت من بيتى متعصماً بحيل عنایتك و اودعت نفسى تحت حفظك
هوالمه تعالى شأنه العظمة و الاقتدر . يا ايها المتكور لدى المظلوم

BH11209

الهي الهي

لعرفانك وعبادتك . أشهد في هذا الحين بعجزى وقوتك وضعفى واقتدارك وفقري وغنائك . لا إله إلا أنت المهيمن القيوم .
أشهد يا الهي بأنك خلقتني

BHU004SUF

هوالمهيمن القيوم

بركة من عندك ثم ارجعنى الى البيت سلماً كما اخرجتني منه سلماً مستقيماً . لا إله الا انت الفرد الواحد العليم الحكيم .
اصبحت يا الهى بفضلك و اخرج من البيت متوكلاً عليك و مقوضاً امرى اليك فأنزل علي من سماء رحمتك